



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

۲

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجومعلمین،
استادان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره سی و نهم - ۱۳۹۹
شماره پیدرپی ۳۳۲ - ۴۸ صفحه - ۳۵۰۰۰ ریال



کیمیای
گمشده



آرامشت
با من



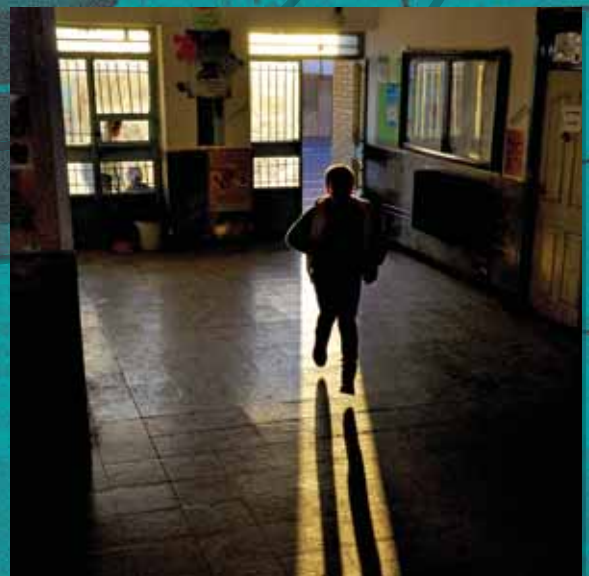
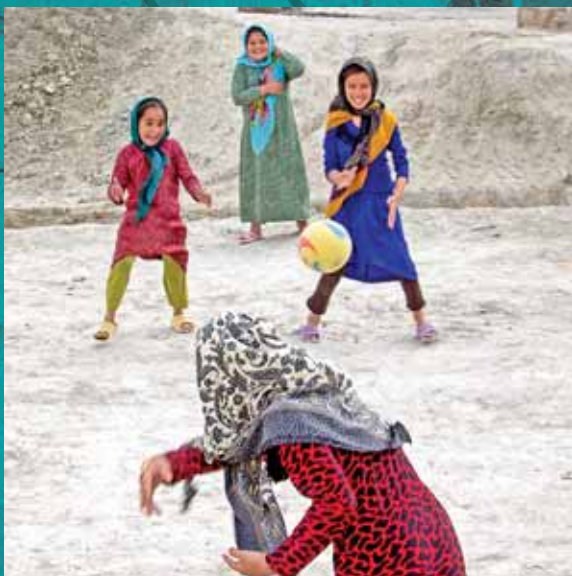
امنیت در
فضای مجازی

ISSN: 1606-9129
www.roshdmag.ir

مهم‌ترین
رسالت معلم



نگاه دوربین



معلم

۲

رشد



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی / دوره ۳۹ / شماره پیاپی ۳۳۲ / ۴۸ صفحه

اللهم صلی علی محمد وآل محمد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

- مهم‌ترین رسالت معلم / دکتر محمدطیب صحرائی ۲
- کیمیای گمشده / دکتر نرگس سجادیه ۴
- هیچ آموزشی جای آموزش حضوری را نمی‌گیرد / هوشنگ غلامی ۶
- آرامش با من / دکتر کیومرث فرحبخش ۱۵
- عصر حاکمیت اطلاعات / ائلدار محمدزاده‌صدیق ۱۳
- سینمای مدرسه / روح الله مالمیر ۱۶
- کلاس پیدا؛ کلاس ناپیدا / محمد تابش ۱۹
- خدایی دیدن / حجت‌الاسلام محمد محرابی ۲۲
- تربیت را فراموش نکنیم / دکتر میثم صداقت‌زاده ۲۴
- اینجا هم تعاملی لازم است / مینا پاکپور ۲۶
- این فضا با فرهنگ ما بیگانه است / علیرضا شایق ۲۸
- امنیت در فضای مجازی / سعید چگینی ۳۱
- محمدها / دکتر حامد تقدیری ۳۴
- دختری روی ویلچر / رضوان سادات باختر ۳۶
- انشای ۱۳ / کبری محمودی ۳۸
- گلدان پایه بلند / زهره سزاواررحمت ۴۵
- ایده‌یابی / حسین حسینی‌نژاد ۴۲
- گزینش معلمان / خلیل جوادیار ۴۴
- معرفی کتاب / سکینه عسلی طالکوئی ۴۶
- خاطره کرونا بی من / مریم غفاری ۴۸

مدیرمسئول: محمدابراهیم محمدی
سردبیر: دکتر محمدطیب صحرائی
اعضای شورای برنامه‌ریزی:
دکتر میثم صداقت‌زاده
خلیل جوادیار
دکتر حامد تقدیری
دکتر سجاد مهدی‌زاده
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش یارسانزاد
دبیر عکس: پرویز قراگوزلی
طراح گرافیک: سیدجعفر ذهنی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهرشمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
roshdmag: 
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۲۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
فکس: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
چاپ و توزیع: شرکت افست

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



مهم‌ترین رسالت معلم

دکتر محمدطیب صحرایی

← اگر از یک خلبان پرسید مهم‌ترین وظیفه‌اش چیست، چه جوابی خواهید شنید؟ اگر همین سؤال را از یک کشاورز، مغازه‌دار، کارگر کارخانه، کارمند بانک یا کسانی با مشاغل دیگر پرسید، چه جواب‌هایی دریافت خواهید کرد؟ اگر افراد شناخت کاملی از شغل و کار خود نداشته باشند، چقدر موفق خواهند بود؟ اساساً موفقیت در هر شغلی چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ یکی از مهم‌ترین مباحثی که باید در مراکز تربیت معلم و مربی می‌پردازند، به آن اهتمام ورزید، رسیدن به پاسخ چنین سؤالاتی است. هر معلم در مسیر زندگی خود دو گروه مخاطب را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. گروه اول دانش‌آموزان و فراگیرندگان مستقیم معلم هستند و غالباً در محیط‌های متداول آموزشی و تربیتی با او در ارتباطند و گروه دوم را می‌توان اطرافیان و سایر مردمی در نظر گرفت که در هر محیط دیگری ممکن است در تعامل با معلم، دانش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی را از وی ببینند و یاد بگیرند.

بدون تردید، هر یک از همکاران گرامی می‌توانند فهرستی از مهم‌ترین رسالت‌های پیشنهادی را برای شغل و جایگاه معلمی مطرح کنند و برای پیشنهادهای خود دلایل و تجربه‌های مفصلی نیز دارند. وقتی سال‌های معلمی همکاران از عدد یک عبور می‌کند و به‌ویژه زمانی که پا در مسیر دو رقیمی شدن می‌گذارد، آن‌قدر تجربه‌های تلخ و شیرین در ذهنشان جای می‌گیرد که پاسخ‌هایشان به چنین سؤالاتی را شنیدنی و قابل تأمل می‌کند. شاید بعضی جواب‌ها رنگ و بوی آموزشی

داشته باشند و انتقال برخی دانش‌ها را مهم‌ترین رسالت معرفی کنند. احتمالاً بعضی جواب‌ها روی مهارت‌های خاصی متمرکز شوند و ارائه آن‌ها را مهم‌ترین کار معلم بشمارند. می‌توان پیش‌بینی کرد که گروهی از همکاران گرامی نیز بر مباحث پرورشی تأکید کنند و مهم‌ترین‌ها را در این حوزه مدنظر قرار دهند. یک راه و معیار برای رسیدن به پاسخ می‌تواند فراگیری تأثیر آن رسالت، بر مخاطبان باشد. عمق اثرگذاری یا ماندگاری نیز می‌تواند نکته مهم بعدی برای این منظور باشد. از دیگر راه‌های قابل استفاده برای رسیدن به مهم‌ترین وظیفه و نقش معلم، می‌تواند این باشد که انجام نشدن یا کامل نشدن آن توسط معلم و دریافت نکردن آن را توسط مخاطبان تصور کنیم. یعنی مثلاً فکر کنیم اگر معلم خوب آموزش ندهد، چه اتفاقی برای خودش و مخاطبانش خواهد افتاد؟ آیا آسیبی که به‌وجود می‌آید قابل جبران خواهد بود؟ میزان و عمق ضررهای احتمالی چقدر می‌تواند باشد؟ ...

به نظر می‌رسد، اگرچه کاستی در انجام هر بخش از وظایف و مسئولیت‌های معلمی ممکن است آسیب‌های بزرگ و سختی را به بار آورد و خود معلم و مخاطبان را دچار زحمات مادی و معنوی کند، اما آنچه خودش می‌تواند شروع انواع حرکت‌های زندگی‌بخش و اصلاحی را در همه ابعاد به دنبال داشته باشد و نبودش چه برای خود معلم و چه برای مخاطبان پایان حرکت‌ها و اقدامات مفید را در پی خواهد داشت، مفهوم و مقوله بسیار مهمی به نام «امید و انگیزه» است.

هر انسان معمولی ممکن است در زندگی خود انواعی از دانش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها را داشته باشد و برای تحقق اهداف و خواسته‌هایش به اندازه‌ای تلاش کند، اما به راحتی می‌توان دید که بیشترین توانمندی‌ها با ناامیدی و بی‌انگیزگی به شکست خواهند انجامید، حال آنکه توانمندی‌های کمتر و محدودتر با امیدواری و انگیزه واقعی (و نه خیالی) پیروزی‌های ارزشمند و افتخارات پی‌درپی را نتیجه خواهند داد. بدون امیدواری، حتی موفقیت‌های پیشین تکرار نخواهند شد، در حالی که با امید و انگیزه می‌توان از شکست‌ها پل پیروزی ساخت و اشکالات و خطاهای گذشته را جبران و اصلاح کرد. معلم اگر خدای ناکرده امید و انگیزه لازم را برای پویایی و رشد و تعالی نداشته باشد، ضمن آنکه اولین آسیب جبران‌ناپذیر را خودش خواهد دید و تداوم فعالیت زیبا و اثرگذار خود را تکرار نخواهد کرد، بدون تردید و ناخواسته پر پرواز دانش‌آموزان و شاگردان خود را خواهد برید و از عقاب‌های تیز پرواز آینده، مرغان خانگی سربه‌زیر خواهد ساخت. دانش‌آموزان ما هر اندازه فارسی، ریاضی، شیمی و حتی دین و زندگی بیاموزند، یا هر اندازه مهارت‌های فنی و هنری کسب کنند، اگر به آینده خود، جامعه و امکان اثرگذاری‌شان در جهانی که پیش رو دارند امیدوار نباشند، معمای بزرگی را حل نخواهند کرد و گره مهمی را از زندگی خود و دیگران نخواهند گشود. به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت مهم‌ترین وظیفه معلم، به‌ویژه در شرایط کنونی جامعه ما، امیدواری واقعی خود و امیدوارسازی



(علیه‌السلام)، نماد وحدت جامعه اسلامی ماست و اساساً قرآن کریم را با تعالیمی مانند آیه پنجم سوره قصص یا صد و پنجم سوره انبیاء می‌توان بزرگ‌ترین کتاب امید و انگیزه برای بشر دانست.

یکی از جلوه‌های تاریخ معاصر ما مردم ایران، از امیدواری و انگیزه برای زندگی مستقل و آزاد، روز سیزدهم آبان ماه، یعنی روز دانش‌آموز و فتح لانه جاسوسی است؛ روزی که همواره می‌تواند نماد هویت‌طلبی و استقلال و آزادی خواهی باشد. با امیدواری و امیدوارسازی، پیروزی‌های گذشته تکرارهای درخشان‌تری خواهند داشت و نبض این حرکت در دستان معلم است.

چنین اهدافی در تربیت دانش‌آموزان امروز، اساساً بدون امیدواری معلم و دانش‌آموزان ممکن نخواهد بود. معلم برای زمینه‌سازی باید سرشار از انگیزه و امید باشد و دانش‌آموزان برای تعالی پیوسته هویت خود، آن‌هم با تأکید بر آگاهانه و اختیاری بودن، باید سیراب از امید و انگیزه شوند.

ééé

آبان ماه پر از مناسبت‌های امیدبخش و انگیزه‌ساز است. آغاز امامت امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، نماد امیدواری واقعی همه ادیان الهی به پایان روشن و عادلانه تاریخ است. ولادت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و امام صادق

مخاطبان و دانش‌آموزان است. در سند مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش تربیت چنین تعریف شده است: «فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت مترببان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.» با تأمل دوباره در برخی کلیواژه‌های این تعریف، مانند «زمینه‌سازی»، «تکوین و تعالی پیوسته هویت»، «نظام معیار اسلامی»، «تحقق آگاهانه و اختیاری» و «حیات طیبه»، می‌توان گفت رسیدن به



کیمیای گمشده

© دکتر نرگس سجادیه، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

← در این صفحه از علی می‌نوشتیم؛ علی محسنی؛ دانش‌آموز سال دهمی که قرار است روزنوشت‌های خود را از کلاس و مدرسه بنویسد و ما را قادر سازد بار دیگر به تجربه‌های خودمان نگاهی بیندازیم؛ آن‌ها را ورنه انداز کنیم و بکشیم برای آینده آن‌ها را غنی کنیم.

در تار و پود وقایع روزمره علی محسنی، از عاملیت می‌گفتیم؛ از شخصیت مستقل و فهمی که به تدریج باید دانش‌آموز بیابد و برای زندگی واقعی آماده شود. این بار علی محسنی در تله‌ای ارتباطی گیر افتاده است. چیزی که همه ما در زندگی، بارها و بارها تجربه کرده‌ایم و تجربه می‌کنیم. پرسش مهم اینجاست که علی در مقام یک فرد عامل در رهایی از این تله ارتباطی چه باید بکند؟ معلم در فرایند این رهایی، چه کاری می‌تواند بکند؟ خود علی، کجای این رابطه است؟ چقدر در ساختن این تله نقش داشته و حالا باید مسئله را چطور مدیریت کند؟ در نگاهی کلان‌تر می‌توان پرسید دگردیسی دوستی‌های نوجوانی به سمت دوستی‌های بالغانه چگونه است؟ یا چگونه باید باشد؟

چند وقتی هست که از روابط دوستانه‌ام در کلاس به ستوه آمده‌ام. یک طرف، محمد شاهرخی با اون بیچه‌بازی‌های قهر و آشتی که همش می‌خواهد آدم را کنترل کنه؛ یک طرف دیگه حسین علی‌یاری که هر چی می‌خوام باهش حرف بزنم و دوست بشم، محل نمی‌ذاره. افکاری از این دست دائم ذهنم را به خودش مشغول می‌کنه و حتی تمرکز روی کار و درس‌م را هم ازم گرفته. مدت‌ها بود که با خودم فکر می‌کردم نمی‌تونم همینطور نظاره‌گر این وضع ناجور دوستیم با محمد شاهرخی باشم. من، دوستی با محمد را دوست داشتم؛ اون پسر با جریزه و زنگیه! از بازی‌های کامپیوتری سر در میاره و تا حدی هم با ما رانه! مهربونه و به فکر آدم هست! اما همش می‌خواد اختیار آدم دست اون باشه؛ با کی رفتی؟ به کی زنگ زدی؟ چرا با فلانی رفتی زنگ تفریح؟ چرا با فلانی قرار گذاشتی بری بازی؟ واقعا از این رفتارهای کنترل‌گرایانه‌اش خسته شده‌ام. تازه هر اتفاق کوچکی هم که می‌افته، زود قهر می‌کنه و تهدید می‌کنه که



دیگه باهات دوست نیستیم.

امروز بعد از زنگ تفریح، شاهرخی دوباره حرف‌هاش را شروع کرد. اینکه چرا با صبوری حرف می‌زنی؟ چرا می‌خواهی با اون دوست بشی؟ اون پسر اصلاً برازنده تو نیست و ... هر چی اون حرف می‌زد، من آمپریم بالاتر می‌رفت ... زنگ بعدی در فاصله ناهار و نماز، دیگه تصمیم خودم را گرفتم. واقعا تا کی می‌خواستیم توی تور این رابطه بمونم. شاهرخی با حرف‌ها و قهر و آشتی‌های مداومش، من را در چنگ خودش گرفته بود و اجازه نمی‌داد به هیچ کس دیگری نزدیک بشم، با هیچ کسی معاشرت کنم یا با کسی دوست بشوم. مردد بودم. اگه باهات سخت برخورد می‌کردم، از دستش می‌دادم. اگر هیچی نمی‌گفتم، اسارت‌تم تو رابطه بیشتر می‌شد. من این رابطه اسارت‌بار را نمی‌خواستیم ...

در همین فکرها بودم که آقای مرادی، دبیر فیزیک را دیدم که داشت دم دفتر با یکی از بچه‌ها حرف می‌زد. در واقع، اون شاگرد داشت حرف می‌زد و آقای مرادی، متفکرانه و برادرانه داشت گوش می‌داد. چقدر این حالت آقای مرادی را دوست داشتم. همیشه مثل یک برادر بزرگتر، آرام و مطمئن کنار بچه‌ها بود. اسمش معلم فیزیک بود و انصافاً فیزیک را هم خیلی خوب درس می‌داد اما واقعا یک عالم کار دیگه هم می‌کرد که فیزیک پیش اون‌ها پیش پا افتاده می‌نمود. یک لحظه به ذهنم خطور کرد: آقای مرادی! بله آقای مرادی، بهترین کسی بود که می‌توانستم در این مورد ازش کمک بگیرم. سرعتم را کم کردم، گوشه‌ای در تیررس نگاهش ایستادم و منتظر شدم تا گفت‌وگویش با آن دانش‌آموز کلاس یازدهمی تمام شود. در یکی از نگاه‌هایش، من را دید و جوری بهم نگاه کرد که گویی فهمیده باهات کار دارم. با خودم گفتم، ارزش این گفت‌وگو از کلاس ریاضی هم بیشتر است. باید بمانم تا بتوانم با آقای مرادی حرف بزنم. زنگ زده شد و آقای مرادی هنوز پایش به دفتر استراحت نرسیده بود. اون کلاس یازدهمی، خداحافظی کرد و من و آقای مرادی به طرف هم راه افتادیم. با خودم گفتم برای بعد از ساعت مدرسه هم می‌شه قرار بگذارم. بیچاره آقای مرادی هنوز جای هم نخورده.

یادم نبود که کلاس هم داره ... هنوز این حرف‌ها در ذهنم داشت رژه می‌رفت که آقای مرادی، چاق سلامتی اولیه‌اش را کرده بود! چطوری علی آقای محسنی؟ اوضاع بر وفق مَراده؟ با من کاری داشتی؟ بله آقا! یه کار غیرفیزیکی - متافیزیکی! لب‌اش به خنده باز شد! کار متافیزیکی! کار متافیزیکی را از معلم فیزیک خواستن، رواست آیا؟ می‌گویم: رواست آقا! از روا هم روانتر! یک خوب کشدار جوابم می‌دهد و می‌گوید: حالا که کلاس دارم اما بعد از مدرسه می‌تونیم یه یک ربعی با هم صحبت کنیم. آقا منم می‌خواستیم همین پیشنهاد را بدم. گرچه چوب‌خط کلاس‌های متافیزیکی‌ام باهاتون بعد از مدرسه پر شده اما واقعا نیاز به همفکری تون دارم. کلمه «همفکری» را خودش در دهانم گذاشته بود. می‌گفت من نمی‌توانم بهت بگم چکار بکن یا چکار نکن. تو خودت می‌تونی تصمیم‌گیری و باید هم خودت تصمیم‌گیری اما می‌تونم در فرایند تصمیم‌ت باهات همفکری کنم و بعضی نقاط تاریک را با هم روشن کنیم، کمک کنیم بعضی عزم‌ها جزم نشوند، بعضی انگیزه‌ها را روشن کنیم ...

در کلاس ریاضی، گه‌گاه در لابلای معادله دومجهولی، فکرم می‌رفت به همفکری پس از آن. شاهرخی تغییر رفتارم را متوجه شده بود و در فاز ارزیابی بود. معمولاً بعد از همین فاز بود که ناسازگاری و قهر را شروع می‌کرد. اما این بار چندان از این مسئله دلپره نداشتیم چون واقعا می‌خواستیم آن را به صورتی اساسی حل کنیم.

... و حالا همان ساعت بعد از مدرسه بود. من می‌گفتم و با همه رعایتی که داشتم، بعضی موقع‌ها، از شدت ناراحتی صدایم تیغ‌تیغی می‌شد! آقای مرادی، با طمأنینه و احترام و توجه گوش می‌کرد. اینقدر این نوع گوش دادنش آدم را سر ذوق می‌آورد که دوست داشتی همه چیز را با جزئیات تعریف کنی، با همه حس‌هایی که داشته‌ای و فکرهایی که در سرت عبور می‌کرده. و حالا این من بودم که داشتم در آینه روایت خودم، خودم، شاهرخی و دیگرانی را می‌دیدم که در رابطه‌هایم حضور دارند و نقش ایفا می‌کنند. راند اول صحبتیم که تمام می‌شود، آقای مرادی، شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌هایی

دقیق و واقعی! مثلاً می‌پرسد: علی، واقعا وقتی شاهرخی قهر می‌کنه باهات، چرا پا پیش می‌ذاری برای آشتی؟ فکر می‌کنی حق با اونه؟ فکر می‌کنی نباید رابطه را از دست بدی؟ ازش می‌ترسی؟ دوستش داری؟ ... و من در پاسخ به این پرسش‌های ریز، دوباره و چندباره به وقایع باز می‌گردم و خودم و دیگران را مرور می‌کنم ... و در این مرور کردن‌ها، جوانی نادیده عجیبی برابم آشکار می‌شود... آخرهای صحبتیمان هستتیم و ساعت دفتر، نشان می‌دهد که گفت‌وگو حدود یک ساعت به طول انجامیده است. آقای مرادی می‌گوید: ممکنه شاهرخی متوجه نباشه این نوع برخورد هاتون داره تو را ناراحت می‌کنه یا به تو حس کنترل شدن دست می‌ده. حتی ممکنه این رفتارهاش ناخودآگاه باشه و اگه بفهمه حس تو را، تغییری در رویه دوستی تون بده. به نظر من باید قاطع و مهربان با هم صحبت کنیم. باید بهش بگی که از رفتارهاش، چه حسی بهت دست می‌ده، باید بدون اینکه بخوای ذهن خوانی کنی یا برچسبی به رفتارهاش بزنی، از قصدها و منظورهاش بپرسی، باید معنای رفتارهاش را بفهمی. باید این معناها را با هم به اشتراک بذارین.

میگم آقا! آخه ما تا حالا رابطه‌مون این شکلی نبوده. مصنوعی نمی‌شه من یه دفعه پیام اینجوری رفتار کنم؟ می‌گه: شاید یه مدتی بشه اما اگه صادق باشی و اگه اون را هم در جریان این تغییر نگاهت قرار بدی، کمتر مصنوعی به نظر میاد. به هر حال یه روزی شما باید رابطه‌تون را به سمت رابطه بالغانه ببرید. اگر نه یه رابطه معیوب، هم‌تورا آزار می‌ده و هم به اون آسیب می‌زنه. آخرش برای هر دوتون آسیب‌زا خواهد بود ...

در راه برگشت به خانه تنها هستم و چند بار گفت‌وگو‌مون را مرور می‌کنم و بارها صحنه‌ای که دارم با شاهرخی صحبت می‌کنم در ذهنم مجسم می‌شود. نمی‌دونم چی پیش میاد اما مطمئنم اتفاق‌های خوب در راهند چون به قول آقای مرادی، من صادقانه خواسته‌ام رابطه بالغانه‌ای داشته باشم و پای کار این خواست صادقانه ایستاده‌ام! امیدوارم بتونم این خواست صادقانه را برای شاهرخی هم خوب توضیح بدم و اون هم بفهمه! امیدوارم ...



هیچ آموزشی جای آموزش حضوری را نمی‌گیرد

در گفت‌وگو با مدیر، معاونان و دبیران دبیرستان دخترانه قدس عنوان شد

هوشنگ غلامی

با ورود و شیوع ویروس کرونا، ارائه آموزش‌های مجازی و آنلاین به دانش‌آموزان آغاز و دوره جدیدی از تجربه آموزش و علم‌آموزی برای معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آنان فراهم شد. برای آگاهی و شناخت بهتر و نزدیک‌تر از مسائل و مشکلات و روند ارائه این آموزش‌ها و بررسی ویژگی‌ها و همچنین آسیب‌های آموزش‌های غیر حضوری به دانش‌آموزان و مسائلی که معلمان و دبیران در مدرسه‌ها با آن‌ها مواجهند، برای تهیه گزارش به دبیرستان دخترانه دوره دوم قدس منطقه ۸ آموزش و پرورش واقع در منطقه سمنگان نارمک تهران رفتیم و با مدیر، معاونان و جمعی از دبیران این واحد آموزش به گفت‌وگو نشستیم. با هم متن کامل این نشست را می‌خوانیم.

فضای امن شبکه شاد زهره بالازاده، مدیر دبیرستان



مدرسه قدس ۵۰ سال قدمت آموزشی دارد. در سال تحصیلی جاری ۴۸۲ دانش‌آموز در ۱۶ کلاس مشغول تحصیل هستند. ما همه رشته‌های متوسطه نظری را در دبیرستان داریم.

برای آموزش معلمان در فضای مجازی و آموزش آنلاین، برنامه‌هایی را اجرا کرده‌ایم. اوایل شهریور که شرایط کرونایی مناسب‌تر بود، با دعوت متناوب از معلمان، طی ساعات متعدد، و همچنین دعوت

از کارشناسان گروه‌های آموزشی اداره و منطقه آموزشی، به صورت حضوری و آنلاین جلساتی برگزار شد. همچنین، از سوی منطقه کلاس‌های ضمن خدمت به‌طور مستقل برای معلمان و مسئولان مدرسه برگزار شد تا همه آن‌ها به‌خوبی با این فضا آشنا شوند و بتوانند از امکانات آن استفاده کنند.

از ۱۵ شهریور و با آغاز کلاس‌های درس، قرار شد آموزش‌ها را از طریق شبکه شاد که شبکه‌ای اجتماعی - آموزشی است و قابلیت‌های خوبی دارد، شروع کنیم. شبکه شاد بیشتر یک پیام‌رسان است و هر چند قابلیت‌های خوبی دارد، ولی باید آن را ارتقا دهند. شبکه شاد یک فضای امن اختصاصی برای آموزش و پرورش است که افراد غریبه نمی‌توانند در آن وارد شوند. در آن مشکلات تربیتی هم نمی‌بینیم. افراد احراز هویت می‌شوند.

دانش‌آموزان و معلمان از طریق کد ملی وارد شبکه می‌شوند و خانواده‌ها هم نگرانی تربیتی نخواهند داشت. شبکه شاد بخشی برای تولید محتوا دارد. همچنین، در آن آموزش‌های تلویزیونی دانه‌دانه می‌شوند و دانش‌آموزان می‌توانند از آن استفاده کنند، ولی در عین حال کاستی‌هایی هم دارد؛ از آن جمله: نداشتن حالت تعاملی و سرعت بسیار پایین. صوت‌ها، تدریس و پخش زنده آن دیر به دست دانش‌آموزان می‌رسد. دانش‌آموزان خیلی منتظر می‌شوند و این مشکلات در اکثر ساعات بروز می‌کند و برنامه‌ها فقط در ساعات غیر ترافیک اینترنت قابل استفاده‌اند. اگر بتوانند اینترنت آن را تقویت کنند؛ فضای آن برای دانش‌آموزان امن و خوب است. در مدرسه ما نیز، اکثر معلمان، با وجود کاستی‌ها، از شبکه شاد استفاده می‌کنند. البته در کنار آن از دیگر فضاها مانند اسکای‌روم نیز بهره می‌برند.

شاد باید ارتقا یابد سیمین عسگری، معاون آموزشی



برخی مواقع شبکه شاد جواب نمی‌دهد و به این خاطر مجبوریم از پلتفرم‌های کمکی استفاده کنیم. قابلیت‌های شاد باید حتماً ارتقا یابد، زیرا همه نیازهای بچه‌ها را در آموزش غیرحضوری تأمین نمی‌کند. نبود تعامل بین معلم و دانش‌آموز و سرعت پایین، ضعف‌های اساسی شبکه شاد هستند. همچنین، شبکه شاد راهنمای مشخصی ندارد. مشکل این است که قسمت راهنما ندارد. مثلاً بخش «از من سؤال کنید» ندارد تا معلمان و دانش‌آموزان بتوانند سوالات خود را بپرسند. در قسمت‌های باز نیز نمی‌توانیم حتی موضوع حضور و غیاب را اجرا کنیم. برای بخش‌های مختلف پشتیبان و راهنما نیاز است که باید تأمین شود. البته روزه‌به‌روز قابلیت‌های شبکه شاد در حال افزایش است. بخش آموزش و راهنمایی آن به تقویت نیاز دارد. شاد فضای ایده‌آلی برای آموزش ایجاد کرده است که با رفع کاستی‌های آن، شاهد فضایی امن، سالم و قوی برای آموزش و پرورش و برنامه‌های آموزشی آن خواهیم بود.

کاهش هزینه‌ها؛ آموزش برابر لیلا خسروی، معاون آموزشی



از جمله حسن‌های آموزش‌های غیرحضوری و مجازی، کاهش هزینه‌های اجباری مانند تردد و رفت و آمد، آن هم در شرایط کرونایی بود؛ دیگر آنکه

می‌کنند. ما اگر خانواده‌ها را نداشته باشیم، با دانش‌آموزانی مواجهیم که فقط یک گوشی در دست دارند و از نحوه و شکل و محتوای استفاده بچه‌ها از گوشی همراهشان بی‌خبریم و غیر از برنامه آموزشی، از دیگر فعالیت‌ها و استفاده‌های آنان مطلع نمی‌شویم.

اعتماد اولیا، شرط موفقیت ما زهره بالازاده

یکی از علل موفقیت ما اعتماد اولیا به ما در بخش‌های مختلف پرورشی، مالی و انجمن اولیا بوده است که نیازهای ما را در بخش‌های فنی، تخصصی و معنوی تأمین و جبران کرده‌اند. همچنین، ارتباط ما با بخش‌هایی مانند فرهنگ‌سراها، خانه‌های بهداشت و مسجدها خوب و قوی است و توانسته‌ایم از تجربه‌ها و امکانات آنان استفاده ببریم. برای مثال، مرکز بهداشت سمنگان، اکنون کد ملی همه دانش‌آموزان را در اختیار دارد تا آن‌ها را از نظر پزشکی تحت پوشش قرار دهد.

درس‌های عملی و کارگاه‌ها سیمین عسگری

ما غیر از آزمایشگاه، درس‌های عملی نداریم؛ برای آن درس هم، معلمان به دانش‌آموزان پروژه می‌دهند. بچه‌ها هم فیلم می‌گیرند، طرح عملی خود را انجام می‌دهند، و تکمیل و ارائه می‌کنند و فیلم آن را برای معلم خود می‌فرستند. دوره‌های عملی تعطیل نشده‌اند و ما در آموزش از مشارکت همه استفاده می‌کنیم. در درس تربیت‌بدنی نیز معلم ورزش در گروه برای بچه‌ها برنامه و دستورالعمل فعالیت‌ها را ارائه می‌دهد و با استفاده از فیلم در تعامل مستمر با دانش‌آموزان است و قد، وزن و سلامتی آن‌ها را مدام به‌صورت گزارش از بچه‌ها می‌گیرد.

ارائه بسته فوق‌العاده آموزشی لیلا خسروی

پیشنهاد من این است که برای خارج از ساعات اداری، بسته‌ای به شکل برنامه آموزشی به بچه‌ها ارائه شود. این بسته می‌تواند شامل آزمون‌های تست باشد که در این ارتباط، فراخوانی هم برای بچه‌ها

دانش‌آموزان در این فضای آموزشی تقریباً به‌طور کامل از آموزش مساوی و برابر برخوردار می‌شوند و شاگردان اول و آخر کلاس در یک سطح و درجه کار می‌کنند و جواب می‌دهند.

از آثار مثبت آموزش مجازی دسترسی مجدد بچه‌ها به متن‌ها، تصویرها و صوت‌ها است و مشکلات و کاستی‌های آن نیز قطع و وصل مدام شبکه است، به گونه‌ای که در بسیاری مواقع گوشی‌های همراه ما هنگ می‌شوند. یکی از عیب‌ها و ضعف‌های این آموزش‌ها، راستی‌آزمایی و برگزاری آزمون‌هاست. در مورد ارزشیابی دچار مشکل هستیم و نمی‌توانیم اعتماد کنیم که فقط به بچه‌ها بگوییم خودشان درس بخوانند، مطالعه کنند و تکالیف را انجام دهند. آموزش بدون آزمون و ارزشیابی یک‌طرفه است و نتیجه فعالیت‌ها و تلاش‌های معلمان نامشخص می‌ماند.

در این زمینه نمی‌توانیم اجبار کنیم و بچه‌ها را برای آزمون به مدرسه بیاوریم. آموزش‌های مجازی و آنلاین این امتیاز را دارند که ما مطلب خود را تکرار می‌کنیم. در آموزش حضوری، بخش‌های زیادی از وقت دانش‌آموزان تلف می‌شود، ولی در آموزش‌های مجازی و غیرحضوری، برنامه و نظم در استفاده از وقت بسیار بالاست. همچنین، عوامل مزاحم برای آموزش و ارائه طرح درس در شرایط مجازی بسیار کمتر است و آموزش، تقسیم و فرصت‌های برابر ایجاد می‌شود.

قطع ارتباط با خانواده‌ها لیلا خسروی

یکی از آسیب‌هایی که در بحران کرونا با آن مواجه شده‌ایم، قطع ارتباطمان با خانواده‌هاست. وقتی خانواده را از دست می‌دهید، در عمل با یک دانش‌آموز معلق روبه‌رو هستید؛ البته ما اکنون با گروه خانواده‌ها نیز از طریق این آموزش‌ها در ارتباطیم. سه جلسه در سه پایه برای اولیا گذاشتیم و سعی کردیم قطع ارتباط را به حداقل کاهش دهیم. در حال حاضر نیروهای اجرایی با خانواده‌ها و اولیا در ارتباط مستمر و دائم هستند و پیام‌های ارزشی، انگیزشی و آموزشی را به آن‌ها ارائه

دادیم و برای همه پایه‌ها کلاس‌های تست و آزمون تست گذاشته‌ایم تا بچه‌ها بدانند که مدرسه تعطیل نیست. این تنها موردی است که خارج از ساعت و برنامه آموزشی مدرسه ارائه می‌شود. اگر کرونا هم برود، باید از تأثیرات استفاده از فضای مجازی و آموزش‌های آنلاین به نحو احسن استفاده کرد. در این راستا آموزش و پرورش باید فکر کند چه درس‌هایی را باید حذف و چه درس‌هایی را ادغام کند و با تغییر شرایط خاص و ویژه‌ای که دچار آن هستیم، آموزش‌ها را یکپارچه و منسجم ارائه دهد. می‌توان پیشنهاد داد در آینده حتی برای برخی از درس‌ها به حضور دانش‌آموز در مدرسه نیاز نیست و می‌توان آموزش‌های آن را آنلاین و مجازی ارائه کرد.

نیاز به کار فرهنگی لیلا خسروی

امروز هم با آموزش‌های غیرحضوری و مجازی، با آسیب بزرگ نبود تعامل و گفت‌وگوی حضوری با اولیا و دانش‌آموزان روبه‌رویم که به کار فرهنگی نیاز دارد. برای تغییر هر سلیقه‌ای باید بستری فراهم شود و آگاهی‌هایی به اولیا داد. خانواده‌ها باید بدانند که بچه‌ها، هنگام استفاده از گوشی‌ها و تبلت، فقط با مدرسه و کار آموزش در ارتباط نیستند. برخی از اولیا هنوز توجه نیستند که آموزش غیرحضوری نیز آسیب‌های خود را دارد. آن‌ها در آموزش حضوری کنترل قوی و خوبی بر بچه‌ها داشتند، ولی اکنون به‌عنوان اینکه آموزش‌ها غیرحضوری و مجازی است، کنترل و پیگیری و همراهی خود را با بچه‌ها و مدرسه بسیار کم کرده‌اند و احتمالاً غافل می‌شوند.

تجهیز سخت‌افزاری مدرسه زهرا بالازاده

با توجه به اینکه اعلام شد معلمان و کارکنان اجرایی باید در مدرسه حاضر باشند و آموزش را ادامه دهند، رایانه‌های مدرسه را به‌روز کردیم، سه دستگاه لپ‌تاپ خریدیم، دو قلم نوری تهیه کردیم و دو معلم نیز در شرایط کنونی به مدرسه می‌آیند تا آموزش‌ها را از اینجا برای بچه‌ها ارائه کنند. چهار مودم نیز خریدیم و اینترنت مدرسه را بسیار ارتقا دادیم.

دانش‌آموزان این مدرسه از نظر اقتصادی و معیشتی در سطح متوسط و ضعیف جامعه قرار دارند و ما واقعاً برای ادامه آموزش‌ها و استفاده دانش‌آموزان از این برنامه‌ها، به کمک و حمایت نیاز داریم. معلمی که در خانه خود در عرصه آموزش مجازی و آنلاین درس می‌دهد، علاوه بر اینکه خودش ممکن است دو یا سه فرزند داشته باشد، همسرش نیز استاد دانشگاه یا معلم است و هر دو باید تدریس و کار کنند، در حالی که بچه‌های آنان نیز در منزل رسیدگی می‌خواهند. معلمی می‌گفت، من اصلاً دوست نداشتم به بچه‌هایم گوشی هوشمند بدهم، ولی الان خودمان پیشنهاد می‌دهیم و گوشی در اختیارشان می‌گذاریم که با آن سر کلاس آنلاین بروند و آموزش مجازی ببینند.

تغییر و تطبیق محتوای کتاب‌ها سیمین عسگری

من معتقدم، سطح آموزش‌ها بالا و خوب است، ولی از نظر آزمون‌ها باید بررسی و ارزشیابی جدی‌تر انجام شود. ارزشیابی توصیفی کمک می‌کند، ولی در عین حال معتقدم باید اساس کار آزمون‌های مستمر باشد. تهیه و تولید محتوای آموزشی فعلی برای دوره آموزش حضوری بوده است، در حالی که اکنون با غیر حضوری شدن آموزش‌ها، باید سطح کمی و کیفی آموزش نیز تغییر کند. ما در دوره آموزش حضوری، در طول سال تحصیلی، هم‌زمان با بروز آلودگی هوا، بارش‌های شدید برف و باران و سرما، شاهد تعطیلی‌هایی برای مدرسه‌ها بوده‌ایم. اگر کرونا هم برود، برای آموزش‌ها در این سطح، از نظر کمی و کیفی و محتوایی باید تغییراتی صورت گیرد.

سرعت شاد باید حل شود ژیلا حسن‌زاده، دبیر شیمی



من در سال ۸۴ در جشنواره روش تدریس مبتنی بر «IT» مقام آوردم، و

از آن زمان این روش را در تدریس‌ام استفاده کردم. در این سال‌ها تجربیات متعددی، در کار با این برنامه، با استفاده از پاورپوینت و فیلم، دارم. از آغاز سال ۹۹، در وینسار مدرسه، فیلم‌هایی را ضبط کردم و در گروه برای دانش‌آموزان می‌گذاشتم. امسال کار جدی‌تر شده و از ۱۵ شهریورماه نیز در فضای شبکه‌های شاد و اسکریپت قرار گرفتم. متأسفانه به خاطر سرعت کم، معطلی زیاد است حتی یک متن عادی و یک صوت هم به سختی ارسال می‌شود. قطعی‌های زیاد یادگیری را دچار مشکل می‌کند. البته عصرها سرعت اینترنت تا حدودی بهتر می‌شود. زیرساخت‌ها بسیار ضعیف هستند. همچنین، دو موضوع حضور و غیاب دانش‌آموزان و برپایی آزمون‌ها و ارزشیابی‌ها بسیار مهم است که باید در مورد آن‌ها کار کرد. شاد بیشتر در حد یک شبکه اطلاع‌رسان است. من برای آزمون‌ها و ارزشیابی‌ها، از هر شبکه و تکنولوژی استفاده کرده‌ام، ولی جواب نداده است، برای آزمون‌ها و ارزشیابی‌ها باید سامانه قوی و ویژه‌ای داشته باشیم. امکانات و فرصت‌های فراهم‌شده در دانشگاه‌ها خیلی بهتر و بیشتر از مدرسه‌هاست. در آموزش و پرورش هیچ امکانات ویژه‌ای در اختیار معلمان و مدیران قرار نگرفته و هر کس بنا به توانایی‌ها و امکانات خود در این عرصه جدید، برنامه‌های آموزشی خود را ارائه می‌کند. معلمان و دبیران، از کم و کیف کار و فعالیت خود در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ خسته هستند و این در حالی است که سال تحصیلی جدید نیز زودتر آغاز شد و آموزش‌ها نیز زمان‌بر، سخت‌تر و متمرکزتر شده‌اند. چشم‌های بسیاری از معلمان مشکل پیدا کرده و ضعیف شده و آرتروز گردن نیز گریبان اکثر آن‌ها را گرفته است. در شبکه شاد و در بخش شیمی، فقط سه درس تولید محتوا شده است. شبکه شاد هنوز منتظر است کار معلمان و مربیان به این شبکه برسد. اگر بخواهیم کار با کیفیت ارائه کنیم و برنامه‌ها بی‌نقص و تمیز باشند، نیاز به بسترها و زیرساخت‌های قوی داریم؛ در حالی که با وجود مشکلات شبکه شاد، استفاده از پیام‌رسان‌های دیگر نیز محدود شده است. کار تدریس زنده، هم

برای معلم و هم دانش آموز بسیار مفیدتر و جذاب تر است.

آسیب‌های آموزش مجازی

آسیب‌های این نوع آموزش را نمی‌توان انکار کرد. فضای بی‌انتهای مجازی می‌تواند خطرناک باشد. خانواده‌ها در این زمینه بسیار مؤثرند. هر چقدر هم مدرسه در این زمینه قوی برخورد کند، خانواده‌ها باید کنترل و نظارت خوبی بر بچه‌ها و نحوه استفاده آن‌ها از گوشی، تبلت و فضای مجازی داشته باشند. قطعاً بعضی از دانش‌آموزان هم که در کلاس‌های حضوری ضعف داشتند و فعال نبودند، در آموزش‌های مجازی نیز امکان فرار برای آن‌ها بیشتر فراهم می‌شود. در کلاس‌های حضوری، دانش‌آموزانی بودند که غیبت می‌کردند و دقیق نبودند. این موضوع در آموزش مجازی خود را شدیدتر به نمایش می‌گذارد. اگر شرایط برگزاری خوب آزمون و ارزشیابی مهیا شود، بسیاری از مشکلات کاهش می‌یابند. تداوم موفق و مستمر آموزش‌های آنلاین و مجازی به برنامه‌ریزی و امکانات مناسب و قوی نیاز دارد

باید با انرژی مثبت برخورد کرد لیلا نیکخواه، دبیر فیزیک



در هر تغییر و تحولی حکمتی می‌بینم و با آن مثبت برخورد می‌کنم. سعی کرده‌ام تدریس‌م با روحیه باشد و به دانش‌آموزان انرژی مثبت بدهد. از مزایای آموزش‌های مجازی این است که دانش‌آموزان کاملاً متکی به حضور نیستند. در آموزش‌های مجازی از همه احساس دانش‌آموز استفاده می‌شود و تمرکز او بالا می‌رود؛ هر چند شادابی دانش‌آموزان در کلاس‌های حضوری بسیار بیشتر و بالاتر است و انرژی خود را بهتر و بیشتر تخلیه می‌کنند. این تخلیه انرژی خیلی به یادگیری آن‌ها کمک می‌کند. آموزش‌های مجازی، به

نوعی شادابی بچه‌ها را می‌گیرند و آن‌ها را در طولانی‌مدت کسل و خسته و بی‌روحیه می‌کنند، ولی معتقدم معلمان می‌توانند با تدبیر، انگیزه و برنامه، کلاس‌های مجازی خود را نیز شاد و پرنرژی کنند و از خستگی و کسالت بچه‌ها بکاهند. خستگی روحی و روانی کلاس‌های غیرحضوری را باید جدی گرفت. به‌خصوص با طولانی شدن دوران کرونا، باید با ارتباط قوی و پویا بین خانه و مدرسه و معلمان و اولیا، با مشکلات بیماری مبارزه کرد. باید یکنواختی را از بچه‌ها دور کرد و با معرفی افراد موفق و ارائه تجربه‌های خوب و غنی آن‌ها را یاری کرد. باید خصوصیات و ضرورت‌های دوران کرونایی را درک کنیم و با همتی جانانه و با گذشت و درایت، این مرحله را نیز پشت سر بگذاریم. در شرایط کنونی، باید ارائه آموزش و همکاری بین اولیا و مربیان و خانه و مدرسه اختیاری و داوطلبانه باشد، نه اجباری. من معتقدم، در کل ما تا حدودی افت تحصیلی خواهیم داشت. با توجه به اینکه آزمون‌ها غیرحضوری هستند و واقعی نخواهند بود، در روند تحصیل و آموزش، مشکلاتی ایجاد می‌شود که ممکن است به افت تحصیلی بچه‌ها منجر شود. در این راستا، رضایت شغلی می‌تواند بستر کار بهتر و خلاق‌تری فراهم کند.

هیچ آموزشی جای آموزش حضوری را نمی‌گیرد لیلی صالح‌آبادی، دبیر زیست



هیچ آموزشی نمی‌تواند جای آموزش حضوری را بگیرد؛ این هم نظر معلم و هم نظر دانش‌آموز است. انرژی من به‌عنوان معلم در این ۲۵ سال خدمت‌م، از نگاه دانش‌آموزانم بوده است. نظام‌مندی مدرسه و برنامه‌ریزی مناسب و پیگیری مدرسه و معلمان ضامن توفیق آموزش‌های غیرحضوری

است. پیوند و ارتباط بین دانش‌آموز و معلم باید در آموزش‌های غیرحضوری به نوعی خود را نشان دهد. برای این کار تشویق و تنبیه بچه‌ها را حتی از طریق آنلاین و مجازی ترتیب داده‌ایم، به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسد بچه‌ها مرا و من آن‌ها را می‌بینیم. بچه‌ها روح لطیفی دارند و ما نباید سختی‌های کار و تدریس غیرحضوری را به بچه‌ها منتقل کنیم. مشکلات جسمی بسیاری در این شیوه آموزش متوجه معلمان است. ضعف چشم، درد گردن، اسپاسم و آرتروز از جمله آن‌هاست.

صدمه دیدن وجهه معلمی در کار آموزش مجازی به چند چیز بستگی دارد. معلم اگر توان علمی و اخلاقی خود را بروز دهد و ارتباطی خوب و قوی برقرار کند و تعامل بسیار مثبت و فعالی در عرصه آموزش فراهم کند، بستر فرهنگی نیز اصلاح می‌شود. من معلم باید خودم را با علم به جلو ببرم. این شرایط باعث ارتقای خود ما هم شده است. تدریس حضوری ویژگی‌هایی داشت و تدریس غیرحضوری و مجازی هم ویژگی‌ها و امتیازات خاص خود را دارد. این آموزش‌ها زمینه یادگیری و فراگیری را برای خود معلمان نیز فراهم کرده‌اند.

به نظر من، محتوایی را که نیاز نیست، باید در این برنامه آموزشی کاهش داد یا حتی حذف کرد. در این زمینه باید بازنگری اساسی انجام شود. آموزش‌های معلمان باید کاربردی باشند. تئوری‌ها و آموزش‌های ذهنی دیگر به درد معلمان نمی‌خورند. زمان و فرصتهایی که ما معلمان را درگیر کرده، بسیار زیاد است و همه وقت ما را به‌نوعی گرفته است، به شکلی که حتی برخی از روزها از ساعت، ایش گذشته و من هنوز درگیر طراحی سؤال و بارگذاری مطلب و عکس هستم. در مجموع، این فضا و دوره و آموزش، استهلاک معلمان را نیز باعث شده است. هزینه اینترنت و بسته‌های اینترنتی که ما استفاده می‌کنیم، بسیار بالاست. مثلاً برای یک ماه، حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان هزینه اینترنت می‌دهیم. ۲۰ گیگ‌هدایی هم به هیچ‌وجه پاسخگوی نیاز ما نیست. در نهایت، اینکه بچه‌ها را نمی‌بینیم، واقعا دلمان تنگ می‌شود و غمگین هستیم.



آرامشت با من

دکتر کیومرث فرح‌بخش
دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

اختصاصی دارند، شدت، مدت و فراوانی نگرانی‌ها و علائم اضطراب، به شکلی غیرطبیعی، شدیدتر از افراد عادی است. علائم و نشانه‌هایی که در اضطراب‌های اختصاصی، هنگام مواجهه با محرک‌ها به وجود می‌آیند، عبارت‌اند از: احساس تهدید شدید؛ نگرانی از آسیب دیدن در مواجهه با آن موقعیت؛ احساس تنش در اندام‌های بدن، به خصوص عضلات؛ تپش قلب؛ سنگینی تنفس یا گرفتگی نفس؛ احساس سنگینی در قفسه سینه یا سر؛

در حالی که محرک‌های مذکور به خودی خود تهدیدکننده نیستند یا اگر تهدیدی جزئی در آن‌ها باشد، ترس ایجادشده در فرد نسبت به آن‌ها به قدری شدید است که عملکرد او را در ابعاد زندگی مختل می‌کند.

علائم اضطراب اختصاصی

در ترس‌ها و اضطراب‌های اختصاصی، شدت احساس تهدید یا نگرانی کاملاً غیرمنطقی و مخرب است. به عبارت روشن‌تر، در افرادی که ترس‌های

اضطراب اختلالی شایع در جامعه امروز است که به صورت‌های گوناگون در افراد بروز می‌کند. یک نوع شایع آن، اضطراب‌های اختصاصی هستند. این نوع از اضطراب‌ها به موقعیت یا شرایط خاصی مربوط می‌شوند. برای مثال، ترس مرضی از بلندی، تاریکی، تنهایی و جدایی، نمونه‌هایی از ترس‌های اختصاصی‌اند. افرادی که به این اضطراب‌ها مبتلایند، در مواجهه با محرک‌های خاص، دچار علائم و نشانه‌های تشویش و نگرانی می‌شوند.

احساس از دست دادن قوای عضلانی یا احساس ضعف در بدن؛ احساس مور مور شدن یا گزگز در بدن؛ احساس داغ یا سرد شدن قسمت‌های خاصی از بدن؛ تعریق بیش از اندازه؛ رنگ‌پریدگی یا برافروختگی هنگام مواجهه با موقعیت؛ احساس گیجی و ناتوانی در تمرکز حواس برای مقابله با مشکل؛ احساس درماندگی برای اجتناب یا مقابله کردن با موقعیت یا محرک ترسناک؛ نگرانی و اشتغال ذهنی پیوسته درباره‌ی زمان مواجه شدن با موقعیت ترسناک؛ کابوس و خواب‌های وحشتناک درباره‌ی شیء یا موقعیت ترسناک؛ تمایل دائمی به دوری از مواجه شدن با پدیده‌ی ترسناک یا موقعیت‌های دارای محرک‌های ترسناک؛ احساس ناتوانی در مقابله با محرک ترسناک و گاهی احساس خجالت در حضور دیگران، به خاطر وجود این ترس‌ها یا علائم ناشی از آن‌ها؛ احساس خودکارآمدی اندک نسبت به نحوه‌ی رفتار هنگام مقابله با موقعیت ترسناک؛ کاهش تدریجی احساس عزت نفس.

ترس‌های اختصاصی ممکن است هر چیزی را شامل شود. برای مثال، شخصی ممکن است نسبت به اسب، مار، گربه، سگ، سوسک، موش، آسانسور، رانندگی، حیوانات و اشیای دیگر دچار ترس اختصاصی شود. روان‌پزشکان و آسیب‌شناسان روانی این نوع ترس‌ها را «فوبی» یا «ترس مرضی» می‌نامند.

اضطراب آموزشی

انسان مستعد یادگیری انواع ترس‌های اختصاصی است. یکی از موقعیت‌هایی که اشخاص در حال تحصیل از دبستان تا دانشگاه، مستعد مبتلا شدن به اضطراب یا ترس مرضی اختصاصی نسبت به آن هستند، موقعیت آموزشی است. این موقعیت‌ها شامل کلیه‌ی شرایط و عناصر محیط آموزشی می‌شوند. همه‌ی ما به‌عنوان کسانی که از کودکی تا فراغت از تحصیل، در شرایط آموزشی بوده‌ایم، کمابیش این نوع نگرانی‌ها و اضطراب‌ها را تجربه کرده‌ایم.

در این نوشتار، انواع نگرانی‌ها و ترس‌های مختل‌کننده‌ی حس دانش‌آموز نسبت به موقعیت‌های نظام آموزشی، اضطراب آموزشی نامیده می‌شود. این ترس‌ها عبارتند از: ترس از مدرسه؛ ترس از معلم؛

ترس از یادگیری؛ ترس از مدیر یا ناظم مدرسه؛ ترس از آزمون شفاهی؛ ترس از ارائه‌ی مطلب در کلاس؛ ترس از حضور در جلوی کلاس و فعالیت در حضور سایر دانش‌آموزان؛ ترس از آزمون کتبی؛ ترس از کتاب درسی؛ ترس از انجام تکالیف درسی؛ ترس از درس‌های خاص، به‌طور عمده درس‌های املا، انشا، ریاضی، زبان انگلیسی و یا هر زبان خارجی دیگر مانند زبان عربی؛ و گاهی مواقع درس ادبیات فارسی یا درس‌های دیگر. نوع خاص دیگری از اضطراب محیط‌های آموزشی، اضطراب دانش‌آموز از حضور والدین در مدرسه است.

نحوه‌ی بروز انواع اضطراب در دانش‌آموزان متفاوت است. برخی فقط به یکی از انواع آن مبتلا می‌شوند و برخی به چند تا. زمانی که اضطراب ایجاد شده به یک موقعیت خاص مربوط باشد، به آن اضطراب اختصاصی می‌گوییم، وقتی اضطراب چند بعد نظام آموزشی را درگیر کند، اضطراب چندگانه آموزشی است و اگر در بیشتر موقعیت‌ها و شرایط آموزشی بروز کند، اضطراب فراگیر آموزشی نامیده می‌شود. در صورتی که دانش‌آموز به‌طور نامشخص درباره‌ی شرایط آموزشی دچار اضطراب مفرط باشد، اما مشخص نباشد اضطراب به چه چیزی معطوف است، بهتر است آن را اضطراب آموزشی نامشخص نام گذاشت. لازم است اضطراب‌های آموزشی را از اضطراب‌های دیگر متمایز کرد. وجه تمایز دیگر این است که علائم و نشانه‌های اضطراب مفرط به‌طور عمده زمانی بروز می‌کنند که موضوع موقعیت‌های آموزشی، در معرض توجه دانش‌آموز واقع می‌شود و با کاهش توجه فرد با موقعیت آموزشی، به‌طور فراوانی کاهش می‌یابد. چنانچه اضطراب دانش‌آموز در غیاب محرک‌های مربوط به محیط آموزشی همچنان وجود داشته باشد، دیگر نمی‌توان از اضطراب آموزشی صحبت کرد و احتمالاً دانش‌آموز دچار اضطراب‌های دیگری است. یا آنکه

علاوه بر اضطراب آموزشی، به اضطراب دیگری نیز مبتلاست. وجه مشخصه‌ی اضطراب آموزشی از اضطراب‌های دیگر، وجود نشانه‌ها و علائم مفرط اضطراب در موقعیت‌ها و شرایط آموزشی و کاهش آن

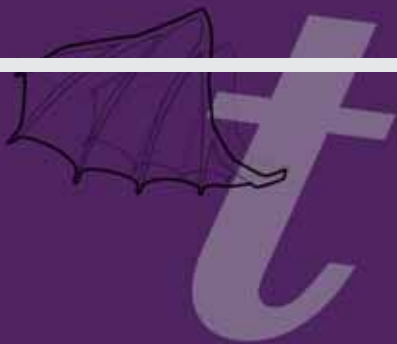
در موقعیت‌های غیرآموزشی است. لازم به توضیح است، برخی دانش‌آموزان علاوه بر ابتلا به اضطراب آموزشی، ممکن است به اضطراب‌های دیگر نیز گرفتار شوند.

درباره‌ی فراگیری و شیوع اضطراب آموزشی پژوهش مشخصی وجود ندارد، اما به‌طور کلی پژوهش‌مشکانی (۱۳۷۷) نشان می‌دهد، ۱۵ درصد دانش‌آموزان دچار اضطراب آشکار و حدود ۲۰ درصد دچار اضطراب پنهان هستند. براساس پژوهش درخشان‌پور و همکاران او (۱۳۹۵)، میزان انواع اضطراب در دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بین ۱۴ تا ۱۸ درصد برآورده شده است.

پیامدهای آسیب‌زای اضطراب آموزشی بر کسی پوشیده نیست. اضطراب آموزشی ممکن است سرنوشت یک دانش‌آموز را تغییر دهد، یا موجب ترک تحصیل و رها کردن مدرسه و درس شود. این آسیب می‌تواند سرمایه‌ی انسانی جامعه را نابود کند. دانش‌آموز باهوش و با استعدادی که می‌تواند نیرویی برومند و مؤثر برای جامعه باشد، ممکن است به دلیل اضطراب از جنبه‌ی خاص آموزشی، مسیری را طی کند که جامعه از توان و استعداد او محروم شود. دانش‌آموزان فراوانی بوده‌اند که صرفاً به دلیل ترس بیمارگونه از فضای آموزشی یا درس خاص یا معلم خاص، تصمیمی گرفته و در یادگیری و مدرسه مسیری را در پیش گرفته‌اند که مانع شکوفایی استعدادشان شده است. اضطراب آموزشی مانع از فعالیت مؤثر و کارآمد تحصیلی دانش‌آموز می‌شود، سطح انگیزشی او را تغییر و کاهش می‌دهد، اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس او را مختل می‌کند و در نتیجه موجب شکست مقطعی یا متوالی دانش‌آموز می‌شود. اضطراب بالای آموزشی حتی ممکن است دانش‌آموز را به انحراف اخلاقی و اجتماعی بکشاند. در برخی موارد، گرایش دانش‌آموز به مصرف مواد روان‌گردان و سایر رفتارهای مخرب، به‌منظور کاهش درد و رنج ناشی از اضطراب آموزشی و شکست ناشی از آن است.

عوامل ایجاد اضطراب آموزشی

اضطراب‌های آموزشی علل و عوامل گوناگون دارند. برخی از آن‌ها در خانواده ریشه دارند. برخی از آن‌ها به دوستان دانش‌آموز و برخی دیگر نیز به قوانین



رعب در دانش آموز، بر ضعف علمی خود سرپوش می‌گذارند. در واقع، ناتوانی و تسلط نداشتن بر موضوع تدریس را به دانش آموزان فرافکنی و آن‌ها را به ضعف عقلانی و یادگیری متهم می‌کنند.

یکی دیگر از علل ایجاد رعب و وحشت در دانش آموز، تسلط نداشتن معلم به فنون تدریس و مدیریت کلاس است. مهارت و فنون تدریس، با تسلط علمی بر موضوع تدریس فرق دارد. برخی افراد بر موضوع تدریس تسلط بسیار خوبی دارند؛ مثل معلمی که مدرکی عالی در رشته فیزیک دارد، از دانشگاهی سطح عالی فارغ‌التحصیل شده است و دانش بالایی در علم فیزیک دارد، اما فنون و روش تدریس را به اندازه کافی نمی‌داند. این معلمان گاهی فقط با وارد کردن فشار بر دانش آموز مطالب را تدریس می‌کنند. معلمانی که علاوه بر تسلط علمی، به فنون تدریس نیز تسلط عالی داشته باشند، مطالب را به گونه‌ای تدریس می‌کنند که نه تنها برای دانش آموز نگرانی ایجاد نشود، بلکه کلاس جذاب و جالب هم باشد. برخی معلمان کم‌تجربه هم میزان دشواری و سطح مطالب آموزشی را فراتر از واقعیت مربوط به آموزه‌های قبلی تعیین می‌کنند و از این طریق سبب شکست دانش آموز و بالا رفتن سطح اضطراب او می‌شوند.

منابع

۱. مشکاتی، زهرا (۱۳۷۷). بررسی شیوع اضطراب و عوامل مؤثر بر آن در دانش آموزان دبیرستانی قاسم‌آباد، اسلامشهر. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. دوره ۵۶، شماره ۵.
۲. درخشان‌پور، فیروزه؛ ایزدیار، حمیده؛ شاهینی، نجمه؛ وکیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). بررسی سطح اضطراب در دانش آموزان مقطع ابتدایی مدارس شهر گرگان. دو ماهنامه پژوهنده علوم پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید بهشتی. شماره‌های فروردین و اردیبهشت.

ایجاد ابهت از خود در ذهن دانش آموز را ندارند و حتی قصدشان آزار نیست. این معلمان افراد کم‌حوصله و زودرنجی هستند که به محض مشاهده رفتارهای خلاف انتظار از دانش آموز، تحریک و به شدت عصبانی می‌شوند و به دنبال آن، با رفتار پرخاشگرانه، سطح اضطراب دانش آموز را بالا می‌برند. آن‌ها تحمل ناکامی ناشی از یاد نگرفتن دانش آموز یا کندی یادگیری او را ندارند و به دلیل آنکه در کنترل خشم خود ناتوان هستند، به رفتارهای خشونت‌آمیز علیه دانش آموز دست می‌زنند. رفتار خشونت‌آمیز می‌تواند به صورت گفتاری یا کلامی باشد. معلمانی با چنین خصوصیت رفتاری، به لحاظ شخصیتی پختگی ورشد لازم را برای تعامل مناسب با دانش آموز کسب نکرده‌اند.

برخی معلمان از طریق تمسخر دانش آموزان در حضور دانش آموزان دیگر، میزان اضطراب بیمارگونه آن‌ها را بالا می‌برند. گاهی هم معلمان با برگزاری آزمون‌های خارج از توان دانش آموز، میزان اضطراب آموزشی آسیب‌زای او را بالا می‌برند. گاهی معلمان به دلیل نداشتن تسلط به موضوع درسی خود و ناتوانی در توضیح روشن مطالب درسی، با ایجاد ابهام در فهم دانش آموز، او را دچار اضطراب می‌کنند. معلمانی که به موضوع درسی خود تسلط ندارند، مطالب را به طور مبهم توضیح می‌دهند و از طریق ابهام‌آفرینی، اضطراب و نگرانی ایجاد می‌کنند. معلمانی که بر موضوع تدریس خود مسلط هستند و از تدریس خود لذت می‌برند، مطالب درسی را به راحت‌ترین شکل ممکن برای دانش آموز توضیح می‌دهند، به طوری که لذت و شغف او را موجب می‌شود. توضیح مبهم باعث عصبی شدن معلم و دانش آموز می‌شود. معلمانی که به موضوع درسی خود تسلط ندارند، با ایجاد

و مقررات آموزشی و شرایط یادگیری مربوطند. یکی از منابع عمده این اضطراب‌ها، معلمان و نحوه رفتار آنان با دانش آموزان است. از نظر برخی معلمان، تنها راه مدیریت انگیزه در دانش آموزان رعایت مقررات آموزشی توسط آنان، ایجاد ترس و وحشت و نگرانی است. این معلمان در نظریه و دیدگاه آموزشی خود اعتقاد دارند، اگر دانش آموز از آن‌ها ترس و وحشت نداشته باشد، انگیزه و دلیلی برای درس خواندن نخواهد داشت. در نتیجه از هر ابزاری برای ایجاد ترس در دانش آموز، به منظور ایجاد انگیزه، تلاش و کوشش او در راه یادگیری، استفاده می‌کنند.

برخی دیگر از معلمان، نه تنها اعتقاد دارند ایجاد ترس و نگرانی در دانش آموز، انگیزه او را برای تلاش و کوشش بیشتر در راستای یادگیری و رعایت مقررات و قوانین و دستورها بیشتر می‌کند، بلکه شخصیت، ابهت، شکوه، عظمت و جلال معلم را در آن می‌دانند که دانش آموز از آن‌ها احساس ترس و خشیت داشته باشد. آنان عقیده دارند، معلم باید در ذهن دانش آموز جایگاه بالایی داشته باشد و این جایگاه بالا زمانی کسب می‌شود که در دل او نوعی رعب و نگرانی نسبت به شخصیت معلم وجود داشته باشد.

علاوه بر این، به ندرت معلمانی هم پیدا می‌شوند که با رفتار آزاردهنده خود، ترس و وحشتی بیمارگونه در دانش آموزان ایجاد می‌کنند. این معلمان صرفاً از آزار دادن دانش آموزان لذت می‌برند. طبیعی است این حالت از نوعی اختلال شدید روانی در معلم حکایت دارد.

برخی معلمان دیگر، به این دلیل سبب اضطراب آموزشی در دانش آموز می‌شوند که تحریک‌پذیرند، زود عصبانی می‌شوند و در کنترل خشم خویش ناتوان‌اند. این دسته از معلمان، با رفتارهای ایذایی خود، قصد ایجاد انگیزه برای درس خواندن یا



عصر حاکمیت اطلاعات

گفت‌وگو با محمد اعتدادی، مدیر کل آموزش و پرورش استان اصفهان

تنظیم: ائلدار محمدزاده صدیق

◀ مدیر کل آموزش و پرورش استان اصفهان با تأکید بر اینکه آموزش حضوری بهترین نوع آموزش است، درباره شرایط امروز توضیح می‌دهد: امروزه شاهد چند نوع آموزش هستیم. آموزش مبتنی بر وب، صوت و انیمیشن و فناوری چندرسانه‌ای، کلاس‌های رسانه‌ای ناهمزمان، کلاس آنلاین مجازی، تعامل آبی، آموزش فعالانه فراگیر و تعامل معلم و درس، متناسب بودن یادگیری با سطح علمی دانش‌آموزان و ... از جمله مباحثی است که در این روزها نسبت به سطح آموزشی مطرح است. او توضیح می‌دهد: امروز به دنیای فراخطی و نسل دوفضایی پا گذاشتیم. عبور از فضیلت خالی مدرک و عصر فضیلت مهارت و توان یادگیری در هر جا و دنیایی که ظرفیت مغز کودکان ما طولی شده است از ویژگی‌های این عصر است. امروز مدرسه‌ای موفق است که متون خودیار و خودآموز تولید کند. امروزه عصر گزیده‌گویی و عصر دسترسی خوشه‌ای به اطلاعات و مدرسه‌های فرامکان و حاکمیت آنتروپی مثبت است. آنچه در ادامه می‌آید، گفت‌وگو با محمد اعتدادی است.

تحت‌عنوان فناوری آموزشی، تهیه بانک ویژه محتوای متنی، صوتی و ... توسط همکاران و کارشناسان نواحی و مناطق و استان و برنامه‌ریزی جهت انجام فعالیت‌ها در حالت‌های قرمز، زرد و سفید به شکل‌های حضوری، غیر حضوری و تلفیقی، برگزاری دوره توانمندسازی تولید محتوای الکترونیکی ویژه همکاران حوزه پرورشی و فرهنگی، بهره‌مندی از محتوای اختصاصی رشته‌های ورزشی ویژه مدارس تولیدشده در معاونت تربیت بدنی و سلامت کشور، تهیه و تدوین محتوای اختصاصی رشته ورزشی هندبال در معاونت تربیت بدنی

جهت وضعیت مطلوب، تهیه فیلم‌ها و کلیپ‌های آموزشی از تدریس معلمان و اشتراک‌گذاری در FTP و بارگذاری در کتابخانه تعاملی و فضای مجازی، بارگذاری نرم‌افزارهای تولیدمحتوای آموزشی از جمله نحوه کاهش حجم فیلم‌ها و کلیپ‌های آموزشی، آموزش نرم‌افزارهای تولید محتوا در معاونت‌های مختلف گروه‌های مجازی سرگروه‌های آموزشی، به اشتراک‌گذاری محتوای آموزشی مجازی در وبسایت‌های گروه‌های آموزشی، تشکیل گروه‌های آموزش مجازی معلمان هم‌رشته و تبادل تجربیات، تشکیل گروه آموزشی

● در فرصت قبل از آغاز سال تحصیلی چه برنامه‌ای برای آماده کردن معلمان برای آموزش مجازی از جمله تولید محتوای الکترونیکی در استان اصفهان اجرا کردید؟ و در واقع وضعیت مدارس استان اصفهان را در این رابطه چگونه ترسیم می‌کنید؟

بدین منظور مجموع فعالیت‌هایی صورت گرفت، که نهایتاً به تهیه درس‌نامه ویژه دانش‌آموزان انجامید. اگر بخواهم تیتروار به این موارد اشاره کنم، باید بگویم: بررسی و تحلیل وضعیت موجود و برنامه‌ریزی

امروز باید خود را آماده آموزش و پرورشی متفاوت نماییم. دانش آموزان را آماده نگه داشت و آماده فرستاد و آماده به درس بازگرداند که همان شیوه سینرژیک یا جمع افزایی است. در این شیوه باید روی تکلیف‌گرایی (هر شخص به وظیفه خود به‌طور دقیق عمل نماید) تأکید کرد.

شبکه اجتماعی شاد، تولید بسته‌های یادگیری و فیلم آموزشی کامل مهارت‌ها انجام شد. قطعاً در مورد رشته‌هایی که نیاز به مهارت ورزشی دارد با اکت شدید مواجه هستیم. در هنرستان‌های تربیت‌بدنی سعی شده است کلیه کلاس‌های عملی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و در شرایط ایمن انجام شود. همچنین برای مهارت‌های ورزشی دانش آموزان در خانه برنامه‌هایی در معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت پیش‌بینی شده است.

● به هنرستان‌های تربیت‌بدنی اشاره کردید، اما در مدارس، کلاس‌های ورزش در این ایام چگونه برگزار می‌شود؟ آیا برای تربیت جسمانی دانش آموزان نیز راهکارهایی اندیشیده‌اید؟

کلاس‌های ورزشی در زمان وضعیت سفید به صورت انفرادی، با وسایل شخصی و حفظ پروتکل‌های بهداشتی برگزار می‌گردد. در وضعیت زرد با گروه‌بندی دانش‌آموزان و اجرای ورزش‌های غیربرخوردی و غیرتماسی مانند آمادگی جسمانی و فعالیت‌های انفرادی اجرا می‌گردد. اما در وضعیت قرمز انجام کلیه فعالیت‌های ورزشی ممنوع است. در دوران کرونا و با توجه به شیوع اضافه‌وزن و چاقی، معاونت تربیت‌بدنی و سلامت، پروژه کاهش وزن و چاقی دانش‌آموزان را در نظر گرفته که این طرح با همکاری مدرسه و والدین اجرا می‌شود بدین صورت که قد و وزن دانش‌آموزان و همچنین BMI آن‌ها توسط والدین (در وضعیت قرمز) و یا معلم سنجیده و وضعیت BMI نسبت به سن و جنس بررسی می‌شود و معلمین تربیت‌بدنی به‌عنوان مشاور به دانش‌آموزان در این زمینه اطلاعات می‌دهند.

● با مجازی شدن آموزش به دلیل شیوع کرونا، شاهد کوچ دانش‌آموزان از مدارس غیردولتی به مدارس دولتی بودیم، در این زمینه چه راهکاری دارید؟ تبعات این موضوع چگونه مدیریت می‌شود؟

ابتدا این موضوع در شورای نظارت بر مدارس و مؤسسات غیردولتی طرح موضوع شد و مؤسسين و مدیران مدارس غیردولتی نسبت به رعایت حال اقتصادی

همچنین محتواها توسط گروه‌های دیگر (سازمان پژوهش و...) تهیه و سپس جهت بومی‌سازی در اختیار معلمان قرار گیرد.

● مطمئناً در شرایط کنونی معلمان نیازمند انگیزه بیشتری هستند، بدین‌منظور چه برنامه‌هایی دارید؟

با مجازی شدن آموزش سعی کردیم در کنار معلم باشیم و مشکلاتی که احتمالاً برای حضور ایشان در فضای مجازی وجود دارد، برطرف کنیم. از آن جمله اختصاص بسته‌های اینترنتی رایگان، ایجاد امکانات رفاهی جهت خرید نیمه‌ها یا اقساطی رایانه، ملزومات رایانه، تبلت، تلفن همراه و ابزارآلات موردنیاز آموزشی برای معلمان در مرحله اول صورت گرفت و در ادامه، تقدیر از معلمان فعال آموزشی در فضای مجازی به‌نحو مقتضی، ایجاد شرایط به‌منظور تهیه محتوای الکترونیکی توسط معلمان بدون پیشامد هرگونه مشکل و دغدغه‌ای انجام شد. استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان در قالب طرح همیار معلم از دیگر کارها بود. از طرفی حمایت‌های مادی، معنوی، خدماتی و درمانی از همکارانی که به علت حضور در مدارس مبتلا به بیماری کرونا می‌شوند، را نیز به دقت مورد بررسی و توجه قرار دادیم.

● در خصوص آموزش‌هایی که نیاز به مهارت‌ورزی دارند، به‌خصوص در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش، چه راهکارهایی اندیشیده شده است تا از افت کیفی این نوع آموزش‌ها کاسته شود؟

در این رابطه، مقرر شده دروس مهارتی که نیاز به مهارت‌ورزی دارند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به‌صورت حضوری برگزار شود و بدین‌منظور از شبیه‌سازهای تجهیزات استفاده شود. دانش‌آموزان هر کلاس به چند گروه تقسیم شدند و حضور چرخشی آن‌ها در کارگاه‌ها با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی صورت می‌گیرد. همچنین به منظور آموزش بهتر از طریق

و سلامت استان اصفهان، برگزاری جشنواره استانی تولید محتوا براساس کتاب راهنمای معلم، همکاری در تهیه و تدوین محتوای آموزشی در شبکه شاد و بهره‌مندی دانش‌آموزان در سطح ملی و تهیه درسنامه ویژه دانش‌آموزانی که به دلایل مختلف دسترسی به شبکه مجازی ندارند، قابل ذکر است.

● به نظر شما معلم چند ساعت در هفته را باید به تولید محتوا و آموزش اختصاص دهد تا هم آموزش حضوری و هم آموزش مجازی را پوشش دهد؟ آیا این حجم کار با میزان ساعت موظف آنان هم‌خوانی دارد؟ در این مورد چه تدابیری اندیشیده شده است؟

بیان ساعات مشخص برای این امر، بسیار مشکل است. قطعاً تولید محتوا نیاز به دانش و نرم‌افزارهای گوناگون دارد که می‌تواند کار را برای همکاران حتی آن‌هایی که در رشته خود بسیار متخصص هستند مشکل نماید. لذا طبق نظرسنجی از معلمان و دبیران، موارد زیر حضورتان اعلام می‌گردد:

الف) تولید محتوا در هفته: حداقل ۲۰ ساعت

ب) آموزش به‌صورت مجازی در هفته: ۲۵ ساعت

ج) آموزش به‌صورت حضوری در صورت حضور دانش‌آموز در هفته: ۱۵ ساعت

د) آموزش به‌صورت مجازی و حضوری در هفته: ۳۰ ساعت

بنابراین آموزگاران و دبیران علاوه بر ساعات موظف آموزشی، هفته‌ای حداقل ۲۰ ساعت با تجهیزات و وسایل شخصی اقدام به تولید محتوا نموده و در مجموع در هفته حداقل ۵۰ ساعت فعالیت می‌نمایند که این حجم کار با میزان ساعت موظف ایشان هم‌خوانی نداشته و پیشنهاد می‌گردد ساعاتی به‌عنوان حق‌التدریس برای معلمان فعال در نظر گرفته و

در مجموع می‌توان پیش‌بینی کرد که در روش‌های آموزشی بساکرونا، به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در فرایند یاددهی و یادگیری توسعه چشمگیری بیابد و این روش‌ها به سمت روش‌های مبتنی بر فناوری حرکت کند. البته در این مسیر شایسته است که مسئولان نظام آموزشی به راه‌حلهایی بیاندیشند تا فراگیری که از اقشار کمتر برخوردار جامعه هستند بیش از گذشته دچار آسیب نشوند و به عبارتی عدالت آموزشی برای همه آحاد و اقشار جامعه پیاده گردد.

دانش‌آموزان اوقات فراغت بیشتری در خانه دارند و در کنار آن مجلات رشد غنی از مطالب خواندنی، جذاب و آموزنده است، چه راهکارهایی برای دریافت و توزیع این مجلات و تشویق دانش‌آموزان و معلمان برای مطالعه این مجلات اندیشیده‌اید؟

تأکید بر حفظ یا ارتقاء کمی و کیفی میزان اشتراک مجلات رشد در جلسات رؤسا، معاونین و کارشناسان مناطق و نواحی استان صورت گرفته است. همچنین با راه‌اندازی سامانه ثبت سفارش مجلات رشد به نشانی اینترنتی roshd.isfedu.ir جهت ثبت سفارش مجلات رشد و رصد میزان اشتراک مجلات اقدام شده است. از طرفی به‌صورت هفتگی از سامانه مذکور گزارش‌گیری می‌شود و وضعیت اشتراک به معاونین آموزشی مناطق و نواحی استان بررسی می‌شود. از دیگر اقدامات قابل انجام می‌توان به گروه‌بندی دانش‌آموزان جهت دریافت مجلات از مدارس به منظور جلوگیری از تجمع دانش‌آموزان و رعایت پروتکل‌های بهداشتی، ارائه تکالیفی از مجلات رشد به دانش‌آموزان به‌منظور مطالعه بهینه مجلات توسط معلمان، اختصاص بخشی در سامانه شاد به این مهم به‌منظور بهره‌برداری، تدوین بازی‌های فکری و آموزشی به‌صورت الکترونیکی، ارائه خدمات الکترونیکی در این خصوص، تدوین و توزیع مطالب مجلات به‌صورت کاربردی و متناسب با شرایط موجود، برگزاری مسابقات آنلاین و دوره‌های ضمن خدمت از محتوای مجلات، برگزاری طرح‌های تشویقی جهت مطالعه مجلات رشد و برگزاری «روز همراه با رشد» در اسفندماه هر سال در مدارس ابتدایی سراسر استان با اهدافی از جمله الف) ارتقای سطح مطالعه و پژوهش (ب) ارتقای مهارت خواندن در دانش‌آموزان (ج) آموزش مهارت به دانش‌آموزان (د) انجام یک فعالیت هیجان‌انگیز و بانشاط قابل ذکر است.

بسته‌های آموزشی توجیه شوند و برای تهیه اینترنت، تبلت و گوشی اندرویدی با اولویت دانش‌آموزان محروم و ساکن مناطق کمتر توسعه یافته اقدام شود. برگزاری کلاس‌های حضوری در حد امکان و ارائه خدمات آموزشی منزل به منزل در برخی از نقاط استان با همکاری ارگان‌های محلی و ذی‌ربط صورت گیرد. بهره‌مندی از ظرفیت خیرین جهت تهیه امکانات آموزش مجازی برای دانش‌آموزان کم‌برخوردار در قالب طرح «آموزش برای همه» از جمله اقدامات است. همچنین تهیه محتوا در قالب پرورش، لوح فشرده و... و تحویل به دانش‌آموزان مناطق محروم، ترغیب به بهره‌گیری از آموزش‌های صدا و سیما (شبکه آموزش) و در مناطق زرد با برنامه منظم آموزش نیمه‌حضوری قابل انجام است.

از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی چه توقعی دارید؟ این سازمان چه کمکی‌هایی در جهت مدیریت بهتر این شرایط می‌تواند به شما کند؟

کاهش حجم کتب درسی و متناسب‌سازی محتوای کتاب‌ها با تدریس در فضای مجازی، تهیه درسنامه‌های استاندارد، تولید محتوای آموزشی نمونه، ضمیمه نمودن محتوای مجازی به کتب درسی، تقویت آموزش و مدرسه تلویزیونی، فعال نمودن ظرفیت‌های شادینو و شادپلاس، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی جهت تقویت برنامه‌های درسی، تولید لوح‌های فشرده کتب درسی و محتوای لازم و تحویل در زمان توزیع کتب درسی، تهیه بانک جامع و کامل یادگیری و مکمل‌های آموزشی برای هر پایه و رشته و درس جداگانه و ارائه به دانش‌آموزان در ابتدای سال تحصیلی و افزایش اطلاعات دبیران در تألیف کتب تولید محتوا از جمله موارد است.

با توجه به اینکه در حال حاضر

مردم و ارائه حداکثر تخفیفات لازم جهت ثبت‌نام دانش‌آموزان توجیه شدند. مؤسسين این مدارس نسبت به غنی‌سازی تجهیزات الکترونیکی در مدارس غیردولتی که در مقایسه با مدارس دولتی قابل اغماض نیست، اقدام کردند. کاهش شهریه دانش‌آموزان، تخصیص ارفاقات مالی، کاهش تعرفه‌های ثبت‌نام و ارائه بسته‌های حمایتی به مدارس غیردولتی صورت گرفت. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد، حمایت‌های مادی از مدارس غیردولتی و چگونگی انعقاد قرارداد مدارس غیردولتی با مدارس دولتی جهت همکاری از جانب قانون توسعه خدمات و بودجه صورت گیرد.

از جمله نیازهای اصلی آموزش از راه دور، تخصیص اینترنت به مدارس و معلمان و مدیریت حجم و سرعت آن است، در این باره توضیح دهید؟

نحوه تخصیص اینترنت رایگان به معلمان با هماهنگی آموزش و پرورش نبوده است و نارضایتی بسیاری از معلمان و مدیران مدارس (مدارس غیردولتی، خرید خدمات آموزشی) را به همراه داشته است، به‌طوری که به بسیاری از معلمان تعلق نگرفته است. همچنین در تخصیص اینترنت به مدارس هیچ‌گونه تخفیف خاصی صورت نگرفته است؛ لازم است تأکید کنم که میزان اینترنت تخصیص یافته برای معلمان کافی نیست و این میزان باید از نظر حجم و سرعت متعادل گردد.

با توجه به اینکه استان اصفهان استان پهناوری است و مناطق محروم هم در این استان وجود دارند، برای دانش‌آموزانی که به اینترنت دسترسی ندارند، چه تسهیلاتی اختصاص یافته است؟

لازم است تا راهبران آموزشی به منظور تهیه و توزیع درسنامه‌ها و

با توجه به شرایط موجود، پیشنهاد می‌شود که مجلات رشد به‌صورت الکترونیکی توزیع شود، در این صورت مجلات رشد به‌راحتی در دسترس کلیه دانش‌آموزان و اولیا قرار می‌گیرد.

سینمای مدرسه

مدیریت اکران فیلم‌های جشنواره بین‌المللی رشد در مدرسه‌ها

روح الله مال میر



اهداف جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

جشنواره فیلم رشد جشنواره‌ای است که در نگاه اول هر ساله، شتاب‌زده و برق‌آسا برگزار می‌شود و پس از چند ماه دوندگی، هر ساله در یکی از جمع‌های آبان یا آذرماه، تعدادی از هنرمندان را به‌عنوان رتبه‌های اول تا سوم معرفی می‌کند. فیلم‌ها در قالب پاکس‌های از پیش تعیین‌شده به استان‌ها ارسال می‌شوند و استان‌ها پس از یک هفته اکران در مراکزی که چندان هم هويت آن‌ها شناخته‌شده نیست، گزارشی از اجرای به‌زعم خود مطلوب، به دبیرخانه ارائه می‌دهند و پس از آن تا مدت‌ها چشم به راه ابلاغ اعتباری اندک و بسته‌های لوح تقدیر می‌مانند تا نفس راحتی بکشند و در پیش وجدان خود اندکی احساس آسودگی کنند. پس از اندک صبحی، آرامشی قبل از طوفان دوباره حاکم می‌شود و بعد با آمدن آخرین ماه بهار، دوباره روز از نو، روزی از نو!

اما واقعیت آن است که برگزاری جشنواره فیلم رشد اهداف بسیار مهم‌تری را در پیشینه خود داشته که کم‌کم به باد فراموشی سپرده شده‌اند

و هر ساله، از طریق باری به هر جهت، آغاز و دوباره پایان یافته است. در تمام این سال‌ها جشنواره فیلم رشد کوشیده است:

● راه‌های تبادل فرهنگی و هنری را با سایر کشورهای جهان هموار کند.

● فیلم‌سازان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای را به تولید اثر در زمینه‌های تعلیم و تربیت ترغیب کند.

● به فرایند یاددهی و یادگیری، تسهیل و جذابیت‌های آن در کلاس‌های درس، از پیش‌دستانی تا دانشگاه، کمک کند.

● دغدغه‌های نظام تعلیم و تربیت کشور را با شناسایی، جذب و نمایش فیلم‌های مناسب در سالن‌های نمایش فیلم و کلاس‌های درس کاهش دهد.

● اوقات فراغت و ساعات‌های خاکستری دانش‌آموزان، مربیان و حتی والدین را با محتوای علمی، آموزشی و تربیتی مدیریت و هدفمند کند.

ضرورت برگزاری «مروری بر فیلم‌های جشنواره رشد» در استان‌ها

جشنواره فیلم رشد در سال‌های نخستین فقط در تهران برگزار می‌شد،

اما از آنجا که همواره یکی از اهداف بزرگ و اصلی جشنواره، تحت پوشش قرار دادن اکثریت دانش‌آموزان سراسر کشور و جذب مخاطب بیشتر بوده و هست، بر اساس تصمیمات شورای سیاست‌گذاری جشنواره، از دوره بیست و سوم به بعد، برنامه‌ریزی و تلاش برای اکران فیلم‌ها در مدرسه‌های سایر استان‌ها در دستور کار قرار گرفت و برای استان‌هایی که تمایل به فعالیت در این عرصه داشتند، بخشنامه، ضوابط و مقررات آن ابلاغ شد.

از آن پس، هر ساله پس از یک هفته برگزاری جشنواره در تهران و چند استان دیگر که هم‌زمان با تهران، فیلم‌ها را در مدرسه‌ها نمایش می‌دادند، سایر استان‌ها نیز بر اساس اعلام آمادگی خود، هفته‌ای را مشخص می‌کردند و با فاصله زمانی مطلوب نسبت به سایر استان‌ها، فیلم‌های برگزیده جشنواره رشد را برای نمایش در مدرسه‌ها، از دبیرخانه دریافت می‌کردند.

از جمله اهداف برگزاری هفته مروری بر فیلم‌های جشنواره رشد در استان‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

● استفاده از توانایی‌های بالقوه موجود

در آموزش و پرورش کشور برای گسترش فرهنگ آموزش دیداری- شنیداری؛
● جذب مخاطبان بیشتر برای بهره‌گیری از رویدادها و جشنواره‌های هنری؛

● آشنایی دانش‌آموزان و فرهنگیان با محیط فرهنگی هنری جشنواره، با توجه به وجود فیلم‌سازان و تهیه‌کنندگان خارجی و آثار آن‌ها و ایجاد ارتباط در سطح بین‌المللی؛

● بهره‌گیری از توانایی‌های صنعت سینما در آموزش و پرورش و نظر مؤثر آن در پیشبرد فرایند یاددهی و یادگیری؛

● ارتقای جایگاه فیلم‌های آموزشی و تربیتی از نظر کمی و کیفی در سطح کشور و تشویق هنرمندان، معلمان و دانش‌آموزان؛

● توسعه فرهنگ به‌کارگیری فیلم آموزشی در فرایند برنامه‌داری، برای تحقق هدف استفاده از بسته آموزشی به‌جای کتاب درسی؛

● تنوع‌بخشی به محیط‌های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت.

کلیدهای موفقیت در مدیریت اکران فیلم‌های جشنواره بین‌المللی رشد در مدرسه‌ها

معمولا فیلم‌های جشنواره بین‌المللی رشد برای دانش‌آموزان در مکان‌های متفاوتی اکران می‌شود؛ مکان‌هایی همچون: سینما، سالن‌های آمفی‌تئاتر، کانون‌های فرهنگی و تربیتی، سالن اجتماعات، نمازخانه و کلاس درس.

نمایش فیلم‌ها در هر یک از مکان‌های ذکر شده مستلزم رعایت نکات مهمی است که توجه به آن‌ها در تمام این مکان‌ها لازم و ضروری است؛ نکاتی همچون:

1 توجه به قدرت جذابیت فیلم برای دانش‌آموزان

از رؤسای محترم مناطق، نواحی و شهرستان‌ها و نیز مدیران محترم مدرسه‌ها تقاضا می‌شود اکران فیلم‌های منتخب جشنواره بین‌المللی فیلم رشد را در مدرسه‌ها و سایر سالن‌ها و مراکز پخش فیلم جدی بگیرند و برای هر چه بهتر برگزارشدن این طرح بکوشند. فراموش نکنیم بچه‌ها از شنیدن قصه و

داستان لذت می‌برند، اما از دیدن آن‌ها به‌صورت تصویری به وجد می‌آیند!

2 آشنایی با مراکز ثابت و سیار

مراکز نمایش فیلم‌ها در دبیرخانه فیلم رشد با دو عنوان ثابت و سیار تعریف شده است. مراکز ثابت مراکزی هستند که در طول هفته برای دانش‌آموزان مدرسه‌های گوناگون پخش فیلم دارند. برای مثال، یک کانون فرهنگی- تربیتی می‌تواند به‌عنوان یک مرکز ثابت هر روز برای دانش‌آموزان فیلم نمایش دهد. منظور از مراکز سیار هم خود مدرسه‌ها هستند که در طول یک یا چند روز برای دانش‌آموزان خود فیلم نمایش می‌دهند. چنانچه یک مدرسه علاوه بر دانش‌آموزان خود برای دانش‌آموزان مدرسه‌های هم‌جوار هم پخش فیلم داشته باشد، آن مدرسه نیز مرکز ثابت محسوب می‌شود.

3 توجه به تمهیدات و مقدمات اولیه

شایسته است معاونان محترم فناوری مدرسه‌ها یا کارشناسان فناوری ادارات، قبل از شروع اکران فیلم‌ها در مراکز ثابت یا سیار، از کیفیت پخش فیلم‌ها توسط سیستم‌های نمایش از جمله پروژکتورها اطمینان حاصل کنند. چنانچه در مرکزی اکران فیلم‌ها با کیفیت نامناسب صدا و تصویر همراه باشد، باعث کسالت دانش‌آموزان می‌شود و خاطره بدی را از تماشای فیلم‌ها در ذهن آن‌ها برجای می‌گذارد.

4 تصویب موضوع در شورای معلمان مدرسه

طرح موضوع و تصویب اجرای آن در شورای معلمان مدرسه و استفاده از نظرات و پیشنهادهای اعضا برای بهره‌برداری بهتر و بیشتر، اولین قدم برای اکران موفق فیلم‌ها در هر مدرسه است. در هر سالن و مکانی که فیلم‌ها برای دانش‌آموزان اکران شود، حضور معلم و آموزگار کلاس در کنار دانش‌آموزان مهم و ضروری است.

5 نمایش فیلم‌ها برای معلمان و آموزگاران مدرسه

قبل از اکران فیلم‌ها در هر یک

از مکان‌های ذکر شده، باید برای دانش‌آموزان توضیح داده شود که آن‌ها قرار است فیلم‌های کوتاه جشنواره فیلم رشد را تماشا کنند و نه فیلم‌های سینمایی را. در نتیجه، دانش‌آموزان باید با ویژگی‌های فیلم‌های جشنواره رشد آشنایی پیدا کنند. این ویژگی‌ها را باید مدیر، معاون و یا معلمان و آموزگاران محترم از قبل به دانش‌آموزان انتقال دهند. از این رو، آشنایی مسئولان و معلمان مدرسه با اهداف جشنواره فیلم رشد و محتوای فیلم‌هایی که قرار است برای دانش‌آموزان نمایش داده شود، بسیار ضروری می‌نماید. بنابراین، قبل از نمایش فیلم‌ها برای دانش‌آموزان، باید ساعتی تعیین شود تا خود معلمان و مربیان، فیلم‌هایی را که قرار است برای دانش‌آموزان نمایش دهند، ببینند و در مورد آن‌ها با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند. ممکن است معلمان یک مدرسه پس از تماشای فیلم‌ها به نکات مهمی اشاره کنند که از نگاه مسئولان حوزه ستادی، استانی و منطقه‌ای پنهان مانده باشد و باید در خصوص آن‌ها تصمیم‌گیری شود. برای مثال، در مدرسه‌ای که اکثریت دانش‌آموزان آن سنی هستند، نمایش فیلمی که به موضوع مسائل سنی و شیعه می‌پردازد، جای تأمل و بحث و بررسی دارد.

6 توجه به رعایت حداکثری استانداردهای مکان‌های نمایش فیلم

رعایت استانداردهای نمایش فیلم در هر یک از محل‌های ذکر شده مورد تأکید و ضروری است. مکان نمایش فیلم باید از نظر صدا و تصویر پخش فیلم‌ها، دمای مناسب، سکوت، نظافت و سایر موارد لازم تا حد امکان استاندارد لازم را داشته باشد. برای مثال، در فصل زمستان جمع کردن دانش‌آموزان در سالنی که دمای داخل آن از دمای فضای بیرون سردتر است، اصلا لطفی ندارد و خاطره تلخی را برای آن‌ها برجای خواهد گذاشت. اگر قرار است دانش‌آموزان چند کلاس به سالن نمایش فیلمی بروند که از نظر صدا یا تصویر کیفیت پایینی دارد، ماندن در کلاس درس و فیلم ندیدن بسی بهتر و مفیدتر است.

۷ توجه به رده سنی دانش آموزان

فیلم‌های ارسالی به مدرسه‌ها بر اساس گروه مخاطبان دسته‌بندی می‌شوند. لذا توجه به رده سنی دانش آموزان و فیلم انتخاب شده برای آن‌ها، ضروری و بسیار مهم است. فیلم‌های پذیرفته شده در جشنواره بین‌المللی رشد بر اساس کاربردی بودن آن‌ها برای یکی از گروه‌های شش‌گانه مخاطبان جشنواره انتخاب می‌شوند. این گروه‌ها عبارت‌اند از: دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی، دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی، دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، معلمان و کارشناسان، اولیا.

۸ پرهیز از هرگونه سخنرانی و تحلیل و بررسی مسائل حاشیه‌ای

اجرای دقیق برنامه نمایش فیلم‌ها برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و رعایت این برنامه، به خصوص در سالن‌های سینما، آمفی‌تئاترها و سالن‌های اجتماعات که بیش از یک کلاس در آنجا حضور دارند، بسیار مهم و مورد تأکید است. بارها مشاهده شده است، در بعضی از مناطق، نواحی و شهرستان‌ها، به بهانه آغاز اکران فیلم‌های جشنواره رشد، مسئولان متعددی به سالن‌های نمایش فیلم دعوت شده و محوریت برنامه را تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ غافل از آنکه دانش‌آموزان قرار است فیلم ببینند و برای شنیدن سخنرانی مسئولان و تحلیل و بررسی مسائل روز کشور نیامده‌اند.

۹ برگزاری فعالیت‌های نقد و بررسی، طراحی و نقاشی، انشانویسی و ...

از جمله فعالیت‌های تکمیلی که پس از نمایش فیلم برای دانش‌آموزان توصیه می‌شود، انجام فعالیت‌هایی همچون نقد و بررسی فیلم‌ها، کشیدن طراحی و نقاشی بر اساس محتوای فیلم‌ها، انشانویسی و خلاصه‌نویسی است. انجام این فعالیت‌ها نیز باید با دوره تحصیلی دانش‌آموزان هم‌خوانی داشته باشد. طراحی و نقاشی برای دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی، انشانویسی و خلاصه‌نویسی برای دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی و

نقد و بررسی فیلم‌ها برای دانش‌آموزان متوسطه‌های اول و دوم پیشنهاد می‌شود. در مورد دانش‌آموزان متوسطه، لازم است مهارت لازم برای نقد و بررسی فیلم‌ها و تحلیل و بررسی فیلم‌ها در حد توانایی آن‌ها آموزش داده شود. توجه به‌عنوان فیلم، بیان خلاصه فیلم، تعیین شخصیت‌های مثبت و منفی موجود در فیلم، و پیامی که دانش‌آموزان از فیلم دریافت می‌کنند، از جمله مواردی هستند که دانش‌آموزان را در نقد و بررسی فیلم‌ها کمک خواهند کرد.

۱۰ رعایت ضوابط و مقررات اردویی

دانش‌آموزان همواره علاقه دارند به بهانه‌های متفاوت از جمله اردو، بازدید و سینما، از چهاردیواری کلاس و محیط مدرسه خارج شوند و حضور در فضاهای تازه را تجربه کنند. تماشای فیلم‌های جشنواره رشد در سالن‌های سینما محاسن و معایبی دارد که هر یک از آن‌ها در جای خود قابل تأمل و بررسی است. اما در مجموع، خروج دانش‌آموزان از مدرسه و حضور در سالن‌های مجهز سینما برای تماشای فیلم، جذابیت‌ها و لذت‌های خاص خود را دارد که باعث می‌شود روزی خاطره‌انگیز را برای آن‌ها رقم بزنند. پس در اکران فیلم‌های جشنواره رشد در سینما توجه داشته باشیم که برای بردن دانش‌آموزان به مکان سینما، رعایت نکات دستورالعمل‌های اردویی درون‌شهری الزامی است. در نتیجه، برنامه‌ریزی لازم و اطلاع‌رسانی به‌موقع به والدین دانش‌آموزان برای دریافت رضایت‌نامه ضروری است.

۱۱ آموزش غیرمستقیم فیلم‌سازی به دانش آموزان

نمایش فیلم‌های کوتاه و خیلی کوتاه جشنواره فیلم رشد برای دانش‌آموزان، فرصت مناسبی برای کشف و پرورش استعداد دانش‌آموزان علاقه‌مند به هنر فیلم‌سازی است. از آنجا که دانش‌آموزان از طریق تلویزیون و سینما بیشتر با سریال‌ها و فیلم‌های داستانی بلند و سینمایی آشنایی دارند و کمتر وقت خود را برای تماشای فیلم‌های یک

دقیقه‌ای، چند دقیقه‌ای و کوتاه صرف می‌کنند، تماشای فیلم‌های جشنواره رشد دریچه‌ای تازه بر فکر و ذهن آن‌ها می‌گشاید و آن‌ها را ترغیب می‌کند خود دست به خلق چنین آثاری بزنند. آشنایی با موضوعاتی همچون ایده، فیلم‌نامه، فیلم‌برداری، کارگردانی و تدوین از جمله آموزش‌های غیرمستقیم فیلم‌سازی برای دانش‌آموزان، به‌خصوص دانش‌آموزان متوسطه است که نباید از چنین فرصت‌هایی طلایی برای آنان غافل ماند.

۱۲ ارزیابی فیلم‌های جشنواره توسط دانش آموزان

تماشای فعال و غیرفعال فیلم از جمله نکات کاربردی و کلید طلایی موفقیت در اکران فیلم‌های جشنواره رشد است. به نحوه تماشای فیلم توسط دانش‌آموزان توجه کنید. آیا امواج رضایتمندی در حین تماشای فیلم در چشمان دانش‌آموزان موج می‌زند یا خیر؟ دانش‌آموزان با رغبت و علاقه موضوع و حوادث فیلم را دنبال می‌کنند یا به بهانه‌های گوناگون در صدد ترک سالن نمایش فیلم هستند؟

برای مشارکت حداکثری تماشای فیلم توسط دانش‌آموزان راه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این راه‌ها، ارزیابی فیلم‌ها توسط خود دانش‌آموزان است. برای شروع این کار می‌توانید اسامی فیلم‌هایی را که قرار است دانش‌آموزان ببینند از قبل آماده کنید و تحت عنوان فرم ارزیابی یا حتی داور فیلم در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید. این فعالیت در دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه بیش از دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم ابتدایی تأثیرگذار و نتیجه‌بخش خواهد بود. چنانچه دانش‌آموزان متوجه شوند قرار است به فیلم‌هایی که می‌بینند امتیاز بدهند یا در مورد آن‌ها صحبت کنند یا از بین آن‌ها یک یا چند فیلم را به‌عنوان فیلم بهتر انتخاب کنند، در این صورت از تماشاچی غیرفعال فیلم‌ها به تماشاچی فعال تبدیل می‌شوند و میزان رضایتمندی خود را به‌صورت شفاهی یا کتبی اعلام می‌کنند.



کلاس پیدا؛ کلاس ناپیدا

دوراهی‌های اثرگذار در معماری مدارس

محمد تابش، طراح و پژوهشگر در حوزه معماری مدرسه

در شماره پیشین موضوع دوراهی‌ها در معماری مدرسه به تفصیل و با طرح چندین مثال تبیین شد؛ دوراهی‌هایی از جنس تصمیم‌گیری که موضوع کلی و کالبدی آن‌ها شکل و صورتی معمارانه دارند، ولی به‌طور قطع، در رویدادها و فرایندهای آموزشی و تربیتی مدرسه تأثیرگذارند. در این شماره به موضوع ایجادشدن یا نشدن شفافیت در جداره‌های کلاس می‌پردازیم. این موضوع در سال‌های اخیر به یکی از این دوراهی‌ها و به‌عنوان یک چالش در تصمیم‌گیری در برخی از مدرسه‌ها تبدیل شده است. هرچند در سال‌های قبل به شکل محدود و همچنین پراکنده در چند مقاله به آن اشاره شده است، اما این دو مقاله به‌صورت کامل به موضوع این دوراهی و جزئیات مربوط به آن اختصاص می‌یابند.



بالا: فضای پرنور راهروی یک مدرسه در تهران - پایین: فضای تاریک راهروی یک مدرسه در تهران



عبور نور از فضاهای پیرامون به فضاهای مرکزی در پی وجود دیوارهای شفاف داخلی

توسعه عمق دید

دانش‌آموزان در کلاس درس خود نشستند و مشغول مطالعه یا فعالیت آموزشی دیگری هستند. یکی از دیوارهای کلاس آن‌ها دو پنجره کوچک به سمت بیرون دارد. مدیران مدرسه معتقدند، دیده‌شدن بیرون کلاس توسط بچه‌ها باعث حواس‌پرتی آن‌ها می‌شود. به همین دلیل بخش‌های پایین پنجره‌ها را با پرچسب مات‌کننده پوشانده‌اند. سه دیوار دیگر هم هیچ منفذی به بیرون ندارند. هر دانش‌آموز، وقتی سر از کتاب و دفتر خود برمی‌دارد، در چهار طرف خود چهار دیوار بسته می‌بیند. در چنین شرایطی، چه احساسی باید داشته باشند؟ احساس قرارداشتن درون یک جعبه یا سلول یک زندان؛ آن هم نه در بند عمومی!

نقطه مقابل این وضعیت چگونه است؟ کلاس درسی که پنجره‌های بیرون آن چشم‌انداز طبیعی زیبایی دارد و وقتی دانش‌آموز بیرون را می‌بیند، منظره درختان یا حتی یک درخت، او را سرزنده می‌کند! اما اصل صحبت ما روی جداره‌های داخلی است. سر را بلند می‌کند و به‌جای اینکه آخرین نقطه قابل رؤیت او، در فاصله ۵ متری با چشم‌هایش باشد، به‌واسطه این شفافیت، تا فاصله بیش از ۱۵ متری خود را می‌بیند.

شاید بگوییم خب این چه خاصیتی دارد؟ نخستین اثر ارزنده این ویژگی، دلگشا بودن محیط و باز بودن چشم‌اندازهای داخلی است. این دل‌باز بودن، نشاط بصری و روحی دانش‌آموزان

در مصرف برق، باید این چراغ‌ها را خاموش کرد. چراغ‌ها را خاموش می‌کنیم. چه می‌بینیم؟ هیچ! چشم را نمی‌بیند. چراغ‌ها باید روشن باشند. بدتر از آن اینکه حتی وقتی همه چراغ‌ها هم روشن‌اند، کیفیت محیط از نظر روشنایی بسیار پایین است. بله. هیچ چیزی جای نور طبیعی را نمی‌گیرد!

حالا چه باید کرد؟ اگر دیواره هر کلاس و دفترها در مرز مشترک بین آن‌ها و این راهروی تاریک، شفاف بود، نور با عبور از آن‌ها، به لایه بعدی که همان راهروی تاریک است، نفوذ می‌کرد. بدون تردید ورود نور طبیعی دست دوم از لایه اول به لایه بعدی هم کیفیت روشنایی محیط را بالاتر می‌برد! حتی اگر لازم باشد برای تأمین روشنایی مطلوب باز هم از نور مصنوعی کمک گرفت، این وضعیت به مراتب از وضعیت تاریکی مطلق بهتر و قابل قبول‌تر است.

چرا برخی دیوارها باید شفاف شوند؟!

شفافیت دیوارهای کلاس یا دفتر مدرسه چه مزایایی دارد؟ چرا باید به این موضوع بپردازیم؟ با توجه کردن به شفاف‌سازی جداره‌های داخلی بین کلاس‌ها و محیط‌های دیگری همچون راهروها، چه دستاوردی نصیب مدرسه می‌شود؟ اصلاً در محیط‌های مدرسه‌هایی با دیوارهای کاملاً غیرشفاف، چه مشکلاتی وجود دارد که با ایجاد این شفافیت می‌توان آن‌ها را برطرف کرد یا کاهش داد؟

روشنایی لایه بعدی

در حالی که آفتاب می‌تابد، از حیاط مدرسه عبور می‌کنیم و وارد ساختمان آن می‌شویم. وقتی چند قدمی به داخل فضای مدرسه حرکت می‌کنیم، متوجه می‌شویم همه چراغ‌های راهروها روشن‌اند. روز است و انتظار ما اینکه تابش آفتاب می‌تواند همه جا را روشن کند! برای صرفه‌جویی



شفافیت و گسترش عمق دید



جدارهای شفاف و امکان مشاهده فعالیت دانش‌آموزان

را به همراه دارد. شاید مهم‌ترین اثر را همین ایجاد چشم‌انداز وسیع بدانیم. ویژگی دیگر را رفع خستگی فوری از چشمان باید دانست. در حالی که شما به فاصله‌ای نزدیک، صفحه کتاب یا رایانه را برای مدتی به نسبت طولانی نگاه می‌کنید و در پی آن سر بلند می‌کنید، اگر دورترین سطح قابل دیدن در حدود فاصله‌های نزدیک ۴ یا ۵ متری باشد، چشمان خسته شما همچنان خسته باقی خواهد ماند، اما اگر این فاصله در حدود ۱۵ متر یا بیش از آن باشد، در پی تطبیق طبیعی عضلات چشم شما با فاصله جدید در حال مشاهده در دوردست، خستگی به سرعت از چشمانتان برطرف می‌شود.

سرایت شور و نشاط

دیوارهای مستحکم و نفوذناپذیر و درهای بسته و ناشفاف نشانه‌های حیات را در مدرسه پنهان کرده‌اند. در کلاس‌ها چه می‌گذرد؟ شاید دانش‌آموزی که کسل و کم‌نشاط است، با دیدن فعالیت و سرزندگی دانش‌آموزان کلاس دیگر به شکلی غیرمستقیم نشاط خود را بازیابد. شور و سرزندگی مسری است. اما دیوارهای کلاس‌ها جعبه‌هایی درست می‌کنند که نمی‌گذارند این شور و نشاط در محیط‌های اطراف جاری شود. در حالی که وجود شفافیت در یک مدرسه کمک می‌کند تا دانش‌آموزان به شکلی کم‌هزینه با مشاهده فعالیت‌های دیگران، به فعالیت بیشتر تشویق شوند. این موضوع برای سایر ناظران هم اثربخش است. معلم هم می‌تواند از تصویری عمومی که دورتادور کلاس

می‌بیند، برای فعالیت‌ها و طرح درس خود ایده بگیرد.

تعطیلی سرک کشیدن

ناظم یک مدرسه با نگرانی از چگونگی پیاده‌شدن نظم و رعایت انتظارهای مدیران مدرسه از دانش‌آموزان، همواره مجبور است به فضاهای گوناگون مدرسه سرک بکشد. اسم سرکشی را در ذهن خود تصویرسازی کنید. شاید اگر خود را به جای دانش‌آموزان بگذارید، به جای «سرکشی» بگویید «سرک کشیدن» و از این کار ناظم یا هر یک از مسئولان مدرسه خوششان نیاید. سرک کشیدن احساس خوشایندی در دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کند. به علاوه اینکه همواره امکان نظارت بر همه فضاهای مدرسه وجود ندارد. هرچند این کار ضروری هم به نظر نمی‌رسد. اما

به هر حال مسئولان یک مدرسه خود را پاسخگو می‌دانند و باید رویدادهای مدرسه را تا حد معقول و مناسبی زیر نظر داشته باشند؛ بدون اینکه حاشیه‌های نامطلوبی ایجاد شود. شفافیت در جداره‌های مدرسه، بهترین راهکار برای رسیدن به این نوع از نظارت بر فعالیت‌ها، فرایندها و رویدادها در مدرسه است، بدون اینکه جلب توجه کند و بخواهد عنوان‌هایی با بار منفی همچون سرک کشیدن را با خود یدک بکشد. به‌طور کلی، در چنین محیط‌هایی که تا حدود مناسبی در دیوارهای داخلی از شفافیت بهره می‌برند، همه افراد احساس نوعی از نظارت اجتماعی می‌کنند و این حس بار مسئولیت نظارت بر رویدادهای مدرسه را به کل افراد مدرسه تقسیم می‌کند.

شفافیت دیوارهای کلاس تهدیدها و در پی آن مخالفان بسیاری هم دارد. از این‌روست که این موضوع یک دوراهی چالشی در معماری مدرسه است و تصمیم‌گیری درباره آن به بررسی‌های چندبعدی نیاز دارد. گاهی طرح این موضوع برخی از معلمان را به دلیل‌های گوناگون نگران می‌کند؛ نگرانی‌هایی که بیشتر از همه درباره حواس‌پرتی و تمرکز نداشتن دانش‌آموزان در کلاس شفاف است. همچنین، این نگاه که کلاس درس در قلمرو ویژه یک معلم است، آگاهانه یا ناخودآگاه در ذهن برخی از معلمان وجود دارد و باعث می‌شود آنان کلاس درس شفاف را نافی و محدودکننده قلمرو خود تلقی کنند!



خدایی دیدن

زیبایی‌ها و کمالات جهان

حجت‌الاسلام محمد محرابی، مشاور تربیتی و کارشناس قرآنی

پس از «بسم‌الله الرحمن الرحیم» که آغازگر سوره‌هاست، نخستین وظیفه بندگان این است که به یاد مبدأ و خالق بزرگ جهان هستی و نعمت‌های بی‌پایانش بیفتند؛ همان نعمت‌های فراوانی که سراسر وجود و زندگی ما را فراگرفته‌اند، راهنمای ما در شناخت پروردگارند و انگیزه ما در راه عبودیت. چرا، هنگامی که نعمتی به انسان می‌رسد، دوست دارد بخشنده آن نعمت را بشناسد و به فرمان فطرتش به سپاس‌گزاری برخیزد و حق شکر او را ادا کند.

اختصاص داشتن حمد و ستایش به خداوند متعال که از آیه «الحمد لله رب العالمین» استفاده می‌شود، برای ما روشن می‌کند که چون همه صفات و افعال نیکوی جهان و موجودات، از خداوند حاصل می‌شوند و جلوه‌ای هستند از اسمای حسنا و صفات عالیای خداوند که از او به مخلوقاتش جاری گشته‌اند، به همین سبب ستایش هر حسن و کمالی در واقع ستایش مبدأ و خالق آن‌هاست. جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، جهانی خدایی است و آینده از جلوه‌ها و نشانه‌های خداوند و اگر نگاهی عمیق و عاقلانه به آن داشته باشیم، آثار صنع الهی را به‌وضوح در آن می‌یابیم:

هر که فکر نکند نقش بود بر دیوار

خدایی دیدن جهان و درک خوش‌بختی

توجه داشتن به این موضوع که همه زیبایی‌ها و کمالات جهان جلوه‌هایی از زیبایی و حسن و کمال خداوندند، آثار ارزشمند و مهم زیر را برای زندگی و دین‌داری ما به ارمغان می‌آورد:

اول: زندگی از معنا و مفهومی فراطبیعی و باطراوت برخوردار می‌شود که با فطرت کمال‌گرا و بی‌نهایت‌خواه ما هماهنگ است و احساس پوچی و افسردگی را از ما دور می‌کند.

دوم: احساس امنیت و آرامش را در ما افزایش می‌دهد. زیرا در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند مهربان و توانا آن را ساخته و سرشار از جلوه‌های زیبای اوست. **سوم:** امید و اشتیاق به موفقیت در عرصه دین‌داری (هم‌دوش با موفقیت دنیایی) را در ما افزایش می‌دهد، چرا که این جهان، جهانی خدایی است با سنت‌ها و قوانینی برای یاری‌رساندن به انسان‌های مؤمن و دین‌باور.

چهارم: تأثیر امور منفی و انحرافی را در ما کاهش می‌دهد، زیرا می‌دانیم آنچه از بدی‌ها و تاریکی‌ها در جهان دیده می‌شود، اصالت ندارد و امری ناهماهنگ با آفرینش الهی و ناتوان در برابر عظمت خداوندی است. این نگرش متعالی، شجاعتی پولادین برای مبارزه با بدی‌ها و ناپاکی‌ها را دل‌های ما ایجاد می‌کند.

نقش «نگرش» در دین‌داری شاگردان

یکی از امور ضروری در عرصه تربیت دینی این است که ما به فرزندان و شاگردان خود درک و شناخت درستی از خداوند و صفات او و جهان آفرینش بدهیم. در واقع، این شناخت سنگ بنای دین‌داری آنان خواهد بود. البته لازم است به محدودیت‌های ذهنی و روانی آن‌ها هم توجه داشته باشیم و آن را در ساده‌ترین و قابل‌فهم‌ترین روش و بیان به آن‌ها ارائه کنیم.

همه انسان‌ها از نعمت‌های الهی

برخوردارند، اما تفاوت انسان دین‌دار و خداگرا با انسان سرگشته و بی‌دین در نگرشی است که نسبت به این نعمت‌ها دارند. فرد دین‌باور آن‌ها را نعمت‌هایی از خداوند مهربان می‌داند که برای رشد و کمال در اختیار او گذاشته شده‌اند، اما فرد غافل یا غیر دین‌دار، از مبدأ و آفریدگار نعمت‌ها غافل است یا آن‌ها را اتفاقی دانسته و دچار سردرگمی و تحیر می‌شود و نمی‌داند آن نعمت‌ها چگونه به وجود آمده‌اند و برای چه هدفی باید استفاده شوند؟

قرآن کریم نه تنها همه نعمت‌های جذاب جهان را از خدا می‌داند، بلکه آن‌ها را اشیایی مرتبط با خداوند و متصل به نیروی الهی و اسما و صفات او می‌داند. در این دیدگاه عمیق، خداوند که «قیوم» است، با وجود بی‌نهایتش در همه جای هستی حضور دارد و همه چیز را به پا داشته

و صفات و اسمای او در همه اشیا جاری شده است: «و باسمانک التی ملئت ارکان کل شیء» و هر چیزی نشانی از خداوند متعال دارد و آینه‌ای است که صفات الهی را به نمایش می‌گذارد.

← جویبارهای صفات الهی در شاگردان

لازم است فرزندان و شاگردان ما این نکته را به خوبی دریابند که صفات گوناگون و استعدادها و توانایی‌های درونی آن‌ها، جویبارهای صفات الهی و زیبایی‌ها و

استقلالی به کمالات خود و دیگران، ممکن است با داشتن توانایی‌ها یا استعدادهای قوی، دچار تکبر و خودبزرگ‌بینی شوند و راه سعادت و دین‌داری را گم کنند: «ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی» (علق، ۶) یا اینکه در برابر افرادی که ویژگی‌های برجسته‌ای دارند احساس کمبود کنند و نگاهی آژمندانه و از روی ذلت و حقارت به آنان داشته باشند. فرزندان ما با داشتن چنین نگرشی، سرشار از نشاط و امید و آرامش خواهند شد، زیرا خود را در جهانی می‌یابند که از خدا و با خداست. از سوی دیگر، از تعادل درونی و رفتاری برخوردار می‌شوند و در عین داشتن تواضع و فروتنی، از عزت‌نفس و احساس شخصیت لازم بهره‌مند خواهند شد.

← اعتماد به نفس و تواضع در والدین و معلمان

ما زمانی می‌توانیم این مفاهیم و معارف عمیق دینی را به فرزندان و شاگردان بیاموزیم که خود نیز آن‌ها را در عمق جانمان باور داشته باشیم و در عمل و در ارتباط با دیگران این نگرش را تحقق بخشیم. وجود دو صفت ارزشمند «اعتماد به نفس» و «تواضع» در ما، بهترین راه عملی برای تحقق این نگرش در زندگی فرزندان و شاگردان ماست، زیرا اگر ما به‌عنوان والدین یا معلمان از اعتماد به نفس لازم در زندگی و مواجهه با دیگران برخوردار نباشیم، یا اینکه دچار غرور و تکبر باشیم و برای دیگران ارزش قائل نشویم، نمی‌توانیم آنان را به این دو صفت ارزشمند و طلایی آراسته کنیم؛ چرا که فرزندان و شاگردان ما بیش از آنکه به سخنان و توصیه‌های ما توجه کنند، به کنش‌ها و منش ما توجه می‌کنند و همانند ما می‌شوند.

صفت تواضع بیانگر این نگاه عمیق است که آنچه از کمالات داریم، از خداوند و موهبت اوست و لذا نباید بر خود غرّه شد و دیگران را حقیر دید. صفت اعتماد به نفس نیز نشانگر آن است که همه ما به اندازه کافی از عنایت و الطاف الهی برخورداریم و آنچه دیگران دارند نیز از خداوند است. دیگران امانت‌دار نعمت‌ها و الطاف الهی هستند و خودباختگی در برابر آنان هم معنایی ندارد.

معلم متعادل و نمونه، در کلاس درس

توانایی‌های خداوند است که در وجود آن‌ها جاری شده است. از این رو، اولاً باید بر خود ببالند که به‌عنوان خلیفه و جانشین خداوند مورد این لطف الهی قرار گرفته‌اند، ثانیاً شکر گزار خداوند باشند و از آن نعمت‌ها و موهبت‌ها برای رشد و کمال خود و دیگر انسان‌ها و سایر موجودات استفاده کنند، ثالثاً هیچ‌گاه دچار خودبزرگ‌بینی و غرور نشوند و در طرف مقابل، اگر ویژگی‌های برجسته و مثبتی را در دیگران هم دیدند، دچار خودباختگی نشوند و در برابر آنان به کرنش نیفتند؛ زیرا هر زیبایی و قدرت و کمالی از خداوند بخشنده و مهربان است و تنها باید او را ستایش کرد و تنها باید او را سپاس گفت که ما را از صفات متعالی خود بهره‌مند ساخته است.

فرزندان ما بدون چنین نگرشی نمی‌توانند ارتباطی عمیق با خداوند داشته باشند. از سوی دیگر، به دلیل داشتن نگاه

خود از اعتماد به نفس لازم برخوردار است و آن را به شاگردانش منتقل می‌کند و هیچ‌گاه آنان را تحقیر نمی‌کند. همچنین، با روش متواضعانه و صمیمی خود در کلاس، روح تواضع و فروتنی علمی و اخلاقی را در شاگردانش می‌دمد و آنان را شیفته و دوستدار واقعی خود می‌کند.

← آیا اعتماد به نفس مقوله‌ای غیردینی است؟

درباره اینکه آیا «اعتماد به نفس» مقوله‌ای دینی است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از عالمان دینی فرموده‌اند چون فرد مؤمن باید به خداوند اعتماد کند، پس اعتماد به نفس نمی‌تواند مقوله‌ای دینی باشد. این سخن اگر چه فی‌نفسه فرمایشی متین است، اما توجه به دو نکته نشان می‌دهد که این موضوع می‌تواند مقوله‌ای دینی باشد. نکته اول اینکه «نفس» در نگاه غیردینی رنگی اومانستی و گسسته از خداوند دارد، اما در نگاه دینی کاملاً با خداوند مرتبط است و خداوند بدان قسم خورده است: «و نفس و ما سویها * فالهمها فجورها و تقویها» (شمس، ۸). در نگاه دینی، خداوند از روح خود در ما دمیده است: «فاذا نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین» (حجر، ۲۹ و ص، ۷۲) و به ما فطرتی الهی داده است: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التی فطر الناس علیها» (روم، ۳۰) و به همین دلیل، اعتماد به نفس در نگاه دینی اعتماد به نفس الهی است نه اعتماد به نفس در مقابل خداوند.

نکته دوم آنکه موضوع اعتماد به نفس در فضای ارتباطات انسانی و مانند آن مطرح می‌شود و پیامش این است که ما در مقابل دیگران یا در برابر حوادث و رخدادها خود را نیازیم و عزت‌نفس و قوت اراده داشته باشیم. این موضوع به رابطه ما با خداوند ربطی ندارد. در ارتباط با خداوند، ما باید روی خود حساب نکنیم و همه دارایی‌های درونی و بیرونی خود را از خداوند بدانیم و بسادآور فقر و نیاز مطلق خود باشیم؛ چنان‌که خداوند متعال فرموده است: «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر، ۱۵). به همین دلیل، اعتماد به نفس در برابر خداوند امری نامعقول و غیردینی است.

تربیت را فرا

دکتر میثم صداقت‌زاده



شاید بتوان تربیت را عبارت دانست از فرایند تدریجی رها شدن از وابستگی‌ها. به‌طور کلی، مراتب وابستگی را در انسان می‌توان در سطوح جسمی، طبیعی، مادی، عاطفی، فکری، روحی، خانوادگی، اجتماعی، دنیوی و اخروی ردیابی کرد. انسان در دوره جنینی به مادر خود وابستگی مطلق و حیاتی دارد و پس از تولد، اگر چه در خارج از رحم امکان حیات دارد، اما برای پاسخ‌گویی به نیازهای اولیه خود، کاملاً به خانواده محتاج است.

شدت وابستگی‌ها به تدریج کاهش می‌یابد، به طوری که می‌توان سه دوره هفت‌ساله تربیت را گام‌هایی در جهت استقلال شخصیت انسان نامید. پس از طی دوره اول که اندام‌های حسی و حرکتی نیروی لازم برای زنده ماندن و رفع نیازهای انسان را به دست آوردند، در دوره دوم، انسان نیازمند یادگیری مهارت نحوه رفع نیازهای زیستی و اجتماعی از خانواده و جامعه خواهد بود. سپس مرحله گذار به استقلال کامل را با معاونت و مشاورت مربیان خود سپری خواهد کرد.

بعد از این دوره است که باید مسیر تکامل را با پای خود طی کند. در این مرحله، تربیت متوقف نمی‌شود، بلکه فرایند نفی وابستگی‌ها و رها شدن از جبرها ادامه می‌یابد؛ تا جایی که نه موانع بیرونی، طبیعی و اجتماعی، بلکه امیال و غرایز درونی هم نمی‌توانند از نفوذ اراده او جلوگیری کنند.^۱ در پایان این مسیر و در بالاترین مراتب رشد و ولایت^۲، انسان به جایی خواهد رسید که اراده او در اراده الهی فانی می‌شود و با آزادی از هر دو جهان^۳ و همه غل و زنجیرهای^۴ آن، تنها فقیر و وابسته به آن ذات مقدس خواهد بود.

انسانی که در اصل وجود خود وابسته و عین ربط به خداست، محال است استقلال مطلق داشته باشد، اما می‌توان از تعلق و وابستگی و میزان آن سخن گفت. یکی به‌شدت به مادیات وابسته است و دیگری تنها به خدا! این یعنی میزان رشدیافتگی افراد و جوامع را می‌توان براساس استقلال و وابستگی‌های آن‌ها ارزیابی کرد.

دانش‌آموز رشد نیافته برای تشخیص دست چپ و راست خود نیازمند آموزش است، ولی هر چه پیش می‌رود، اطلاعات وسیع‌تری کسب می‌کند و توانایی بیشتری برای استفاده از این اطلاعات و کشف پدیده‌های جدید می‌یابد. اما هدف از آموزش و تعلیم، نه افزایش داده‌ها، بلکه رشد عقلی و استقلال فکری و زنده کردن قوه ابتکار است.^۵

در ساحت‌های غیرعلمی نیز چنین فرایندی در جریان است. کودک در ابتدا براساس تقلید، تلقین و تعصب، رفتارهای والدین و الگوهای خود را تکرار می‌کند. هر چه بیشتر رشد می‌کند، عمل او پشتوانه نیت و ایمان قوی‌تری می‌یابد و اراده‌ای مستحکم‌تر و مستقل‌تر خواهد یافت.

تربیت در فضای مجازی

مسئله امروز ما استفاده از ارتباطات مجازی برای رشد دانش‌آموز است. این موضوع در ساحت علمی و آموزش مجازی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. وجود نرم‌افزارهای متعدد آموزش مجازی و روش‌های گوناگون تدریس مجازی از توجه خوب معلمان به این حوزه نشان دارد. اما دیگر حوزه‌های تربیتی چطور؟ آیا از این بستر می‌توان در مسیر رشد دیگر ساحت‌های وجودی انسان بهره برد؟ ابتدا باید این نکته را متذکر شوم که در حوزه آموزش نیز، چنان‌که گفته شد، هدف اصلی ارتقای قوه تفکر و تعقل است و این ابزار نباید تنها برای انتقال مفاهیم و انباشت اطلاعات دانش‌آموزان به کار برود. اما بحث ما از حوزه آموزش وسیع‌تر است. بحث درباره تربیت مجازی است.

اموش نکنیم

فضای مجازی لازمه تربیت در عصر رسانه است، اما باید توجه داشت که این ورود به‌مثابه ورود به پست‌ترین عوالم است و اگر در عوالم بالاتر هدف و باطنی برای او نهادینه نشده باشد، بسیار خطرناک است: «بئس الورد المورود».

اما از یک جهت می‌توان در تربیت کار کرد بسیار مهمی برای فضای مجازی در نظر گرفت. پایه و اساس بسیاری از اقدامات و برنامه‌های تربیتی رایج در مدرسه‌ها و مراکز شبیه به آن، استفاده از نقش محیط در تربیت است. در این قبیل فعالیت‌ها، متربی تحت‌تأثیر دوستان، معلمان، اطرافیان و فضا عملی را انجام می‌دهد یا ترک می‌کند. در چنین شرایطی، اراده او متأثر می‌شود از آنچه بیرون از وجود او در جریان است، و استقلال عمل او تا حدی کمرنگ می‌شود. این در حالی است که تربیت یعنی فرایند استقلال و مستقل‌شدن! در چنین شرایطی می‌توان به سبکی از تربیت رهنمون شد که بنیان آن ایجاد فاصله میان مربی و متربی به‌منظور ایستادن متربی روی پای خود است. در این سبک، مربی برای مستقل شدن متربی خود و رهایی او از وابستگی به محیط، از ارتباط غیرمستقیم با متربی خود بهره می‌برد تا او بتواند بدون تکیه مستقیم و بلندمدت به مربی خود، مسیر رشد ارادی را پیماید. برای این کار می‌توان از پیام‌رسان‌ها و اپلیکیشن‌ها استفاده کرد.

نکته قابل توجه در این باره آن است که استفاده از چنین امکانی متعلق به دوره‌هایی است که شخص ظرفیت لازم را برای مستقل شدن به دست آورده باشد. لذا شاید چنین برنامه‌ای مثلاً برای دوره ابتدایی مناسب نباشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به کتاب آزادی معنوی از استاد مطهری
۲. اشاره به کتاب ولاها و ولایت‌ها از استاد مطهری
۳. اشاره به غزل حافظ: فاش می‌گویم و از گفته خود دل شادم / بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
۴. اشاره به آیه: يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴿الأعراف، ۱۵۷﴾
۵. تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری، ص ۱۶
۶. سوره هود آیه ۹۸



● اگر قرار باشد شدت و گستره وابستگی‌ها تغییر نکند، ولی متعلق آن پست‌تر شود، گرفتار سقوط و رشد منفی شده‌ایم، نه تربیت تکاملی. ممکن است نوجوان با ورود به فضای مجازی، حضور خود در جهان واقعی را کاهش دهد و وقت و ذهن و توان خود را در عالم مجازی صرف کند. آنچه در چنین شرایطی رخ داده، این است که به‌جای تعالی از جهان طبیعت به عوالم بالاتر، به عالم اعتباری پست‌تری تنزل کرده است و این حرکت را نمی‌توان تکامل دانست. گاهی گمان می‌رود ورود نوجوان به

براساس مقدمه طولانی و مهمی که در این یادداشت عرض شد، چند نکته را می‌توان دریافت:

● اگر قرار باشد فضای مجازی به‌جای اینکه کمکی برای رهایی و استقلال درونی انسان باشد، به وابستگی بیشتر او بینجامد، حتماً در مسیر صحیح تربیت واقعی نخواهد بود. چنان‌که گفته شد، تربیت فرایند تدریجی رها شدن از تعلق به غیر خداست. حال اگر علاوه بر وابستگی‌های عاطفی، طبیعی، اجتماعی، مادی و ... وابستگی به فضای مجازی هم ایجاد شود، خطاست.



اینجا هم تعاملی لازم است

© مینا پاکپور، دبیر استان گیلان و مدرس دانشگاه

مرحله اول انتخاب کردن یکی از واحدهای یادگیری کتاب درسی، پیشنهاد و ارائه منابع و محتوای متناسب با آن به دانش‌آموزان است. این منابع می‌توانند متن، فیلم، فایل صوتی و تصویری، اسلاید، گیف و نرم‌افزارهای متناسب با هدف درس باشند.

دبیر نقشه اولیه فعالیت‌های یادگیری مورد نظر را می‌کشد. در این مرحله، در واقع معلم اقدام به تولید یک بسته فعالیتی می‌کند تا دانش‌آموزان طبق محتوای بسته، درگیر فعالیت‌های

در این نوشته تلاش می‌کنم تجربه‌های چند ماهه تدریس مجازی خود را بیان کنم. این تدریس‌ها که با استفاده از امکانات شبکه اجتماعی در پیام‌رسان‌ها اجرا شد، می‌تواند حدی از تعامل و جریان بازخورد را بین دانش‌آموزان و معلم ایجاد کند. زیرا عنصر اصلی یادگیری جمعی، که در کلاس درس وجود دارد، تعامل و روابط است. متأسفانه زیرساخت‌های متناسب این شرایط، مانند اینترنت پرسرعت، در بیشتر نقاط کشور و کلاس‌های مجازی برای همگان فراهم نشده است. حتی دانش‌آموزان بسیاری هستند که گوشی مناسب هم ندارند.

در ادامه چگونگی یک نمونه تدریس آنلاین مطلوب را می‌آورم و امیدوارم راهکار پیشنهادی در این شرایط، برای هدایت و نظم‌بخشی به تلاش‌های همکاران پر تلاش، مفید باشد. اگرچه اطمینان دارم کم و بیش این فعالیت‌ها در بیشتر مدارس در جریان‌اند و مدیران زیادی به دنبال راهکارهای نوین تدریس مجازی هستند. تنها ارزش این نوشتار، نظم‌بخشی به تدریس مجازی است.



یادگیری شوند. بسته فعالیت چیز پیچیده‌ای نیست و به‌سادگی می‌تواند شامل چند فعالیت یادگیری نه‌چندان پیچیده باشد؛ مثلاً گوش دادن به فایل صوتی یا دیدن فایل تصویری، خلاصه کردن درس، کشیدن نقشه‌ای مفهومی از درس، بلند خواندن یک متن، طرح چند سؤال از درس، پاسخ به چند پرسش، حل یک مسئله، و رسم شکل و نمودار.

به نظرم در این مرحله بهتر است معلم هدف یادگیری واحد درسی را با همه دانش‌آموزان به اشتراک بگذارد تا آن‌ها فعالیت‌های پیشنهادی را آگاهانه انجام دهند.

مرحله دوم اطلاع‌رسانی و در اختیار قرار دادن بسته فعالیت است. دانش‌آموزان در منزل با انجام فعالیت‌های پیشنهادی و درگیر شدن با آن‌ها، محتوای مشخص شده درس را یاد می‌گیرند.

در مرحله سوم، دانش‌آموزان در منزل بسته فعالیت را باز می‌کنند و فعالیت‌های خواسته شده انجام می‌گیرد. در این مرحله، دانش‌آموزان در صورت لزوم بسته فعالیت را با کمک والدین عملیاتی و اجرا می‌کنند.

همچنین، می‌توانند از برنامه‌های آموزشی (شبکه آموزش) و سایر منابع کمک‌درسی و کمک‌آموزشی در اختیار بهره ببرند. این مطلب به امکانات موجود در منزل و توانایی والدین نیز بستگی دارد که متأسفانه بیشتر دانش‌آموزان مدرسه‌ای که من در آن تدریس می‌کنم، در منزل از امکانات جانبی آموزشی بی‌بهره‌اند.

در مرحله چهارم، همان‌گونه که در بسته فعالیت آمده‌است، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد بعد از انجام فعالیت‌های پیشنهادی، درک و فهم خود را از درس و محتوای مشخص شده در گروه مجازی (کلاس مجازی) که با مدیریت معلم ایجاد شده است، به اشتراک بگذارند. این مرحله در وهله اول از نوع یادگیری دانش‌آموز به دانش‌آموز محسوب می‌شود.

در این مرحله از تدریس مجازی،

معلم می‌تواند فرصت همسال‌سنجی را هم فراهم آورد؛ به این صورت که اگر دانش‌آموزان نسبت به درک و فهم سایر هم‌کلاسی‌هایشان از محتوا نقد و نظری دارند، بیان کنند. مطالعه نظرات و جمع‌بندی‌های دانش‌آموزان در گروه، به معلم کمک می‌کند از کیفیت یادگیری فعال دانش‌آموزان (فهم‌ها و بدفهمی‌های آنان) اطلاعاتی کسب کند. براساس این درک و فهم از وضعیت یادگیری دانش‌آموزان، ممکن است معلم برای دادن چند فعالیت یادگیری مکمل نیز اقدام کند؛ این مرحله ماهیت ارزشیابی نیز دارد.

به لحاظ شرایط منطقه مورد تدریس و وضعیت ضعیف مالی بسیاری از خانواده‌های دانش‌آموزان مدرسه، از نظر من، مدرسه و دبیر باید این امکان را فراهم کنند که هر جلسه تدریس بتواند در مدت زمان طولانی‌تری ادامه یابد و به زمانی محدود بسنده نشود، تا دانش‌آموزانی که مدیر مدرسه آن‌ها را شناسایی کرده و گوشی یا اینترنت ندارند، بتوانند در هر زمان مناسب، خودشان یادگیری‌های خود را به اشتراک بگذارند تا هم‌کلاسی‌هایشان ببینند و در صورت لزوم نظر بدهند. برای اینکه دانش‌آموزان از این وضعیت سوءاستفاده نکنند، مدیر باید با دقت شرایط را بررسی کند. بی‌تردید، اگر تدریس آنلاین در یک زمان مشخص با حضور آنلاین تمام دانش‌آموزان یک کلاس صورت گیرد، سودمندتر و اثربخش‌تر خواهد بود.

در مرحله بعد، معلم از تصویر به‌دست آمده از بررسی آنچه دانش‌آموزان به اشتراک گذاشته‌اند، استفاده می‌کند. او می‌تواند با ایجاد نشست‌های مجازی در گروه و در زمانی که مدرسه برای حضور حداکثری همه دانش‌آموزان تعیین کرده، در گروه، فرصت را به حل و فصل مشکلات یادگیری و پاسخ‌گویی به مسائل دانش‌آموزان اختصاص دهد. در این مرحله، یادگیری دانش‌آموزان، به دلیل ایجاد تنوع در تعامل، تعمیق می‌یابد. همچنین دبیر می‌تواند فعالیت یادگیری مکمل از نوع تمرینی،

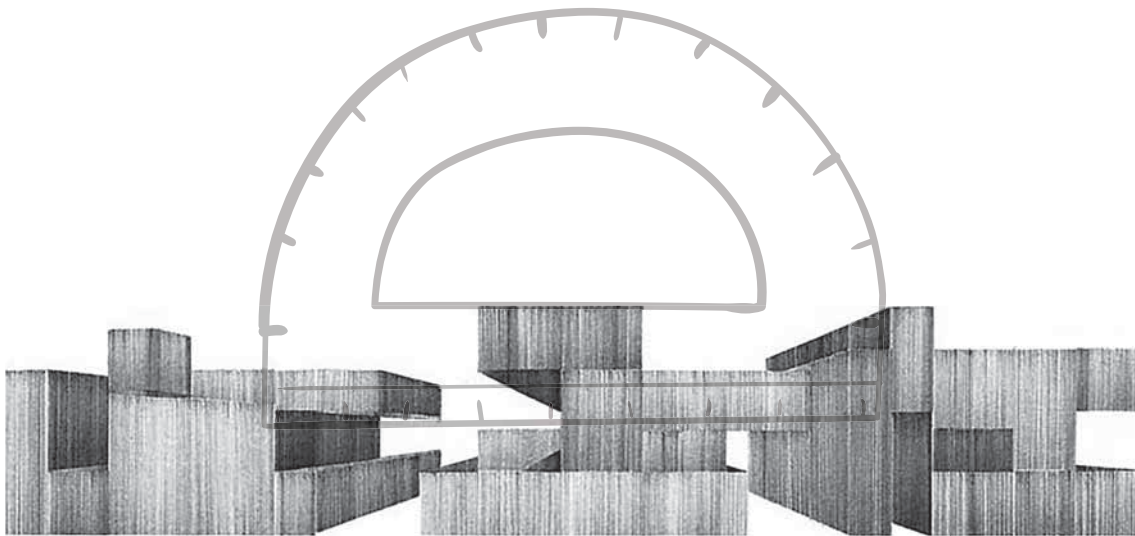
ترمیمی و بسط دهنده را به‌صورت فردی یا حتی در این شرایط به‌صورت گروهی مجازی، ارائه دهد. این فعالیت نیز به تعمیق یادگیری کمک می‌کند. برای دریافت نتیجه اجرای این تکالیف، بهتر است دبیران بازه زمانی مشخص کنند تا دانش‌آموزان حتماً تکالیف را به دبیر برسانند!

مرحله ششم زمان بررسی تکالیف و فعالیت‌های یادگیری است. این فعالیت‌ها را دبیر بررسی می‌کند و بهتر است حتماً به‌صورت فردی یا گروهی به دانش‌آموزان بازخورد بدهد.

دبیر می‌تواند فعالیت‌های یادگیری انجام‌شده را ذخیره کند تا بعدها شواهدی برای ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان داشته باشد. چه خوب است که فایل‌های پوشه کار مجازی در سیستم مدرسه طراحی شود و نمرات مجازی دانش‌آموزان در آن‌ها ثبت شود!

از مشکلات و محدودیت‌های تدریس مجازی می‌توان به پایین بودن میزان رعایت اخلاق در فضای مجازی اشاره کرد. در این ماه‌ها با مسائلی روبه‌رو شدم که هرچند روحیات نوجوانان این نسل را بیشتر شناختم، اما بسیاری هم برایم ناخوشایند بود؛ مثل سخن‌گفتن نامحترمانه بعضی دانش‌آموزان؛ گفت‌وگوها و چت‌هایشان در ساعات غیر کلاسی در گروه مجازی؛ فیلم‌ها یا انیمیشن‌های نامناسبی که از هم‌کلاسی‌هایشان تقاضا می‌کردند؛ انیمه‌های ژاپنی که محتوای سخیفی دارند و سبک آیین بودایی را ترویج می‌کنند. این موارد برایم بسیار نگران‌کننده بود. قطعاً این شرایط نیازمند حضور و وجود مشاورانی است که با دنیای مجازی و روحیات نوجوان آشنایی داشته باشند.

شرایط بیماری کرونا که گویا همچنان تا مدتی ادامه خواهد داشت، شرایط مطلوبی برای یادگیری و یاددهی نیست، اما بی‌تردید هنر معلمی در این است که بتوان با دانش‌آموزان ارتباط عاطفی برقرار کرد و شرایط تعاملی مجازی را فراهم آورد.



این فضا با فرهنگ ما بیگانه است

نگاهی انتقادی به فضای فیزیکی مدرسه با رویکرد تربیت اسلامی

علیرضا شایق، دکترای علوم قرآن و حدیث، معلم آموزش و پرورش استان کرمانشاه

به معماری فضای مدرسه نیز کشیده شده است و مدارس براساس معیارهای کمی مبتنی بر «آموزش»، طراحی شده‌اند. مدرسه‌های موجود در ایران را می‌توان به سه دسته استیجاری، تملکی و احداثی تقسیم کرد. مدرسه‌های استیجاری مهم‌ترین رکن مدرسه بودن، یعنی طراحی برای محیط آموزشی و پرورشی، را نداشته‌اند و با کاربری مسکونی یا اداری یا خدماتی ساخته شده و بعد برای مدرسه به اجاره داده شده‌اند.

مدرسه‌های تملکی، هم با مشکل مدرسه‌های استیجاری، یعنی طراحی‌نشدن برای کاربری آموزشی و پرورشی، روبه‌رو هستند. ضمن اینکه چنین مدرسه‌هایی، عموماً به دلیل قدمت، به‌طور عمومی فرسوده هستند. مدرسه‌های احداثی اگرچه از نظر

تسهیل یادگیری کودکان^۲ و سیر تحول معماری مدرسه‌های ایران در گذر زمان^۳ و الگوی اسلامی آموزش و مفهوم رضایتمندی در طراحی معماری مدرسه‌های ایرانی^۴، همگی بیانگر نگاهی توصیفی نسبت به فضای آموزشی هستند یا حداکثر بایسته‌های فضای مدرسه را از منظر آموزشی و یادگیری نگریسته‌اند؛ نه آنکه نگاهی انتقادی به وضعیت موجود داشته باشند و نه اینکه از منظر تربیت اسلامی به آن پرداخته باشند.

در اغلب تعریف‌های موجود از مدرسه، آن را معادل محیط «آموزشی» دانسته و نقش پررنگ و مهم تربیت و پرورش را در آن نادیده انگاشته‌اند. حال آنکه مدرسه بیش از آنکه محیط «آموزشی» باشد، مرکزی است برای «پرورش»! این رویکرد از تعریف محیط آموزشی،

واژه «مدرسه» در فرهنگ ایران کاربردهای متعددی دارد. اما مدرسه به معنای امروزی آن که مکانی برای آموزش و پرورش عمومی است، در ایران بیش از ۱۳۰ سال عمر ندارد. اغلب پژوهش‌هایی که درباره فضای فیزیکی یا کالبد محیطی یا بافت شهری مدرسه‌ها در زبان پارسی انجام گرفته، ناظر به معماری قدیم آن‌هاست. البته در برخی پژوهش‌ها به نمونه‌هایی مانند فضاهای آموزشی از دیدگاه روان‌شناسی، تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط‌های آموزشی (ابتدایی) در شهر، و تأثیر عوامل فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اشاره شده است.^۱ همچنین، عنوان‌های برخی پژوهش‌های دیگر، مانند نقش معماری و عوامل کالبدی محیط آموزشی بر

ساختمان تابع نقشه‌های سازمان‌های متولی بوده‌اند، اما با چند اشکال مهم و اساسی روبه‌رو هستیم. نخستین اشکالی که در این مدرسه‌ها وجود دارد، مکان‌یابی آن‌هاست. وضعیت موجود نشان می‌دهد که برای مکان‌یابی مدارس نیازسنجی واقعی و نیز بررسی جامعی نسبت به بافت شهری انجام نشده است.

با افزایش جمعیت متوسط شهری، به‌ویژه در شهرک‌های پایگاه این جمعیت، شهرداری‌ها به فروش فضای عمودی شهر اقدام کرده‌اند و تراکم افقی به تراکم عمودی تغییر یافته است. این اقدام به افزایش جمعیت بسیار فشرده در محدوده‌هایی از شهر منجر شده که زیرساخت‌های شهری آن برای چنین جمعیتی پیش‌بینی نشده بودند.

مسئله بعدی نبود آینده‌نگری کافی در روزآمدی نظام آموزشی بود. به این معنا که اغلب مدرسه‌های ساخته‌شده یا پیش‌بینی‌شده در طرح تفصیلی شهرها در سال‌های پیش از انقلاب و دو دهه نخست پس از انقلاب، به آموزش و پرورش غیرفعال و نظری معطوف بود. به همین دلیل چندان توجهی به نیازهای تربیتی و فرهنگی از سویی و نیازهای آموزش حرفه‌ای و عملی از سوی دیگر نشد.

نبود ارتباط مبانی نظری تربیت اسلامی با ساختار معماری مدرسه‌ها و

بی‌توجهی به معماری به معنای واقعی آن در طراحی و ساخت مدرسه‌ها پس از انقلاب مشکل بعدی بود. به‌طور طبیعی، هر شیوه‌ای از معماری، علاوه بر دیدگاه و منظری که به جهان دارد، از مبانی نظری برخوردار است که براساس آن به طرح و نقشه بنای مدنظرش می‌پردازد. آنچه مسلم است، پیش از آنکه معماری صورت بگیرد، باید مبانی نظری تربیت اسلامی تدوین شود. این مهم، یعنی تدوین مبانی نظری تربیت اسلامی، ۳۳ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با عنوان «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» انجام شده است و این بدان معناست که برای ۳۳ سال، نگاه معماری فضای رسمی تربیتی کشور فاقد چنین مبنایی بوده یا آنکه هرکسی از مبنایی که تصور می‌کرده تربیت دینی بر آن استوار است، به معماری مدرسه‌ها نگرسته است. نقشه‌های تئوریک متولیان ساخت مدرسه‌ها براساس وسعت زمین، سرانه آموزشی و تراکم جمعیتی ساخته شده‌اند و با تصمیم‌های مدیران آموزش و پرورش یا نیازهای مبرم مناطق به دوره‌های گوناگون آموزشی، به‌راحتی از دبیرستان به دبستان، یا برعکس و یا از دخترانه به پسرانه و یا برعکس تغییر می‌یابند.

موضوع دیگر در این زمینه، غلبه و تسلط نگاه آموزش‌محور بر ساختار آموزش و پرورش کشور به‌طور عام و

اغلب مدرسه‌های ساخته شده

یا پیش‌بینی شده در طرح

تفصیلی شهرها در سال‌های

پیش از انقلاب و دو دهه

نخست پس از انقلاب، به

آموزش و پرورش غیرفعال و

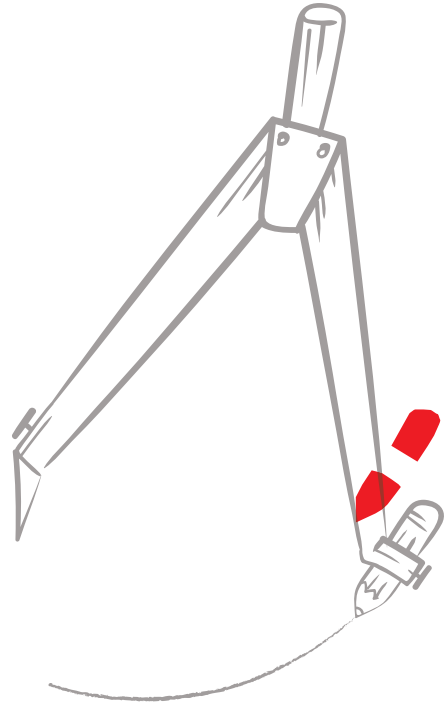
نظری معطوف بود



مدرسه‌سازی به‌طور خاص است. آنچه از مدیران، معلمان و عوامل اجرایی مدرسه طلب می‌شود، آموزش است و نه پرورش، که البته همین آموزش هم ترجمه‌ای است از محفوظات، نمرات و مدارک! وقتی این تلقی از ساختار آموزشی و پرورشی وجود دارد، به‌طور طبیعی، آنچه در مدرسه اولویت اول و مهم و ضروری است، «کلاس» درس است، نه کتابخانه و سالن ورزشی و آزمایشگاه و کارگاه و اتاق بازی! در کلاس درس هم، آنچه مدنظر است، تخته است و میز و صندلی و دیوار و پنجره و گرمایش و سرمایش، نه انسان (معلم و دانش‌آموز). اگر قرار است مدرسه و کلاسی ساخته شود، باید تعداد بیشتری دانش‌آموز را در خود جای دهد و سالن امتحانات بر سالن ورزش و کلاس بر اتاق مطالعه مقدم شود.

مسئله بعدی در فضای فیزیکی مدرسه، طراحی‌های یکسان و مشابه در تمام کشور، بدون توجه به وضعیت اقلیمی و فرهنگی مناطق است. گویی قالبی برای همه مدرسه‌ها طراحی شده و همه مدرسه‌ها از آذربایجان گرفته تا خوزستان و از ایلام گرفته تا خراسان، با تفاوتی بسیار ناچیز، در آن قالب ریخته و ساخته شده‌اند.

اگر به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به عنوان عالی‌ترین سند و مبنای وزارت آموزش و پرورش



مسئله بعدی در فضای فیزیکی مدرسه، طراحی های یکسان و مشابه در تمام کشور، بدون توجه به وضعیت اقلیمی و فرهنگی مناطق است



پی نوشت ها

۱. نقش معماری و عوامل کالبدی محیط آموزشی بر تسهیل یادگیری کودکان، ترکمان، مؤگان و جلیلیان، سارا و دژدار، امید، ماهنامه شباک (شبکه اطلاعات کنفرانس های کشور)، شماره ۱۸، بهمن ۱۳۹۵، ص ۳.
۲. همان.
۳. سیر تحول معماری مدارس ایران در گذر زمان، سعیدی کیا، ندا، معماری شناسی، سال اول، شماره اول.
۴. الگوی اسلامی آموزش و مفهوم رضایتمندی در طراحی معماری مدارس ایرانی، عظمتی، حمیدرضا و نوروزیان ملکی، سعید و پورباقر، سمیه، مجموعه مقالات کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۴.

- بالادستی طراحی و ساخت مدرسه؛
- توجه به مکان های تربیتی و خلاقیت محور و تقدم یادگیری فعال بر آموزش خشک و یکسویه در طراحی و ساخت مدرسه؛
 - پرهیز از جابه جایی مدرسه ها، بدون تغییرات محیطی متناسب با جنسیت و سن دانش آموزان؛
 - ایجاد زیرساخت های مناسب برای تغییر ماهیت کلاس های درس از آموزش یکسویه به محیط فعال و زنده آموزشی و پرورشی؛
 - نظارت بیشتر بر مدرسه های دولتی استیجاری و مدرسه های غیردولتی، برای تأمین فضاهای تربیتی و خلاقیت محور؛
 - طراحی فضای مناسب برای مطالعه، ورزش، بازی، تغذیه، نماز و پرهیز از اختصاص فضاهای نامناسب به آنها؛
 - آینده پژوهی و بلندمدت نگری در طرح تفصیلی محلات و شهرها و روستاها و بازنگری در وضعیت موجود تغییر کاربری ها؛
 - توجه به نظرات کارشناسان آموزش و پرورش در صدور مجوزهای ساخت و سازهای عمودی در شهرها؛
 - تغییر استانداردها و معیارهای موجود طراحی و ساخت مدرسه ها با توجه به ضرورت های تربیتی؛

و نظام تربیتی کشور، نگاهی انداخته شود، برای مدرسه در افق چشم انداز ۱۴۰۴ ویژگی هایی برشمرده شده است. اما سؤال این است که از سال ۱۳۹۰ تاکنون، نهادهای متولی ساخت و طراحی مدرسه ها از منظر کلیت سند به طور عام و این ویژگی ها به بازنگری در طراحی و ساخت مدرسه ها اقدام کرده اند یا خیر؟

به نظر می رسد، با توجه به برخی مشکلات پیش گفته، این اقدامات در حیطه فضای فیزیکی و کالبد محیطی مدرسه ها ضروری است:

- توجه به اصول و مبانی معماری در طراحی و ساخت مدرسه؛
- توجه به نیازهای تربیتی و تقدم آنها در طراحی و ساخت مدرسه؛
- بازنگری جدی در یکسان سازی فضاهای آموزشی و پرورشی و توجه به اقتضات سنی، جنسیتی، محتوایی، بومی و اقلیمی برای ساخت و طراحی مدرسه؛
- آسیب شناسی جامع مدرسه های موجود با رویکرد تربیتی، با تکیه بر اصول و مبانی تربیت اسلامی؛
- استفاده از متخصصان تربیت اسلامی در تدوین اسناد و آیین نامه های





امنیت در فضای مجازی

با توجه به شرایط کنونی کشور و افزایش استفاده از سامانه های آموزش مجازی و جلسات آنلاین، ضروری است معلمان عزیز به منظور حفاظت از اطلاعات شخصی خود تمهیداتی را ببندیشند. در این مقاله به نکات و راهکارهایی اشاره می شود که در این زمینه می تواند به معلمان عزیز کمک نماید.

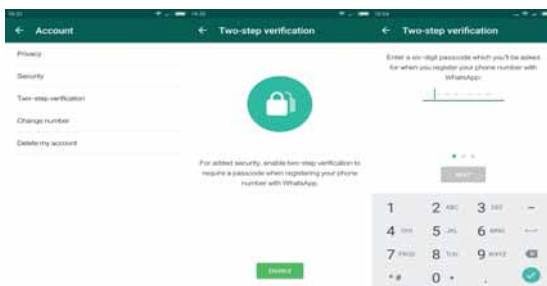
سعید چگینی

گوشی و نرم افزارهای حساس خود را قفل کنید



همیشه برای باز کردن گوشی از کد عبور چهار یا شش رقمی، اثر انگشت یا حسگر تشخیص چهره استفاده کنید. شاید اینکه همیشه برای کار با گوشی نیاز به وارد کردن کد عبور داشته باشید چندان خوشایند نباشد، اما به یاد داشته باشید که اگر روزی بر حسب اتفاق گوشی شما گم شود، هر کسی می تواند از اطلاعات شخصی شما مانند ایمیل ها، مخاطبان، تصاویر و اطلاعات بانکی خبردار شود. این قفل را می توانید برای اپلیکیشن های بانکی و شبکه های اجتماعی نیز فعال کنید.

از احراز هویت دو مرحله ای استفاده کنید



احراز هویت دو مرحله ای هم از آن دسته روش هایی است که معمولاً مورد بی توجهی قرار می گیرد. چراکه باید یک مرحله بیشتر برای ورود به گوشی را پشت سر بگذارید. اما با استفاده از آن، یک لایه امنیتی بیشتر به گوشی اندرویدی خود اضافه می کنید. برای اتصال به شبکه های اجتماعی مانند WhatsApp، Instagram می توانید این قابلیت را فعال کنید.

فضای مجازی در کنار آثار و برکات فراوان در زندگی انسان ها، دارای مخاطراتی نیز هست که می تواند موجب ضرر و تلخ کامی کاربران شود. حتماً بسیار شنیده اید که سرقت اطلاعات سپرده های بانکی باعث از دست رفتن سرمایه بسیاری شده و یا اینکه هکرها توانسته اند با ورود به تلفن همراه، اطلاعات و تصاویر شخصی را پاک کنند و یا در فضای مجازی منتشر کنند. در هر صورت، فضای مجازی با زندگی ما عجین شده و گریزی از آن نیست؛ پس باید آداب استفاده صحیح از آن و اقدامات لازم برای حفاظت از اطلاعات شخصی را در نظر داشته باشیم. در این مطلب، با برخی از این نکات آشنا خواهید شد.

از اتصال به وای فای عمومی پرهیز کنید



تقریباً همه کاربران از خطرات استفاده از شبکه های بی سیم عمومی و باز (Wi-Fi) مطلع هستند. وای فای عمومی رایگان که در برخی مراکز خرید، کافه ها، رستوران ها، فرودگاه ها و سایر اماکن عمومی ارائه می شود بهترین فرصت برای سوءاستفاده هکرها است. سعی کنید حتی الامکان از اینترنت خط خود استفاده کنید و هر وقت در مکان های عمومی هستید وای فای گوشی را خاموش کنید. علاوه بر این، در مکان های عمومی بلوتوث گوشی را هم خاموش کنید، مگر اینکه ابزار و ساعت هوشمند داشته باشید که برای ارتباط نیاز به بلوتوث دارد.

از کلمات عبور قوی استفاده کنید



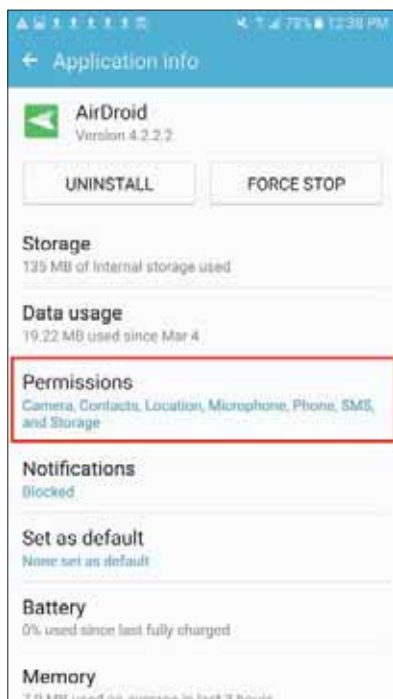
از آنتی‌ویروس استفاده کنید



برای تلفن همراه و رایانه شخصی حتماً از آنتی‌ویروس اصل استفاده کنید. آنتی‌ویروس‌ها یا فایروال‌ها می‌توانند از ورود و فعالیت ویروس و کدهای مخرب جلوگیری کنند. مزیت آنتی‌ویروس‌های اصلی یا اورجینال نیز به قابلیت به روزرسانی آن‌هاست. با همین به روزرسانی‌ها می‌توانند اطلاعات ویروس‌های جدید را نیز به بانک اطلاعاتی خود اضافه کنند.

کلمه عبوری که برای ورود به تلفن همراه، ایمیل و بانکداری اینترنتی و کاربری‌های مختلف انتخاب می‌کنید بهتر است حداقل ۸ کاراکتر و شامل حروف کوچک و بزرگ انگلیسی، اعداد و علائم باشد. نفوذگران اینترنتی قادر هستند تا در خیلی از موارد کلمات عبور قوی را هم بشکنند. اما ساده کردن کار هرکس با به کارگیری اطلاعات فردی مانند کد ملی، تاریخ تولد یا هر چیزی شبیه به این موارد به‌عنوان کلمه عبور ایده بسیار هوشناکی است.

مجوز اپلیکیشن‌ها را مدیریت کنید



دقت داشته باشید که بهتر است هر شش ماه یک بار کلمات عبور خود را عوض کنید یا اگر اخباری در خصوص هک شدن یک برنامه خاص شنیدید خیلی سریع کلمه عبور خود را تغییر دهید.

مراقب ایمیل‌های اسپم و فیشینگ باشید



یکی از راه‌های ساده برای هرکس نفوذ به گوشی از طریق صندوق پست الکترونیک است. ایمیل‌های فیشینگ به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که با فریب شما امکان دسترسی به پنل کاربری را فراهم می‌کنند. از کلیک بر روی ایمیل‌های تبلیغاتی، باز کردن پیوست‌های مشکوک یا اجرای به‌روزرسانی‌هایی که از راه‌های مختلف همچون ایمیل، پیامک و شبکه‌های اجتماعی ارسال می‌شوند خودداری کنید.

مجوزهای اپلیکیشن‌ها را بررسی کنید. می‌توانید دسترسی به دوربین، میکروفون، لیست مخاطبان یا لوکیشن توسط اپ‌ها را متوقف کنید. مجوزهای داده شده به اپ‌ها زیر نظر داشته باشید و مواردی که مورد نیاز نیستند را حذف کنید. می‌توانید برای مشاهده و تغییر در مجوز دسترسی، گزینه Privacy در تنظیمات آیفون و Permission manager و App permissions را در تنظیمات سیستم عامل اندروید ببینید.

تهیه نسخه پشتیبان

همیشه باید آماده بدترین حالت‌ها باشید. پس از تمام فایل‌ها و تصاویر مهم خود نسخه پشتیبان در ذخیره‌سازهایی مانند هارد دیسک‌های خارجی داشته باشید. همچنین اکیدا پیشنهاد می‌کنم تصاویر شخصی و خانوادگی خود را در تلفن همراه نگهداری نکنید.

اپلیکیشن‌های مناسب برای امنیت در فضای مجازی

AppLock



همه ما تصاویر و ویدیوهایی در گوشی‌هایمان داریم که دوست نداریم جز خودمان چشم کس دیگری به آن‌ها بیفتد. بهترین راه برای محافظت از این تصاویر استفاده از اپلیکیشن‌هایی است که با رمزگذاری، این فایل‌ها را پنهان و از دسترس افراد سودجو دور می‌کنند.

اپلیکیشن AppLock به دلیل عملکرد آفلاین، یکی از امن‌ترین این اپلیکیشن‌هاست که به جز پنهان‌سازی تصاویر می‌تواند همین کار را برای اپلیکیشن‌های نصب شده روی گوشی (مثل اپلیکیشن پیامک و تقویم و یادداشت‌برداری و ...) هم انجام بدهد.

Google Authenticator

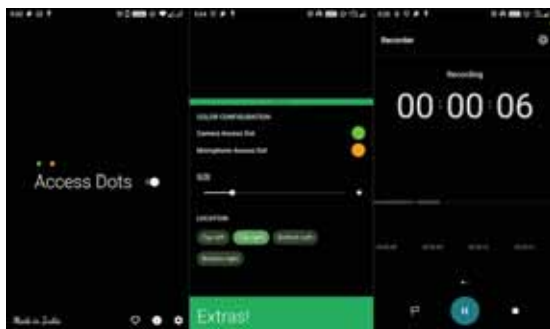


این اپلیکیشن وظیفه احراز هویت شما را هنگام ورود به سایت‌ها عهده‌دار هستند. بدین صورت که پس از وارد کردن رمز عبور، کد احراز هویت را هم وارد کرده و به وبسایت مد نظر تان وارد خواهید شد.

استفاده از این اپلیکیشن‌ها تقریبا تضمین می‌کند که یک هکر، قادر به استفاده از حساب کاربری شما و ورود به آن نخواهد بود چرا که باید به جز پسورد، رمز احراز هویت را هم بدست بیاورد

که تقریبا غیر ممکن به نظر می‌رسد. برای آشنایی با این اپلیکیشن، قابلیت two-Step Verification را روی Gmail فعال کنید.

Access Dots



این اپلیکیشن دسترسی غیرمجاز برنامه‌ها به دوربین یا میکروفون را «در لحظه» به شما اعلام می‌کند، فقط و فقط با یک چراغ چشمک زن.

فرض کنید مشغول استفاده از اپی هستید که نباید به دوربین‌تان دسترسی داشته باشد، اما دارد و شما اطلاع ندارید. خوشبختانه Access Dots می‌تواند این موضوع را با یک چراغ چشمک زن به اطلاع‌تان برساند که هر چه سریع‌تر اپلیکیشن مشکوک را از گوشی‌تان پاک کنید.

Lookout Security & Antivirus

این اپلیکیشن یکی از قدرتمندترین نرم‌افزارهای امنیتی و آنتی ویروس برای سیستم عامل اندروید است.



با داشتن Lookout Security & Antivirus بر روی گوشی خود می‌توانید علاوه بر افزایش امنیت آن از امکاناتی نظیر تهیه نسخه پشتیبانی از فایل‌ها و تماس‌ها و حتی پیدا کردن گوشی گم شده استفاده کنید.

با نصب بودن این اپلیکیشن بر روی تلفن همراه از لو رفتن حریم خصوصی شما نگران نباشید چرا که این نرم‌افزار وب سایت‌های مخرب را شناسایی و بطور خودکار بلوکه می‌کند و اجازه دسترسی به این وب سایت‌ها را به شما نمی‌دهد.

با این برنامه قادر خواهید بود فایل‌های گوشی خود را اسکن کنید و در صورت موجود بودن ویروس، تروجان و یا کرم‌ها آن‌ها را از بین ببرید و بر سرعت آن بیفزایید.

محمددا

نقش مربیان در تحقق بیانیه گام دوم



دکتر حامد تقدیری

فشارها، حتی هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای نداشت که از آن برای از بین بردن این همه ظلم استفاده کنند! یادآور می‌شود که نوجوان و جوان آن روز کوله‌باری داشت از امید؛ کوله‌باری از قدرت عظیم ایمان و انگیزه و معلمی داشت آسمانی که او را در این مسیر رهبری می‌کرد.

معلم جبهه گام دوم انقلاب اسلامی پای تخته می‌رود و عدد چهل را بزرگ می‌نویسد. عدد چهل که هر ذره آن از خون هزاران شهید شکل گرفته است. معلم موقع نوشتن عدد چهل بغضش می‌ترکد، اشک‌هایش روان می‌شود و خاطره «چهار محمد» را در کلاس درس می‌گوید. معلم از کوجه‌های همین محله می‌گوید، از روزی که با سه محمد دیگر هم کلاسی، کپی شناسنامه‌هایشان را دستکاری کردند تا ستنشان یک‌سال زیادتر شود و بتوانند

می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای این کار بهره می‌گیرند. در این میان، وظیفه معلمان دوجندان است، چرا که باید درس‌های انسان‌ساز خود را با قوت دنبال کنند. کلاس‌های درسی که به نسل آینده انقلاب اسلامی یادآور می‌شود ما انقلاب اسلامی را از نقطه صفر شروع کردیم، یادآور می‌شود «همه چیز علیه ما بود؛ چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه، و نه به زور شمشیر، بر سر کار آمده بود و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع به‌شدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.»^۲ یادآور می‌شود که نوجوان و جوان پرشور و بانشاط آن روزها، در اوج این

کودک در مسیر رشد یاد می‌گیرد که آهسته حرکت کند. سپس روی پای خود بایستد و با کمک والدین راه رفتن را فراگیرد. او در مسیر رشد می‌آموزد که باید از خطاهای گذشته درس بگیرد و مسیر خود را بهتر طی کند. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی به ما تذکر می‌دهد: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را شناخت و از تجربه درس گرفت. اگر از این راه غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.»^۱

نقش معلمان و مربیان بیش از دیگران است. در میدان رزم فرهنگی و تربیتی، دشمنان انقلاب اسلامی با انگیزه‌های قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال



و حال این تخته‌سیاه و گچ هنوز هست. منتظر دست معلمانی است که بگویند چگونه نوجوان‌ها و جوان‌ها، انقلاب اسلامی را رقم زدند و سپس در چهل سال گام اول به‌خوبی از آن محافظت کردند. منتظر دست معلمانی است که گچ را به دست همین نوجوان‌ها و جوان‌های انقلاب اسلامی بدهند و بگویند: رویش‌های انقلاب اسلامی! تحقق گام دوم به دست شماست. منتظریم ببینیم چگونه این نقش زیبا را بر تخته ثبت می‌کنید!

اللهم اجعلنا مجدد دینک و محیی شریعتک

پی‌نوشت‌ها

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری (حفظه الله)
۲. همان
۳. همان

می‌کشد و در میان آن‌ها می‌نویسد: «ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها؛ پیشرفت در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌ها؛ به اوج رساندن مشارکت مردمی در مسائل سیاسی و موضوعات اجتماعی؛ ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی؛ سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛ افزایش چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛ ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان.»^۳

سپس معلم به نسل گام دوم انقلاب اسلامی می‌گوید: این‌ها محصول این چهل سال هستند؛ محصول رشادت‌ها و تلاش‌های محمدی‌های بسیاری که از جانشان گذشتند تا گام اول انقلاب اسلامی در اوج این فشار طی شود.

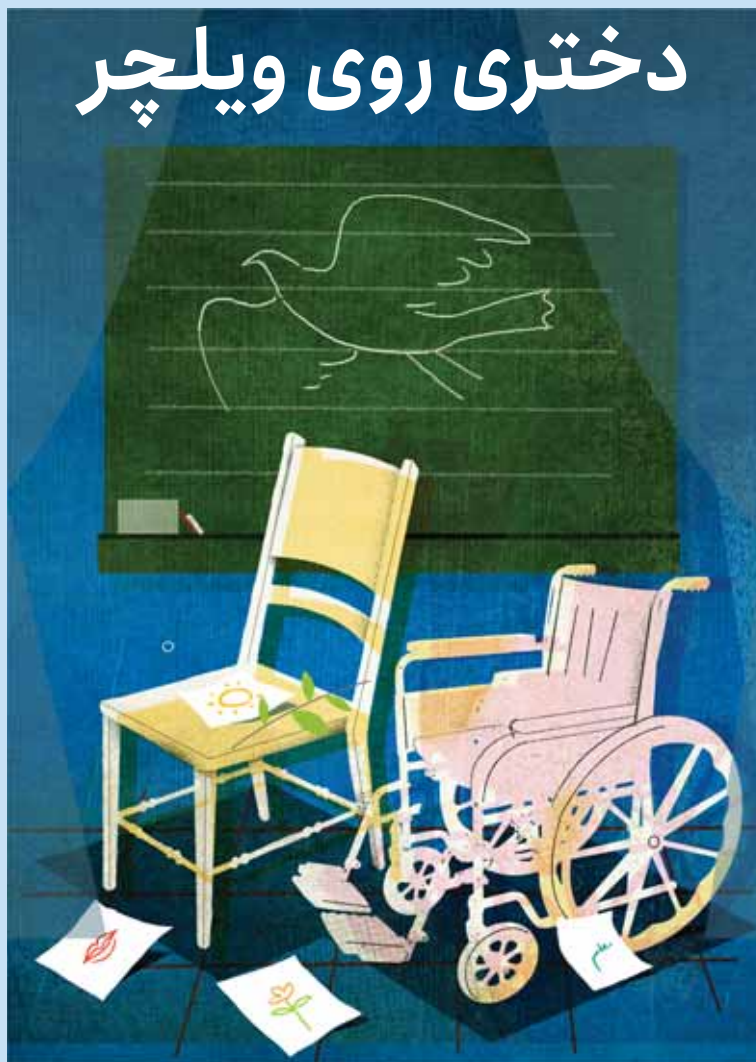
در مسجد محل برای اعزام به جبهه ثبت‌نام کنند. از محمدی‌هایی می‌گوید که چون شنا بلد بودند، در گردان غواص‌ها جا گرفتند و روزهای آموزش، با تب شدید بر اثر سرماخوردگی، در آب سرد تمرین کردند.

معلم وقتی اشک‌هایش بیشتر می‌شود که می‌خواهد به فرزندان کلاس درسش خاطرات عملیات کربلای چهارم را بگوید. یادش می‌آید که در همین سن‌ها بودند که سه محمد برای همیشه پر کشیدند و او را تنها گذاشتند. یادش می‌آید کربلای چهارم برای نفر چهارم کربلایی نبود. برای نفر چهارم شام بود و او شد روایتگر روزهای سخت گام اول.

لبخند معلم پس از اشک‌هایش نویدبخش امید است و نشاط. معلم باز دست به گچ می‌شود و کنار عدد چهل، روی تخته‌سیاه، هفت دایره



دختری روی ویلچر



© رضوان سادات باختر، دبیر دوره اول شاهد، آران و بیدگل، اصفهان رتبه اول چهارمین فراخوان خاطره‌های معلمی

و فامیلت چیست دختر گلم؟ اما او هیچ حرفی نزد. کنارش رفتم. به محض حضور من، دفترش را بست و سرش را برگرداند. دستم را روی شانه‌اش گذاشتم و در حالی که می‌خندیدم، گفتم: شنیده‌ام تو دختر خیلی بااستعدادی هستی. دفترت را می‌دهی نگاه کنم؟ با شنیدن این حرف سرش را برگرداند، نگاهی به من انداخت و چند قطره اشک از گوشه چشمانش فرو غلطید. اما اجازه نداد دفترش را ببینم.

روز بعد توجه او به درس و کلاس بیشتر شده بود. همچنان او را مشغول نوشتن می‌دیدم. دوباره به او نزدیک شدم و دستم را روی دستش گذاشتم. کمی خم شدم و با لبخند گفتم: من تو را خیلی دوست دارم. می‌خواستم ویلچرش را حرکت بدهم، اما ممانعت کرد.

هر روز بعد از تدریس با او صحبت می‌کردم و هر بار تأکید می‌کردم او دختر مهربان، با استعداد و زرنگی است. کم‌کم افسانه به تشویق‌های من عادت کرده بود. حس می‌کردم بعد از پایان درس منتظر است به سراغش بروم. یک هفته از آمدن او به مدرسه گذشته بود که به آخر کلاس رفتم و صندلی‌ام را کنار ویلچرش گذاشتم. دستم را روی دستش ویلچر گذاشتم و در حالی که مهربانانه نگاهش می‌کردم، گفتم: من که هر وقت به خانه می‌روم، دلم برایت تنگ می‌شود. کاش بیشتر می‌دیدمت. امروز من آمدم پهلویت نشستم، فردا تو بیا جلو بنشین.

واکنش نشان داد و لبخند زد. ارتباط او خیلی بهتر شده بود، ولی هنوز حرف نمی‌زد. هیچ کس نمی‌دانست آیا افسانه می‌تواند صحبت کند یا نه؟ انگار همه چیز را خوب می‌فهمید، اما نمی‌توانست حرف بزند!

روز بعد وقتی به کلاس رفتم، با کمال تعجب دیدم که او در ردیف جلو، درست روبه‌روی صندلی من نشسته و دفترش را جلوی رویش باز کرده است. وقتی وارد کلاس شدم، لبخند زد. در تمام مدت تدریس حواسم به او بود. هنوز با خودش کتاب نمی‌آورد. فقط داخل

- کندذهن است؛ از دو پا هم معلول. دبیران مشغول صحبت کردن درباره «افسانه» بودند که من دفتر کلاس‌م را برداشتم و به کلاس رفتم. در کلاس همه حواسم به افسانه بود. او در ردیف آخر کلاس روی ویلچر نشسته بود. به نظر می‌رسید دلش می‌خواهد مثل بقیه سالم باشد و مثل آن‌ها همه چیز را بفهمد. گاه داخل دفترش چیزهایی می‌نوشت. سعی می‌کردم مثل بقیه به او نگاه کنم و رفتارم نسبت به او غیرعادی نباشد. دلم می‌خواست به او نزدیک‌تر باشم تا بهتر بتوانم رفتارش را ببینم. مدتی که از شروع کلاس گذشت، از او پرسیدم: اسم

یک ماه از سال تحصیلی گذشته بود که خانم اسلامی، مدیر آموزشگاه، به همه دبیران گفت: «یک دانش‌آموز به کلاس اول اضافه شده‌است. مادرش خیلی اصرار داشت مدتی در بین دانش‌آموزان باشد، چون خودش خیلی اصرار کرده‌است به مدرسه عادی بیاید. گویا پنجم ابتدایی را با معدل ۱۱ قبول شده‌است. فکر می‌کنم این نمره‌ها را هم با کمک معلمش گرفته است. لازم نیست از او درس بپرسید و تکالیفش را بررسی کنید. همین که در کلاس باشد، برای او کافی است. شاید یک ماه بیشتر اجازه ندهم به کلاس بیاید.» خانم محرابی پرسید: «چه مشکلی دارد؟»

دفترش می‌نوشت و دفترش را طوری نگه می‌داشت که کسی نتواند داخل آن را ببیند.

من توانستم بفهمم او نمی‌نویسد، بلکه شکل می‌کشد و این مرا بیشتر کنجکاو کرد که دفترش را ببینم. فکری به ذهنم رسید. دفتر کلاس را به او دادم و از او خواستم نمره‌های دانش‌آموزان را وارد دفتر کند. هر چند او نپذیرفت، اما باعث شد به من نزدیک‌تر شود. این بار وقتی با او حرف می‌زدم، اشاره کردم من نقاشی را خیلی دوست دارم. آیا تو نقاشی هم می‌کشی؟

باورم نمی‌شد! دفترش را باز کرد و شروع به ورق زدن کرد. او هر چیزی را که شنیده بود نقاشی کرده بود. در دفترش عکس‌ها و شکل‌های مختلفی دیده می‌شد؛ کتاب، دفتر، عینک، چادر نماز، سهراب سپهری، لیوان، کاسه، تختۀ کلاس، گچ، درخت و ...

تعدادی تصویر هم کشیده بود که برای من مبهم بود. لبخندی زدم و گفتم، آفرین دختر گلم! خیلی قشنگ نقاشی می‌کنی. کاش من هم می‌توانستم به زیبایی تو نقاشی بکشم، اما بعضی نقاشی‌ها را نمی‌توانم تشخیص بدهم چیست؟ برایم توضیح می‌دهی؟ شکلی شبیه مرغ، اما نه کاملاً شبیه. شکلی شبیه تنۀ درخت، اما نه کاملاً شبیه.

دل‌م می‌خواست بدانم این‌ها چیستند؟ اما افسانه هنوز سکوت کرده بود و حرفی نمی‌زد. ارتباط ما در یک ماه اول فقط به خنده و اشاره ختم می‌شد.

یک روز که داشتم شعر پرواز را در کلاس تدریس می‌کردم، دیدم دوباره مشغول نقاشی کردن است. دقت کردم ببینم با شنیدن چه کلماتی شروع به کشیدن می‌کند و چه می‌کشد؟ با شنیدن پرواز، یک پرندۀ کشید و با شنیدن گربه شکل گربه را کشید. اما وقتی کلمۀ کودکان را

بر زبان آوردم، شکلی کشید که شبیه کودک نبود. کمی بیشتر دقت کردم. جلو رفتم. مدتی فکر کردم تا توانستم بفهمم او کلمۀ کودک را نقاشی کرده است. تصویری ساخته بود که فقط برای خودش قابل درک بود. اگر کسی شیوۀ او را نمی‌دانست، نمی‌فهمید تصویر او نقاشی کلمۀ کودک است. این کار افسانه برایم آن قدر جالب بود که به محض درک آن فریاد زدم: چه عالی! آفرین افسانه! تو چه ذهن بزرگی داری! تو یک نابغه‌ای!

در کلاس شور و غوغایی به پا شد. دانش‌آموزان همه‌مهمه می‌کردند و من غرق در نقاشی کلمۀ کودک بودم. افسانه هم از تشویق من به هیجان آمده بود. حس می‌کردم می‌خواهد چیزی بگوید. دهانش لحظاتی چند باز و بسته شد، اما حرفی نزد. حالا دیگر مطمئن شده بودم که او می‌تواند حرف بزند. همان لحظه دفترش را ورق زدم و گفتم، بکش بکش! هر چه را می‌خواهی بگویی!

خودکارش را در دست گرفت و شکل یک لبخند را کشید. فوراً به او گفتم، شکل مرا بکش. او با شور و شوق عجیبی تصویری از من در آسمان و در کنار خورشید روی ابرها کشید.

همان روز خانم اسلامی، مدیر آموزشگاه، به دبیران گفت: «دیگر نمی‌توانم اجازه دهم افسانه بیش از این به مدرسه بیاید.»

خانواده‌اش می‌گویند کمی اخلاق و رفتارش تغییر کرده است. پس حالا می‌تواند به مدرسه خودش برگردد.»

به خانم اسلامی گفتم، اما اگر این کار را بکنید، او نابود می‌شود. همه زحمات دبیران هم از بین می‌رود. من خیلی زحمت کشیدم تا با او ارتباط برقرار کنم. حالا که زمان نتیجه‌گیری فرا رسیده، می‌خواهی او را به مدرسه استثنایی برگردانی؟ این کار را نکن. بهتر است از خانواده‌اش بخواهی پرونده‌اش را بیاورند تا افسانه مطمئن شود که در یک مدرسه عادی ثبت‌نام شده است.

بالاخره با اصرار من و بقیۀ دبیران، خانم اسلامی قبول کرد.

افسانه روزبه‌روز تغییر می‌کرد و عوض می‌شد. یک روز به او گفتم، روی تخته نقاشی کلمۀ معلم را بکش! افسانه این کار را آن‌قدر با مهارت انجام داد که باعث تعجب و تحسین همه شد. در نقاشی او کلمۀ معلم پرندۀ بود که در فضا پرواز می‌کرد.

پیشرفت افسانه روزبه‌روز بیشتر می‌شد و من با استفاده از شیوۀ نقاشی می‌توانستم لغات و اصطلاحات را به او بیاموزم. او حتی معنی شعرها را به خوبی می‌فهمید. از دبیران دیگر نیز خواستم با این شیوه او را یاری کنند.

یک روز از خواهر و مادر افسانه خواستم به مدرسه بیایند. با آن‌ها در این باره گفت‌وگو کردم. خوشبختانه خواهر افسانه سه سال از او بزرگ‌تر بود و در سال اول دبیرستان درس می‌خواند. او می‌توانست کمک بسیار خوبی در پیشرفتش باشد. از او خواستم تمام توان و تلاشش را به کار گیرد تا بتوانیم به افسانه کمک کنیم. مادرش گفت: «افسانه حدود دو سال است که دیگر حرف نمی‌زند. قبل از آن هم کلمات را بریده‌بریده تلفظ می‌کرد.

فکر می‌کنم چند نفر از اقوام و دوستان، به خاطر بریده حرف زدنش، به او بی‌مهری کرده‌اند. از آن به بعد افسانه دیگر هرگز حرف نزد.»

من می‌دانستم که افسانه



← **مدرسه و اتفاق‌های آن، هر چقدر هم عادی و تکراری باشند، باز برای گروهی از معلمان جدیدند و برای دانش‌آموزان جدیدتر. در این نوشته از رخدادهای عادی مدرسه حرف می‌زنیم که برای گروهی هنوز مسئله‌اند و گروهی دیگر راه‌حل‌ها را یافته‌اند. می‌پرسیم تا کمکمان کنید ما هم مسئله‌مان را حل کنیم. می‌خواهیم بدانیم شما چگونه مشکلات ساده اما قدیمی را حل می‌کنید؟**

سال گذشته، تقریباً همین موقع‌ها، یعنی پس از گذشت دو ماه از سال تحصیلی، کتاب نگارش را تمام کردیم. کتاب کم‌حجمی است. چند نکته درباره‌ی چگونگی نوشتن دارد. کتاب درسی را کنار گذاشتیم و در جلسات بعد از بچه‌ها خواستیم انشا بنویسند؛ هر سه جلسه یک انشا. معمولاً موضوع را خودم می‌دهم، اما اگر دانش‌آموزی دوست داشته باشد موضوع انتخابی خودش را هم بنویسد، مانعش نمی‌شوم. حدود دی‌ماه بود که متوجه شدم چند نفر از بچه‌های کلاس هشتمی، بیش از یکی دو انشا نوشته‌اند. انگیزه‌ای برای نوشتن نداشتند. معلوم بود انشا را چندان جدی نمی‌گیرند!

برای اینکه مبادا سست شوند و نوشتن برایشان بی‌معنی شود، خواستیم اولیایشان را به مدرسه بیاورند. شش نفر را صدا کردم و گفتم جلسه بعد سر کلاس من نیایید، مگر اینکه قبلش اولیایتان را دیده باشم!

زنگ تفریح بود. به دفتر مشاوره دعوت شدم. دو تا از مادران آمده بودند. یکی شان تا مرا دید، گفت خانم معلم هر چه شما درباره‌ی این بچه بگویید، درست است. نه فقط انشا نمی‌نویسند، بلکه بقیه‌ی درس‌ها را هم نمی‌خوانند. هر برخورد تندی که با او بکنید، بنده به شما حق می‌دهم...

مادر دوم ناگهان حرف او را قطع کرد و گفت، خانم، اجازه دهید. خانم معلم، مشکل دختر من چیست؟

حق به جانب گفتم، هنوز نمی‌دانید؟ ببینید، این دفتر کلاسی من است. فرزند شما فقط دو بار انشا نوشته و هر دو بار هم ۱۳ یا ۱۴ گرفته است! این که نشد انشا نوشتن!

مادر اول پرسید، دختر من چطور؟ او چند

ضرورت! پیشرفت او در حرف‌زدن عالی شده بود. در امتحانات نوبت دوم افسانه با معدل ۱۶ قبول شد. وقتی از افسانه خداحافظی می‌کردم، به او گفتم: حتماً خوب و درست حرف‌زدن را تمرین کن و جلسات گفتار درمانی را ادامه بده. تو می‌توانی بهترین فرد باشی؛ هر چند نمی‌توانی راه بروی، اما ذهن بزرگ و وسیع تو می‌تواند همه جا پرواز کند. آرزوی من این است که روزی پرواز تو را در آسمان موفقیت و پیروزی ببینم. افسانه گریست و گریست، اما سیل اشک اجازه نداد حرفی بزند و من فهمیدم که او خواهد توانست و با نگاهش به من قول داد که تلاش خواهد کرد.

آن سال من به شهرستان دیگری منتقل شدم. آدرسی که از افسانه داشتم عوض شده بود. هر چه برایش نامه می‌فرستادم برگشت می‌خورد، اما همواره فکر و ذهنم به او مشغول بود. از خود می‌پرسیدم: حالا افسانه چه می‌کند؟ دو سال بعد، اواخر سال تحصیلی، یکی از روزهای زیبای خرداد ماه، تصمیم گرفتم برای دیدن افسانه و دیگر دانش‌آموزان به محله پُزوه بروم و آن‌ها را از نزدیک ببینم. به در آموزشگاه که رسیدم، قلبم تندتند می‌زد. نمی‌دانستم چطور با آن‌ها روبه‌رو شوم. وارد مدرسه که شدم، چند نفر از دانش‌آموزان از پنجره کلاس مرا دیدند. کلاس به هم ریخت. من در میان شور و هیجان بچه‌ها افسانه را دیدم؛ در حالی که روی ویلچر نشسته بود و به سوی من می‌آمد، اشک می‌ریخت. گفتم: افسانه چه می‌کنی؟ به کجا رفتی؟ چرا جواب نامه‌هایم را ندادی؟

افسانه مثل باران اشک می‌ریخت. حتی نمی‌توانست یک کلمه حرف بزند. او اشک ریخت و من همراه او اشک ریختم. مدت زیادی گذشت و افسانه فقط توانست در میان ازدحام دانش‌آموزان کاغذ مچاله‌ای را که نم‌دار شده بود، در دستم بگذارد. بچه‌ها می‌گفتند حرف زدن افسانه خیلی خوب شده. او دیگر لکنت زبان ندارد.

موقع برگشتن، داخل اتوبوس یاد کاغذ افسانه افتادم. آن را باز کردم. کارنامه ترم قبل افسانه بود با معدل ۲۰؛ زیر آن نوشته بود: مادر! تو را سپاس.

می‌تواند بهترین باشد. او استعداد بی‌ظنیری داشت، اما به خاطر قرار گرفتن در شرایط نامناسب و رفتن به مدرسه استثنایی، باور کرده بود که نمی‌تواند. دانش‌آموزان کلاس را نیز به یاری طلبیدم. از آنان خواستم در هر فرصتی که می‌یابند، به افسانه کمک کنند؛ در کلاس، در مدرسه یا حتی در خانه، درس‌ها را با او کار کنند.

پایان سال تحصیلی بود. افسانه خیلی پیشرفت کرده بود. درس‌ها را خوب می‌فهمید. حالا دیگر علاوه بر نقاشی کردن کلمات در دفترش، به خوبی تمرین‌ها را می‌نوشت. همه خوشحال بودند، اما من هنوز راضی نبودم؛ زیرا افسانه هنوز حرف نمی‌زد. می‌خواستیم امتحان شفاهی فارسی بگیریم. به او گفتم: از روی درس بخوان! اما او نخواند. می‌دانستم تصمیم گرفته بود این نوبت نمرات خوبی بگیرد. در امتحانات نوبت قبل معدلش ۱۳ شده بود و او همچنان تلاش می‌کرد نمرات بهتری بگیرد. در حالی که دستش را نوازش می‌کردم، گفتم: افسانه جان! من دلم می‌خواهد تو بخوانی. تو حتماً می‌توانی بخوانی و بهترین باشی. حتماً می‌توانی حرف بزنی و خوب حرف بزنی. افسانه جان! بخوان. در حالی که اشک از گوشه چشمانش فرو می‌غلطید، گفتم، افسانه جان! به خاطر من بخوان. تنها آرزوی من شنیدن صدای توست. افسانه دهانش را باز کرد. اشک مثل باران از گونه‌هایش فرو می‌ریخت و کتابش را خیس می‌کرد. خا... خا... خانم ن... ن... می... می... تو... تو... از شنیدن این کلمات انگار همه دنیا را به من داده بودند. افسانه را در آغوش گرفتم و گفتم، تو حرف می‌زنی! تو می‌توانی، تو می‌خوانی. و هر دو گریستیم. بیش از آن اصرار نکردم.

روز بعد افسانه را دیدم که با کلمات بریده سلام کرد و بر اثر اصرار دوباره من، سه خطی از روی درس بریده بریده خواند. او حتماً می‌توانست بهتر از این باشد. با مادر افسانه در این باره صحبت کردم و به او گفتم حتماً او را به حرف زدن تشویق کن و پیش گفتاردرمان ببر. حرف زدن افسانه روزبه‌روز پیشرفت می‌کرد و بهتر می‌شد. تقریباً با همه حرف می‌زد؛ اما به ندرت و به وقت



انشای ۳۱

توهین کردم به شما؟ استاد هنرمند، ممکن است بگویید بنده چطور حرمت‌شکنی کردم؟ شما در حضور بچه‌ها، به آن‌ها گفتید ترمزدستی! و اعتمادبه‌نفس آن‌ها را گرفتید! نتوانستند حرفی بزنند، چون احترامتان را نگه داشتند، اما پشت سرتان از شما بد خواهند گفت و دیگر شوقی برای نوشتن نخواهند داشت!

دیدم راست می‌گویید. البته که من منظوری نداشتم، اما به هر حال نباید بچه‌ها را با چنین برچسبی متهم می‌کردم. گفتم، خب، بله. اما من منظورم این بود که به پیشرفتشان کمک کنم! خواستم تلنگری بزنم!

مادر گفت، بله شما معلمید و خوب است که تلنگر بزنید، اما برچسب نه. دختر من پاراگراف‌نویسی را خوب بلد نیست. همان روزهای اول سال به من گفت که کتاب این درس را داشته و او هنوز به آن مسلط نشده است. به من گفته که بعضی موضوع‌های انشا را اصلاً نمی‌پسندد و همان اول کار نوشتن، قبل از شروع انشا که شما می‌دانید سخت‌ترین مرحله نوشتن است، کم می‌آورد! آیا شما مرحله به مرحله با آن‌ها کار می‌کنید، یا یکباره از آن‌ها می‌خواهید یک صفحه بنویسند! آیا قبل از انتخاب موضوع، در کلاس ذهنشان را درباره آن باز می‌کنید؟ آیا آن را به بحث می‌گذارید؟

به ایشان گفتم صبر کنید مادر. تند نروید! شما چه کاره‌اید که مراحل نوشتن را به من توضیح می‌دهید؟! آمده‌اید اینجا که درس بدهید!

زنگ خورد و ساعت تفریح بچه‌ها تمام شد! در واقع زنگ کلاس به دادم رسید! می‌توانستم بروم و ادامه صحبت با این مادر را به بعد موکول کنم. می‌توانستم فرصتی داشته باشم تا تأمل کنم.

حالا از طریق این مجله می‌توانم با شما که همکار من هستید و بیشتر درکم می‌کنید، صحبت کنم. شما می‌دانید که گاهی مجبور می‌شویم برای پر کردن ساعت موظفی، تدریس درسی غیر از رشته خودمان را قبول کنیم! خوش حال می‌شوم راه‌حل چنین مواردی را بگویید تا نه تنها من، بلکه معلمان همکار دیگر هم بتوانند چاره کار کنند. برایمان بنویسید.

شما واضح بگویید خواسته‌تان از این بچه‌ها چیست؟ در یک کلمه گفتم، تکلیف بیاورند. همین.

عجیب بود که آن مادر ول کن نبود. می‌خواست بداند دخترها دقیقاً در چه مواردی ضعف داشته‌اند و کدام موضوع‌ها را نوشته‌اند!

برایشان توضیح دادم که من در همان دو ماه اول سال، تدریس کتاب نگارش را تمام کرده‌ام و بعد از آن، بچه‌ها باید هر چند جلسه یک انشا بنویسند. من معلم هنرشان هم هستم. در زنگ هنر هم این بچه‌ها چندان فعال نیستند.

مادر که بسیار جدی قضیه را موشکافی می‌کرد، باز هم حق به جانب شروع کرد به صحبت: خانم، اجازه دهید مشکل اول را حل کنیم، بعد برویم سر موضوع بعدی؛ یکی یکی لطفاً!

بعد هم باز شروع کرد به سؤال پیچ کردن بنده و گفت: خب، چطور است که کتاب نگارش را این قدر زود تمام کرده‌اید؟ پس تمرین مهارت‌هایی که کتاب آموزش داده است، چه می‌شود؟

به سرعت جواب دادم، خدا خیرتان بدهد! همین است دیگر! اگر بچه‌های شما ترمز کلاس را نکشند، مهارت‌ها را تمرین می‌کنیم.

مادر دوم اجازه خواست صحبت را قطع کند. بعد هم با اجازه من، به بچه‌ها گفت برونند تا ما با هم مفصل‌تر صحبت کنیم.

بچه‌ها که از اتاق خارج شدند، مادر معطل نکرد و به سرعت گفت، قرار است همه مهارت‌ها را با هم تمرین کنید؟ شما که معلم باتجربه‌ای هستید، چطور تشخیص داده‌اید که کتاب را دو ماهه کنار بگذارید! و یکباره بروید سر نوشتن؟ یعنی نویسندگان کتاب‌های درسی این قدر نمی‌دانسته‌اند که کتابی برای کل سال نوشته‌اند، نه دو ماه از سال؟! بچه‌ها چطور ترمز کلاس را کشیده‌اند خانم معلم؟

دیگر بحث جدی شده بود. نباید کم می‌آوردم. این بود که گفتم، خانم حواستان هست با چه کسی صحبت می‌کنید؟ بنده هنرمندم. خوش نویس اول فلان انجمن فلان شهرم و برای خودم حرمتی دارم! باز هم با جسارت حرفم را دنبال کرد که:

شده است؟ اسم دخترش را از توی دفتر کلاسی نشان دادم؛ یک نمره داشت؛ ۱۲ مادر نگاه تندی به دخترش کرد و گفت بچه آخه نوشتن که کاری نداره! چرا چند خط نمی‌نویسی؟

مادر دوم داشت با دخترش صحبت می‌کرد. صحبت‌هایی ما که تمام شد، پرسید، خانم، لطفاً بگویید هر کدام از این دو شاگرد شما کدام موضوع‌ها را نوشته است؟

معلوم بود از آن مادرهاست که دنبال بهانه می‌گردد تا کار دخترش را توجیه کند؛ در نگاه خودش و دخترش شرم یا پشیمانی نمی‌دیدم. برعکس آن یکی مادر، جسارت خاصی داشت و انگار داشت به فرزندش هم اعتمادی را می‌داد که خودش هم داشت!

گفتم، خانم چه می‌دانم هر دانش‌آموز چه چیز را نوشته است و چه را نه! دنبال چه هستید؟ دخترتان تکلیف نیاورده! اگر همین‌طور پیش برود، آخر سال نمره انشا هم ندارد. آن موقع گله نکنیدها!

مادر اول می‌خواست حرفی بزند، که مادر دوم نگذاشت. گفت، اجازه بدهید من مشکل را حل می‌کنم. خانم معلم،



گلدان پایه بلند

◎ زهره سزاوار رحمت، آموزگار پایه چهارم، مشهد، خراسان رضوی
رتبه اول چهارمین فراخوان خاطره‌های معلمی



حدود یازده سال پیش، در دبستان پسرانه شهدای لشکر، تقریباً سال ۱۳۸۰ که من هنوز نوزده سال داشتم، برای من خاطره‌ای به یادماندنی رقم خورد.

به دلیل اینکه سال اول کارم بود و هنوز خیلی جوان بودم، با بچه‌ها راحت و صمیمی و دوست بودم؛ مخصوصاً پسر بچه‌ها که کمی نسبت به معلم‌های خانم رودریاستی و حرف‌شنوی بهتر دارند. حتی زنگ‌های تفریح هم وقتم را در کتابخانه با آن‌ها می‌گذراندم.

بچه‌ها هم با من ارتباط خوبی گرفته بودند. یکی از بچه‌ها به نام علی اصغر که بسیار شر و بلا هم بود، بیشتر از بقیه با من انس گرفته بود. یکسره دوست داشت برای من خوراکی یا هدیه‌ای بگیرد یا برایم نقاشی می‌کشید. خلاصه به نوعی درصد خوشحال کردن من بود.

کم‌کم روز معلم داشت فرا می‌رسید. بچه‌ها با احساسات پاکشان دوست داشتند برای معلمشان بهترین چیز دنیا را بگیرند. از صدای زمزمه‌هایشان می‌شنیدم که یکی از آن‌ها می‌گفت: می‌خواهم لباس بگیرم، دیگری می‌گفت می‌خواهم گلدان بگیرم و ...

علی اصغر هم با بلوفی تعجب‌آور به بچه‌ها گفت، می‌خواهم پلاک طلا بگیرم! من هم زیر لب فقط با خودم می‌خندیدم و احساس غرور می‌کردم که بچه‌ها مرا این قدر دوست دارند.

خلاصه روز معلم فرا رسید. دروغ نباشد، من هم چون سال اول کارم بود، خیلی ذوق و شوق داشتم که بینم بچه‌ها چه چیزهایی گرفته‌اند! داخل کلاس که رفتم، دیدم بچه‌ها کلاس و میز را با گل

و شرشره و بادکنک تزئین کرده‌اند. چند هدیه هم روی میز بود. بعد از تبریک و تشکر و خوشحالی، شروع به باز کردن کادوها کردیم.

یکی از آن‌ها یک شانه گرفته بود، یکی انگشتر بدلی، یکی مجسمه گچی و... خلاصه آن‌طور که فکر می‌کردند و نقشه کشیده بودند نشده بود، اما من خوشحال بودم. در همین حین علی اصغر وارد کلاس شد. در دستش یک پایه گل مصنوعی بزرگ، با گل‌های مصنوعی زیبایی بود که تا جای قدش می‌رسید؛ تا جایی که با کمک یکی از دوستانش آن را حمل می‌کرد. با شادی و غرور فراوان گل را پیش من آورد. همه بچه‌ها با تعجب به او نگاه می‌کردند و او هم از اینکه توانسته بود بزرگ‌ترین کادو را بیاورد خیلی خوشحال بود. مسلماً من هم از هدیه بزرگ و زیبایش خیلی خوشحال شدم. خیلی از او تشکر کردم و گفتم از مادرت هم حسابی تشکر کن و سلام زیاد برسان. دیدم کمی نگران شد و به دوستش نگاه کرد. تعجب کردم. گفتم حتماً مادر و پدرش را اذیت کرده‌است تا این هدیه را برای من بخرند.

خلاصه آن روز تمام شد و من با غرور و خوشحالی اولین هدیه‌های سال اول کارم را به خانه بردم. مادر و پدرم با دیدن هدیه‌ها هم خوشحال شدند و هم کلی خندیدند. مادرم که از پایه گل خیلی خوشش آمده بود، آن را گذاشت گوشه اتاق پذیرایی.

صبح شد. آماده و پرانرژی به طرف مدرسه رفتم. وارد حیاط مدرسه شدم. احساس کردم مدیر و ناظم مدرسه دارند

طوری نگاهم می‌کنند و چیزی می‌گویند! با خودم گفتم، حتما دارند درباره این حرف می‌زنند که من دیروز نسبت به بقیه همکاران هدیه بزرگی گرفته بودم.

نیم‌ساعت از زنگ اول نگذشته بود که یکدفعه دیدم یکی از همکاران گفت: بیا داخل دفتر. مدیر کارت دارد. وارد دفتر شدم. رفتم پیش آقای عبداللهمی، مدیر مدرسه. بنده خدا با خجالت و من‌من‌کنان گفت: ببخشید خانم سزاوار، آن پایه گل نمازخانه را لازم داشتید که برداشتید؟

انگار روی سرم آب یخ ریخته بودند! مانده بودم چه بگویم! تازه فهمیدم قضیه چه بوده!

اما از خجالت و ناراحتی نمی‌دانستم به بقیه چطور توضیح بدهم!

خلاصه، ماجرا را تعریف کردم. همه حسابی زدند زیر خنده، اما خودم همچنان ناراحت بودم؛ نه به خاطر هدیه، به خاطر ضایع شدن پیش همه. چون باید کادویی را که با آن همه پز برده بودم خانه، حالا با هزار خجالت بگیرم دستم و بیارمش.

دانش‌آموز را صدا زدند دفتر و متأسفانه حسابی دعوایش کردند و گفتند از من هم عذرخواهی کند. من با اینکه جلوی همه ضایع شده بودم، دلم نمی‌آمد به او چیزی بگویم. چون اصل قصدش برایم مهم بود، هر چند راه را اشتباه رفته بود.

هیچ‌وقت آن روز را یادم نمی‌رود. همیشه با خودم می‌گویم: روز معلم چه قدر می‌تواند روز بدی باشد اگر به احساسات پاک بچه‌ها ضربه بخورد!

حتی بعضی از این اتفاقات در روحیه معلم هم تأثیرگذار است!



ایده‌یابی

چگونه ایده‌های خود را
به نوشتار مطلوب تبدیل کنیم؟

حسین حسینی نژاد



بسیاری از ما موضوع‌های خوبی
← برای نوشتن داریم، اما در تبدیل آن به
یک متن دل‌نشین و اثرگذار در یک قالب
خاص، دچار مشکل می‌شویم. برای رفع
آن پیشنهاد می‌کنیم پایه‌های تمرین‌ها با
ما حرکت کنید. قبل از ورود بد نیست
نگاهی اجمالی داشته باشیم به «عادت
نوشتن»، و بعد کار را ادامه دهیم.

عادت نوشتن

رابطه شما با نوشتن چگونه است؟
گاهی می‌نویسید؟ علاقه دارید اما
فرصت نوشتن ندارید؟ تصمیم دارید در
آینده بنویسید؟ هر روز می‌نویسید؟ و یا
... اگر بارها تصمیم به نوشتن گرفته‌اید و
نتوانسته‌اید ادامه دهید و دنبال دلیلش
می‌گردید و دوست دارید به نوشتن
«عادت» کنید، بد نیست به این نکته
توجه کنید که زندگی ما از عادات ما
متأثر است. آن‌ها بد یا خوب، حرکات
روزانه ما را جهت می‌دهند. برخی
معتقدند، بیش از هفتاد درصد رفتار ما از
روی عادت است. مغز برای صرفه‌جویی

در مصرف انرژی، بسیاری از کارهای
ما را به عادت تبدیل می‌کند و ما پس
از مدتی، به‌طور غیرارادی و خودکار
آن‌ها را انجام می‌دهیم. البته هر کاری
در آغاز برای عادت‌شدن دشواری‌هایی
دارد. در اوایل آموزش رانندگی، کلاچ
و ترمز را بارها قاتی کرده‌ایم. در
اوایل آشپزی، نمک غذا را کم و زیاد
ریخته‌ایم. در خیاطی، پارچه را با ترس
و لرز و اشتباهی بریده‌ایم. بند کفشان
را به‌سختی یاد گرفته‌ایم ببندیم. اما از
وقتی هر کدام از این‌ها ملکه ذهنمان
شدند، دیگر بدون فکر آن‌ها را انجام
می‌دهیم. مغز از این ویژگی استفاده و

کارهای روزمره ما را ساده می‌کند. در
عوض خیلی هم مقاوم است تا جلوی
ایجاد کارهای جدید و انرژی‌بر را بگیرد.
برای همین بهانه‌های زیادی می‌آوریم
تا همیشه از یک خیابان برویم، از یک
مغازه خرید کنیم، به یک جا سفر کنیم
و یک نوع کفش و لباس بخریم.
این عادی و طبیعی است که ما کارهایی
را که به‌مرور یاد گرفته‌ایم دنبال کنیم. در
همین باره، نوشتن نیز از جمله مقولاتی
است که بارها خواسته‌ایم وارد زندگی
خودمان کنیم. چند روزی یا چند ماهی
هم پیش رفته‌ایم، اما وسط راه رها شده
است.

از این رو، وقتی نوشتن به عنوان فعالیت ذهنی در برنامه روزانه ما نیست و می‌خواهیم آن را وارد زندگی‌مان کنیم، راحت امکان پذیر نیست. مغز مقاومت می‌کند. بهانه می‌آوریم که وقت نداریم، خوب نمی‌نویسیم، بعداً می‌نویسیم، و حالا بنویسیم چه می‌شود؟ این‌ها و ده‌ها استدلال دیگر را که نوشتن را عقب می‌اندازند می‌آوریم تا به آن عادت نکنیم. این‌ها همه به مدد مغز ما صورت می‌گیرند.

برای عبور از این تنگنا و عادت کردن به نوشتن، تصمیم نگیریم از فردا روزی یک تا دو ساعت بنویسیم. غیرممکن است. خیلی هم انرژی داشته باشیم، یک هفته دوام نمی‌آورد. بنابراین، مغز را گول بزنیم. قدم کوچک برداریم که شدنی باشد و مقاومتی از طرف مغز در ما شکل نگیرد. اگر برنامه بگذاریم که روزی دو یا پنج دقیقه بنویسیم، این تصمیم مقاومت مغز را برای نپذیرفتن کار به دنبال ندارد. با خود بگوییم، این چند دقیقه را، وقتی از خواب بلند می‌شوم، وقتی از کار برمی‌گردم، قبل از شام و یا بعد از نهار، می‌نویسم. وقتی روزی دو تا پنج دقیقه کاری را تقریباً سر ساعت خاصی انجام دهیم، کم‌کم مغز برای عادی می‌شود که آن را بپذیرد. کم‌کم اجازه می‌دهد به عادت تبدیل شود و من و شما هم به‌مرور موفق می‌شویم نوشتن را وارد زندگی خود کنیم. امیدوارم این پیشنهاد عملی برای شما نیز مؤثر باشد و به وسیله آن بتوانید نوشتن را وارد برنامه روزانه خود کنید. اکنون ادامه بحث اصلی را با هم دنبال می‌کنیم.

ایده‌یابی

شاید سخت‌ترین بخش نوشتن پیدا کردن ایده باشد. از چه بنویسیم؟ درباره چه بنویسیم؟ چرا ایده‌ای برای نوشتن به ذهن نمی‌رسد؟ پس این نویسنده‌ها ایده‌های خود را از کجا پیدا می‌کنند؟ چرا من نمی‌توانم؟ این ایده خوب نیست، این هم نه. و به این ترتیب در می‌مانیم از نوشتن، و حتی ممکن است از آن دست بکشیم.

راستش ایده‌ها فرّارند؛ به آنی می‌آیند

و به آنی می‌روند. تا پیدا می‌کنیم و مزه می‌کنیم و کمی خوشحال می‌شویم که یافتیم، چون شکار و ثبت نمی‌شوند، فرار می‌کنند! ما می‌مانیم و حسرت اینکه چی بود الآن داشتیم به آن فکر می‌کردم؟! در هر حال، ایده‌ها موادی هستند که روزنامه‌نگاران آن‌ها را به گزارش تبدیل می‌کنند، دست‌مایه فیلم‌ها می‌شوند و زمینه‌ساز خلق آهنگ‌های بزرگ، منبع الهام خلق شعر، داستان، رمان، یادداشت و مقاله. مهربانی یک ایده است برای نوشتن، برای تبدیل شدن به فیلم. فداکاری سوژه‌ای می‌شود برای فیلم «خانه دوست کجاست؟»، و فقر و اعتیاد دست‌مایه فیلم‌های «ابد و یک روز» و «قلب‌های کوچک زنگ‌زده».

برای ایده‌یابی باید تکلیف خودمان را با نوشتن روشن کنیم. یعنی بدانیم که دوست داریم درباره چه چیزهایی و در چه قالبی بنویسیم. وقتی این آمادگی و ذهنیت را داشتیم، ایده‌ها که مثل هوا هستند و دنبال آدم‌های آماده و حاضر به قلم می‌گردند، به سراغمان می‌آیند. بدون آمادگی قبلی، مثل این است که در فروشگاه سرگردان از این قفسه به آن قفسه برویم و ندانیم چه می‌خواهیم بخریم. مواد و مصالح هستند، اما چون ذهن آماده‌ای برای خرید نداریم، دست خالی از فروشگاه بیرون می‌آییم! حالا ببینیم ایده‌ها از کجا می‌آیند.

ایده‌ها از کجا می‌آیند؟

دکتر احمد توکلی در کتاب «مثلث طلایی نوشتن» می‌نویسد: «ایده‌ها کجا می‌آیند؟ سر و کله ایده چه وقت و کجا پیدا می‌شود؟ ایده‌ها از چه جنسی هستند؟ مانند سببی که باید از درخت چید؟ یا مانند پرندۀ‌ای که باید شکار کرد؟ تکنیک یافتن ایده‌ها آیا از جنس دیدن است؟ یا با همه حس‌های ما سروکار دارد؟ شما مقاله‌نویس سیاسی باشید یا اقتصادی، هنری باشید یا ادبی، درباره حوادث اجتماعی بنویسید یا سیاست خارجی، منبع بیکران الهام را نباید فراموش کنید؛ مردم؛ فصل‌الخطاب سوژه‌ها هستند.

اکنون شما کجا هستید؟ داخل کتابخانه

دانشکده؟ داخل آشپزخانه کنار همسر یا مدرتان، داخل اداره پشت میز کارتان، یا در داخل تحریریه؟ فنجانی چای جلویان است و روزنامه می‌خوانید؟ به اطرافتان نگاه کنید! سوژه‌ها راه می‌روند، نفس می‌کشند، می‌خندند، گریه می‌کنند، شادمان‌اند یا غمگین، ساکت‌اند و یک دنیا حرف دارند، حرف می‌زنند و یک دنیا سکوت پشت حرف‌هایشان خوابیده است. اصلاً شما در اتاق خواب یا اتاق مطالعه منزلتان تنها هستید، باز هم مردم حضور دارند! کجا؟ پشت دیوارهای خاطره! پس آن‌ها همه‌جا هستند. ما هرروز با آن‌ها زندگی می‌کنیم. در خیابان از کنارشان می‌گذریم، با آن‌ها قدم می‌زنیم، جوک‌های آنان را می‌شنویم، به گلایه‌های آن‌ها گوش فرا می‌دهیم» (توکلی، ۱۳۹۱: ۵۵).

با این نگاه، «ایده‌ها» چیزی نیستند که فقط افراد خاص آن‌ها را به دست می‌آورند. اطراف ما پر از ایده است. مردمی که کنار ما زندگی می‌کنند، فامیل، همکاران، دانش‌آموزان، همسایه‌ها، عابران، هم‌سفران و خلاصه هر فردی که از کنار ما می‌گذارد، ایده‌هایی برای نوشتن و پروردن در خود دارند. این روزها که در فضای مجازی در هر لحظه ده‌ها و صدها ایده تولید می‌شود. حتی اگر از خانه بیرون نمی‌رویم، گوشی را که باز کنیم، ایده‌ها فوران می‌کنند. از این رو، برای پیدا کردن ایده کافی است چشم‌ها و گوش‌ها را باز کنیم و حواس را به کار اندازیم.

اکنون نوبت شماست که قلم و کاغذ بردارید و ۱۰ موضوع مورد علاقه‌تان را یادداشت کنید. با هم یکی از آن‌ها را برای تبدیل شدن به متن پیش خواهیم برد. فراموش نکنید، با کمی وقت گذاشتن می‌توانید ایده‌های مورد علاقه خود را بیابید و آن‌ها را براساس قالبی که انتخاب می‌کنید، به یادداشت، مقاله، داستان و کتاب تبدیل کنید. در شماره بعد بیشتر در این باره سخن می‌گوییم.

منبع

احمد توکلی (۱۳۹۱). مثلث طلایی نوشتن برای مطبوعات. انتشارات ثانیه. تهران.



گزینش معلمان

خلیل جوادیار، دبیر کمیسیون مدیریت آموزشی شورای عالی آموزش و پرورش

و ۴۰ تبصره در مورخ ۱۳۷۵/۰۵/۲۵ به تصویب رسید.
در این آیین‌نامه، مشمولان قانون به شرح زیر تعریف می‌شوند:

«داوطلبان ورود به خدمت اعم از رسمی و غیررسمی یا غیرثابت (پیمانی، قراردادی، روزمزد، خرید خدمت، حق‌التدریس و عنوان‌های مشابه) متعهدان خدمت، متقاضیان استخدام مشمول قانون کار در کلیه دستگاه‌های اجرایی، داوطلبان بورسیه‌های بلندمدت داخل و خارج از کشور، مأموران ثابت خارج از کشور، مأموران و منتقلان به دستگاه‌های مشمول قانون گزینش در مشاغل حساس، داوطلبان پذیرفته‌شده در مراکز آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی، پذیرفته‌شدگان در مراکز و دانشسراهای تربیت معلم، تعهد دبیری و کارکنان شرکت‌های خدماتی طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی برای به‌کارگیری در مشاغل اداری، کارشناسی، آموزشی و حساس، تماماً مشمولان قانون گزینش هستند.»

ارکان گزینش کشور به استناد ماده ۳ قانون، عبارت‌اند از:

۱. رئیس‌جمهور؛
۲. هیئت عالی گزینش؛

← شناخت قوانین و مقررات مرتبط با شغل، از جمله نیازها و مهارت‌های «حرفه‌ای‌گرایی» در جهان امروز است. معلمان از صنوف شاخص در جامعه ایران و جهان تلقی می‌شوند و در برخی موارد بارز، تسری شرایط، مقررات یا موقعیت آنان به سایر اصناف، به تصویب قانونی خاص منجر می‌شود. «قانون گزینش معلمان» از این نمونه است که یک‌سال پس از تصویب، برای تسری آن به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، منجر به تصویب قانونی کلان شد.

امام خمینی (ره) در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۶۱ در قالب یک فرمان شش‌ماده‌ای خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری وقت صادر و مبنای عمل گزینش‌ها شود. در آن سال‌ها سازمان‌دادن به امر خطیر انتخاب و گزینش معلمان در سازمان بزرگی چون آموزش و پرورش که در جای‌جای کشور حضور دارد، از اهمیت دوچندانی برخوردار بود. بنابراین، مانند تمام قوانین خوب، باید «همه‌جانبه بودن» و «دقیق بودن» در این قانون نیز مدنظر قرار می‌گرفت.

آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش معلمان در کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی، به استناد ماده ۸ این قانون و قانون تسری قانون مذکور، بنا به پیشنهاد هیئت عالی گزینش، مشتمل بر ۵۲ ماده

«قانون گزینش معلمان» مشتمل بر ۱۸ ماده و ۱۷ تبصره در جلسه روز سه‌شنبه چهاردهم شهریورماه ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۴/۰۶/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. این قانون در سال ۱۳۷۵ با عنوان «قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی»، در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۵/۲/۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و برای اجرا ابلاغ شده است.

اعمال سلیقه‌ها و رفتارهای شخصی در برخی گزینش‌ها در سال‌های اول انقلاب اسلامی باعث شد نظر شاد و متفکرانه



«معلمی» مدنظر قرار گیرد. فرایند و مراحل متعدد گزینش منابع در آیین‌نامهٔ موصوف، مانند وظایف دوایر سازمانی و اداری و حقوق ذی‌نفعان، اعم از محرمانه‌بودن کلیهٔ اطلاعات به‌دست‌آمده در مراحل گزینش و ثبت و نگهداری در پروندهٔ گزینش و مجاز نبودن افشای آن و... در این فرایند، به تفصیل آمده است. یکی از حقوق بارز شناخته‌شده برای ذی‌نفعان، در مادهٔ ۵۱ آیین‌نامهٔ اجرایی است: «عدم پذیرش در گزینش و در یک مقطع زمانی و یا یک

آزمون، مانع از شرکت در آزمون‌های بعدی و انجام گزینش مجدد نخواهد بود.» یکی دیگر از مواردی که باید در به‌کارگیری افراد در مشاغل حساس آموزشی و مدرسه‌ها به آن توجه داشت، محتوای مادهٔ ۲ آیین‌نامهٔ اجرایی قانون است که در آن آمده است: «امر گزینش و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن دربارهٔ داوطلبان ورود به خدمت اعم از رسمی، غیررسمی (پیمانی، قراردادی، روزمزد و عنوان‌های مشابه) و مشمولان قانون کار در کلیهٔ دستگاه‌های مذکور، تابع احکام مقرر در قانون گزینش و این آیین‌نامه خواهد بود.» امید که با این مبحث کوتاه گامی در تعمیق شناخت معلمان عزیز از حقوق قانونی و صنفی‌شان برداشته باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. در نگاهی اجمالی، این روند را می‌توان به سه دورهٔ تاریخی زیر تفکیک کرد:
 - از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا صدور فرمان ۱۵ دی سال ۶۱ حضرت امام خمینی (ره)؛
 - از زمان فرمان اسام تا قبل از تصویب قانون گزینش کشور؛
 - از زمان تصویب قانون گزینش کشور تاکنون.
۲. ماده ۴ آیین‌نامهٔ اجرایی قانون گزینش

منبع

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

آموزش و پرورش وجود دارند. عمده وظایفی که در گزینش، در مادهٔ ۱۲ این قانون بر عهدهٔ وزارت آموزش و پرورش گذاشته شده است، عبارت است از: «برگزاری امتحانات یا مصاحبهٔ تخصصی در موارد لزوم، طبق مقررات استخدام کشوری (هم‌زمان با طی مراحل گزینش) با مسئولیت نمایندهٔ وزیر در هیئت (در صورت تفویض سازمان اداری و استخدامی کشور)» و «انجام معاینات پزشکی اعم از معاینات عمومی و آزمایشگاهی به‌طور اعم و اخص، طبق آیین‌نامهٔ پیشنهادی سازمان امور اداری و استخدامی کشور، که به تصویب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید.»

از کلیدواژه‌های حائز اهمیت در این قانون، «انتخاب اصلح» است که در آیین‌نامهٔ اجرایی قانون، به «ملاک‌های تقدم» تعبیر شده است. رعایت این مهم در تبصره‌های ۱ و ۲ ذیل مادهٔ ۴ آیین‌نامهٔ اجرایی قانون گزینش، دربارهٔ مشاغل حساس و موارد خاص تکلیف شده و مشاغل «آموزشی» را از مشاغل حساس دانسته است. این تعریف از جمله ویژگی‌هایی است که باید در تعریف‌ها و برشمردن ویژگی‌های بیان‌شده برای

۳. هیئت‌های مرکزی؛
۴. هسته‌های گزینش.
تشکیلات گزینش وزارت آموزش و پرورش به استناد مادهٔ ۷ این قانون به شرح زیر است:
الف) هیئت مرکزی گزینش توسط هیئت عالی گزینش تشکیل می‌شود و مرجع گزینش در وزارت آموزش و پرورش خواهد بود. اعضای هیئت مذکور که با حکم دبیر هیئت عالی گزینش منصوب می‌شوند، عبارت‌اند از:
۱. نماینده وزیر؛ ۲. نماینده سازمان امور اداری و استخدامی کشور؛ ۳. نماینده هیئت عالی گزینش.

بر اساس تبصرهٔ ۱ ذیل این ماده، «یک نفر از اعضای کمیسیون آموزش و پرورش، به انتخاب کمیسیون، به‌عنوان عضو ناظر حضور خواهد داشت.» این تبصره را می‌توان اهرم نظارتی منتخبان مردم در مجلس بر امر خطیر گزینش در آموزش و پرورش تلقی کرد.

«هسته‌های گزینش نیز توسط هیئت مرکزی در واحدهای آموزش و پرورش، مرکب از سه تا پنج نفر، عنداللزوم تشکیل می‌شود.» در حال حاضر عمده‌ترین و اصلی‌ترین این هسته‌ها، به تفکیک هر استان، در ساختار سازمانی



تربیت سالم در خانه و مدرسه

سکینه‌علی طالکوئی



نویسنده: جین نلسن - لین لات - اچ. استیفن گلن
مترجم: محمدجواد فرشچی - ریحانه ایزدی
نشر: سازوکار، چاپ سوم ۱۳۹۳
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۰۱۵۲



۳. مهارت‌های عمومی مانند توانایی واکنش در برابر شرایط و محدودیت‌های زندگی روزمره، واکنشی همراه با مسئولیت‌پذیری، سازگاری، انعطاف‌پذیری و تعهد؛ ۴. مهارت در قضاوت مانند ارائه قدرت تمییز و تشخیص خوب از بد و سنجش درست شرایط با توجه به هنجارها.

دانش‌آموزان در طول نشست‌های کلاسی مهارت‌های اجتماعی متعددی را فرا می‌گیرند؛ از جمله: گوش دادن، رعایت کردن نوبت، شنیدن دیدگاه‌های متفاوت، بحث کردن، برقرار کردن ارتباط، کمک به یکدیگر و قبول کردن مسئولیت رفتار خود. همچنین، آن‌ها بدون اینکه متوجه باشند، مهارت‌های تحصیلی‌شان را تقویت می‌کنند. آن‌ها طی این نشست‌ها مهارت‌های گفتاری، توجه کردن، تفکر منتقدانه، تصمیم‌گیری، حل مسئله و آزاداندیشی را می‌آموزند. چون همه این مهارت‌ها کارایی تحصیلی‌شان را بهتر می‌کنند.

پس از اینکه دانش‌آموزان طی نشست‌های کلاسی مهارت‌هایی را یاد می‌گیرند، خواندن، نوشتن و حساب در زندگی‌شان مفهوم بیشتری پیدا می‌کند. تجربه نشست‌های کلاسی به دانش‌آموزان کمک می‌کند برای یادگیری آنچه نظام آموزشی پیشنهاد می‌دهد، پذیرا تر شوند.

روند شکل‌گیری تربیت سالم کلاسی، مانند کنار هم گذاشتن قطعات یک جورچین است؛ قطعاتی که شامل این موارد می‌شوند: ایجاد فضای احترام و توجه مبتنی بر مهربانی و قاطعیت، رفتار توأم با وقار و احترام متقابل، استفاده از ابزارهای مدیریت کلاس درس مبتنی بر تربیت سالم (۱۴ ابزار معرفی شده است)، درک چهار هدف نادرست رفتار، برنامه‌ریزی منظم برای برگزاری نشست‌های کلاسی، و برگزاری نشست‌هایی با حضور ولی، معلم و دانش‌آموز.

نخستین هدف نویسندگان کتاب حاضر این است که نشان دهند چگونه معلم و دانش‌آموز می‌توانند با یکدیگر محیطی بسازند که در آن هم پرورش اعتمادبه‌نفس در نظر باشد و هم آموزش مطالب درسی. نشست‌های کلاسی برای آموزش مهارت‌های زندگی در کوتاه‌ترین زمان ممکن توانایی زیادی دارند. بر همین اساس، ۷ فصل

کتاب «تربیت سالم در مدرسه» ۲۷۸ صفحه و ۱۲ فصل دارد. این کتاب به دنبال ارائه یک برنامه تربیتی قوی و کاربردی در مدرسه است؛ برنامه‌ای که مسئولیت رفتار با کودکان را به عهده بگیرد و مهارت‌های زندگی، به‌ویژه مهارت حل مسئله را به آنان بیاموزد تا بتوانند بر مشکلات زندگی غلبه کنند.

تربیت سالم با زحمات ۲۵ ساله خانم جین نلسن و همکاران ایشان، به شکلی کاربردی و ساده درآمده است. تربیت سالم رویکردی کاملاً انسانی به کودکان دارد و تمام راهکارهای ارائه شده در آن، که عموماً به روش‌های صحیح کودک‌پروری مربوط می‌شود، با چنین ملاحظاتی طراحی شده است. کتاب «تربیت سالم در مدرسه» شاخه‌ای از این رویکرد است که برای استفاده معلمان به رشته تحریر درآمده است. تأکید نویسندگان این کتاب بر آموزش و پرورش به‌طور هم‌زمان است، ولی با محوریت پرورش. به نظر آن‌ها، پرورش همانا آموزش مهارت‌های زندگی و ارزش‌های اخلاقی و اصول شهروندی به کودکان و نوجوانان است. تربیت سالم در مدرسه برنامه‌ای است که بچه‌ها را آماده می‌کند به شهروندی وظیفه‌شناس و مسئول تبدیل شوند و برای این کار انضباط شخصی، قدرت قضاوت، گرایش اجتماعی یا علاقه به هم‌نوع، توانایی انتخاب درست، احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، احترام به خود و دیگران، مدیریت احساسات، گذشت و بردباری، و توانایی همدلی و همدردی با دیگران آموزش داده می‌شود.

در این کتاب، بر اهمیت نشست‌های کلاسی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم تربیت سالم تأکید می‌شود. نشست‌های کلاسی مهارت‌های ضروری را آموزش می‌دهند و دانش‌آموزان را با نگرشی مثبت، برای موفقیت در تمام عرصه‌های زندگی، از قبیل مدرسه، کار، خانواده و جامعه توانا می‌سازند. مهارت‌های ضروری شامل چهار مورد هستند: ۱. مهارت‌های درون‌فردی، مانند درک احساسات خود و استفاده از آن برای رشد انضباط شخصی و کنترل خود؛ ۲. مهارت‌های بین‌فردی مانند توانایی تعامل با دیگران از طریق گوش دادن، برقراری ارتباط، همکاری، مذاکره، مشارکت و همدلی؛



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد کودک برای دانش آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش آموز برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد نوجوان برای دانش آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد پسران برای دانش آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد جوان برای دانش آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

رشد دختران برای دانش آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

مجله‌های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد فناوری آموزش
- رشد مدرسه فردا
- رشد معلم
- رشد آموزش خانواده

مجله‌های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی
- رشد آموزش پیش‌دبستانی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش زبان‌های خارجی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و گاردانش
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش مشاوره مدرسه
- رشد آموزش هنر
- رشد برهان متوسطه دوم
- رشد مدیریت مدرسه

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانشجویان معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

تلفن و شماره: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

از ۱۲ فصل این کتاب به آموزش هشت مرحله‌سازنده هر نشست کلاسی مؤثر اختصاص داده شده است. هر فصل شامل روش‌ها و مهارت‌هایی است که هم در طول نشست‌های کلاسی و هم در زندگی روزمره قابل استفاده معلمان و دانش‌آموزان هستند.

از آنجا که خانه و مدرسه دو رکن تربیتی در مورد هر دانش‌آموز هستند و هر دانش‌آموز در برنامه تربیت سالم محصول مشترک تربیت در خانه و مدرسه است، لازم است جلد مکمل این کتاب، یعنی کتاب تربیت سالم در خانه نیز معرفی شود.

کتاب «تربیت سالم در خانه» را دکتر جین نلسن که خود مادر هفت فرزند است، به‌تنهایی نگاشته است. محمدجواد فرشچی و ریحانه ایزدی هم آن را ترجمه کرده‌اند. نشر سازوکار ویراست جدید آن را در سال ۱۳۹۷ چاپ کرده است.

این کتاب شامل ۲۹۸ صفحه و ۱۰ فصل است. در ابتدای کتاب که فضای اصلی حاکم بر رویکرد تربیت سالم را ترسیم می‌کند، سه دیدگاه یا نگرش اصلی برای تعامل کودک-بزرگسال مطرح می‌شود:

۱. **نگرش سخت‌گیرانه:** «این قوانینی هستند که باید از آن‌ها پیروی کنی. این هم تنبیهی است که در ازای سرپیچی از قوانین نصیب می‌شود.» به عبارتی «آزادی در کار نیست. فقط اجرای مقررات.» «انتخاب بی‌انتخاب، ببین من چه می‌گویم!»، «این کار را می‌کنی چون من می‌گویم!». در این نوع نگرش، بچه‌ها در فرایند تصمیم‌گیری هیچ‌گونه مشارکتی ندارند.

۲. **نگرش سهل‌گیرانه:** «قوانینی وجود ندارد. مطمئنم که ما همدیگر را دوست خواهیم داشت و شاد خواهیم بود. تو هم می‌توانی بعداً قوانین خودت را انتخاب کنی.» «آزادی مطلق است و مقرراتی در کار نیست.» «هر چه می‌خواهی انتخاب کن!»، «هر کاری دوست داری بکن!»

۳. **نگرش تربیت سالم:** «ما با هم قوانینی وضع می‌کنیم که به نفع هر دویمان باشد. همچنین، هنگام بروز مشکل، راه‌حلی پیدا می‌کنیم که برای همه افراد مرتبط مفید باشد. وقتی هم که من مجبورم بدون توجه به نظر تو قضاوتی بکنم، قاطعیت همراه با مهربانی، متانت و احترام خواهم داشت.» «آزادی داریم، ولی همراه با مقررات.» «می‌توانی انتخاب کنی، اما بین این چند گزینه»، «هر کاری می‌خواهی بکن، ولی احترام همه باید حفظ شود.»

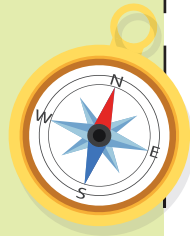
در ادامه چهار معیار برای تربیت اثربخش مطرح می‌شوند:

- آیا در عین قاطعیت، محبت‌آمیز هم هست؟
- آیا به بچه‌ها کمک می‌کند احساس تعلق و اهمیت بکنند؟
- آیا در بلندمدت تأثیر مثبت دارد؟ (تنبیه در کوتاهمدت تأثیر می‌گذارد، ولی نتیجه‌های بلندمدت منفی دارد).
- آیا مهارت‌های ارزشمند زندگی را برای دستیابی فرد به شخصیتی خوب و سالم آموزش می‌دهد؟ (احترام، توجه به دیگران، حل مسئله، مسئولیت‌پذیری، همکاری و ...).

تنبیه، هیچ‌یک از این معیارها را برآورده نمی‌کند، بلکه شیوه‌های آموزش داده شده در تربیت سالم این معیارها را در بر می‌گیرد. معیار اول، یعنی مهربانی و قاطعیت هم‌زمان، مفهوم زیربنایی تربیت سالم است. مهربانی برای نشان دادن احترام به کودک اهمیت دارد و قاطعیت برای نشان دادن احترام به خودمان. شیوه‌های مستبدانه معمولاً از مهربانی بی‌بهره‌اند. شیوه‌های آسان‌گیرانه قاطعیت ندارند. مهربانی و قاطعیت هم‌زمان، برای تربیت سالم ضروری هستند.

مطالعه دقیق این دو کتاب دریچه جدیدی به روی علاقه‌مندان حوزه تربیت خواهد گشود.

به قلم معلم



مریم غفاری، آموزگار پایه پنجم، مدرسه شهید قاضی ۲، کرج

کرونا در زندگی هر کس تأثیری بجا گذاشت و بالاخص در زندگی ما معلمان غوغایی به پا کرد.

خاطرات کرونایی ما کم نبود و همراه شد با غم، شادی، اشک و لبخند. از جمله دغدغه‌های من، حضور به‌موقع دانش‌آموزانم در کلاس، ارسال و بازخورد تکالیف انجام شده و آزمون‌های آنلاین بود که به‌طور مرتب برگزار و نتایج را داغ داغ در کلاس بارگذاری می‌کردم. شدیداً پیگیر بودم و کوچک‌ترین کوتاهی و کاهلی را رصد می‌کردم.

مدتی بود که نیما در آزمون‌های آنلاین و تکالیف مربوط به درس‌هایش، جز ریاضی و فارسی، شرکت نداشت. مدام در صفحات شخصی او از پدر و مادرش پیگیری می‌کردم، اما جوابم تنها سکوت بود. به‌طوری که نگران شدم و با مدیر مدرسه تماس گرفتم. از دلواپسی‌ام در مورد نیما و انجام نشدن تکالیفش گفتم. مدیر مدرسه هم از دست او گله داشت که چرا ثبت نام کتاب‌های درسی سال بعد را هم انجام نداده و حتی جواب تماس‌های او را هم نمی‌دهند. خلاصه، بعد از گذشت یک هفته و غصه خوردن بنده، که مبادا طفلک من کرونایی شده و من خبردار نیستم، گوشی تلفنم زنگ خورد. خدای من نیما بود! با ترس و لرز گوشی را جواب دادم. منتظر خبر بد بودم که ناگهان صدای شیرین نیما جانم، با همان لهجه محلی، در گوشم پیچید: «خانم معلم، ببخشید. من رفتم سفر و فقط کتاب‌های فارسی و ریاضی را بردم. رویم نمی‌شد به شما زنگ بزنم! حالا که اصرار دارید من درسم را بخوانم، می‌شه سؤالات درس‌ها را تک به تک برای من بفرستید تا من بخوانم و بعد دوباره از من آزمون بگیرید؟»

فکر کنم حالت انفجار و صورت کج شده از خشمم از پشت تلفن معلوم بود، زیرا نیما زود خداحافظی کرد و تماس قطع شد. کمی که آرام‌تر شدم، خدا را بابت سلامتی دانش‌آموزم شکر کردم و همچنین از بابت بی‌فکری پاره‌ای از اولیا غصه‌دار شدم! فردای آن روز با مدیر مدرسه تماس گرفتم و خبر پیدا شدن نیما و سلامت او را دادم. ایشان هم بابت پیگیری‌های من تشکر کرد. بعد از کلنجار رفتن فراوان با خودم، بالاخره خودم را قانع کردم که نباید دانش‌آموزم را فدای بی‌فکری اولیا کنم! سؤالات درس به درس را برای نیما فرستادم و آزمون‌های او را با یک روز تأخیر برگزار کردم.



سال جهشی تولید

رشد برای رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد:

الف) مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی. (ب) واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل‌شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳ شماره شبیا: IR180180000000000039662000

عنوان مجلات درخواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

کد پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸، ۸۸ ۴۹۰۱۱۶

Email: Eshterak@roshdmag.ir

هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۹۰۰/۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال



اسامی برندگان چهارمین دوره فراخوان خاطرات معلمی

هیئت داوران جشنواره خاطره‌های معلمی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹
ضمن تشکر از تمامی شرکت‌کنندگان در این فراخوان، اسامی برندگان این دوره را به شرح زیر اعلام کرد:

● نفرات اول

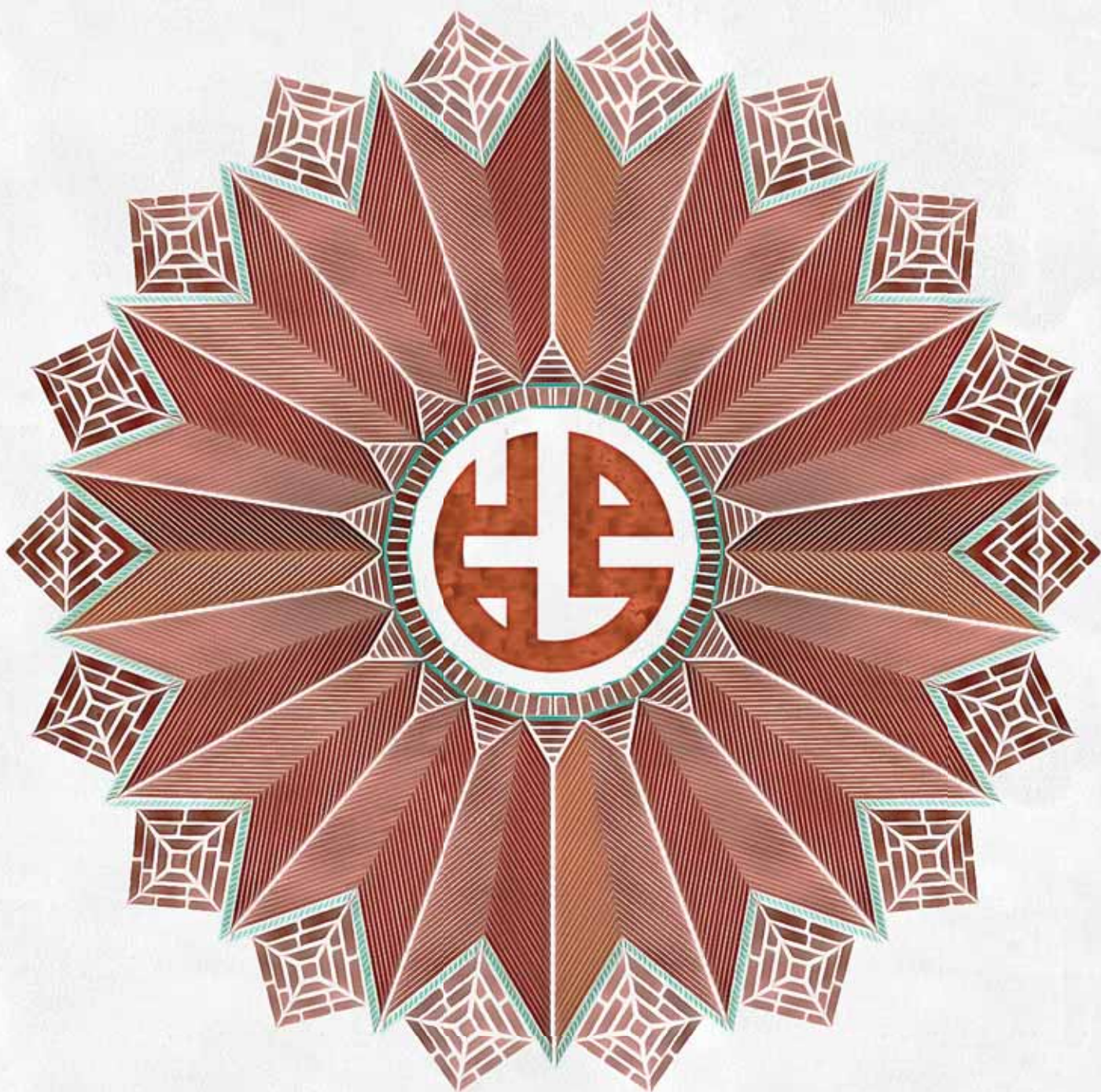
رضوان سادات باختر / اصفهان، آران و بیدگل
منیره اسلامی نصرت‌آبادی / یزد
زهرابلیوند / خوزستان
زهره سزاوار رحمت / خراسان رضوی، مشهد
الهه فرخی فرخانی / خراسان رضوی، مشهد

● نفرات دوم

فرزانه شول / کرمان، سیرجان
سیدمهران حسینی / تهران
مریم شامی / زنجان
ساجده عیدی / هرمزگان، بندرکنگ
طاهره عامری / تهران، ری

● نفرات سوم

هادی زارع / خراسان شمالی، شیروان
کوروش مساحی زلانی / کرمانشاه
شهناز یوسف زاده / تهران
ابوذر هادی پور / کهگیلویه و بویراحمد، دهدشت
لیلا قادرپور / آذربایجان غربی، سردشت



پیامبر عزیز خدا (صلی الله علیه وآله) می فرماید:
بیشترین مردم از نظر ارزش، بیشترین آن هاست از نظر دانش.

بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۴